



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



مجموعه مقالات برگزیده

همایش علمی - پژوهشی زلال اندیشه و صوتی

# زلال اندیشه و صوتی

ژانرهای علوم انسانی و فقهی



با همکاری دبیرخانه شورای عالی فرهنگی استان قم و صوتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زالال اندیشه رضوی: مجموعه مقالات برگزیده همایش

نویسنده:

شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی

ناشر چاپی:

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۳	زالال اندیشه رضوی: مجموعه مقالات برگزیده همایش
۱۳	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۶	فهرست مطالب
۲۶	درآمد
۳۱	خردورزی در اندیشه کلامی امام رضا علیه السلام
۳۱	اشاره
۳۱	چکیده
۳۲	مقدمه
۳۴	جایگاه عقل در کلام امام رضا علیه السلام
۳۶	تجلی عقل در مناظرات کلامی امام رضا علیه السلام
۳۷	امام رضا علیه السلام و به کار گیری عقل در امور نظری
۳۷	اشاره
۳۷	۱. عقل و استناد حدوث اراده به امر بدیهی
۳۸	۲. عقل و نفی وجود ذاتی ما سوی الله
۴۰	۳. کاربرد عقل در اثبات توحید صفاتی
۴۲	۴. کاربرد عقل در اثبات حدوث عالم
۴۴	۵. کار برد عقل در توحید افعالی و نفی جبر و تفویض
۴۷	جمع بندی و نتیجه گیری
۴۸	منابع
۵۱	امام رضا علیه السلام در برابر اهل حدیث، معتزله و واقفیان
۵۱	اشاره
۵۱	چکیده

مقدمه	۵۱
اشاره	۵۱
۱. اسباب پیدایش فرقه ها و مذاهب در میان مسلمانان	۵۲
اشاره	۵۲
الف) خلأ رهبری	۵۲
ب) فتوحات اسلامی	۵۲
ج) امیال و هواهای نفسانی	۵۲
د) غموض و دشواری مسأله	۵۲
ه) تقلید از گذشتگان	۵۲
۲. اسباب پیدایش فرقه ها در میان شیعیان	۵۳
اشاره	۵۳
الف) تفرقه پراکنی	۵۳
ب) تلاش برای بی پایه نشان دادن تشیع	۵۳
ج) بزرگ نمائی اختلافات	۵۳
اختلاف در شرایط امام	۵۳
نمایی از عصر امام رضا علیه السلام	۵۴
اشاره	۵۴
۱. امام رضا علیه السلام و معتزله	۵۵
الف) پیدایی معتزله	۵۵
ب) پویایی معتزله	۵۶
ج) اصول عقاید معتزله	۵۶
د) امام رضا علیه السلام، معتزله و مسأله خَلْقِ قرآن	۵۷
۲. امام رضا علیه السلام و اهل حدیث	۵۸
الف) اهل حدیث چه کسانی هستند؟	۵۸
ب) امام رضا علیه السلام و اهل حدیث	۵۹
۳. امام رضا علیه السلام و دانشمندان برجسته ادیان مختلف	۶۰

۶۱	۴. امام رضا علیه السلام و واقفیان
۶۱	اشاره
۶۲	الف) توضیح اندیشه وقف
۶۲	ب) وقف سیاسی و اعتقادی
۶۳	ج) انگیزه های وقف
۶۴	د) اندیشه وقف در دوره های مختلف
۶۵	ه) دلایل و نصوص بر امامت امام رضا علیه السلام
۶۶	و) اقسام واقفیان دوران امام رضا علیه السلام
۶۸	ز) بزرگان و دانشمندان واقفی
۷۰	ح) بازگشت برخی از واقفیان از باور به وقف
۷۲	نتیجه گیری
۷۳	منابع
۷۶	روش شناسی مناظرات امام رضا علیه السلام
۷۶	اشاره
۷۶	چکیده
۷۷	مناظره در اسلام و نقش آن در پیشبرد هدف ها
۷۸	دانش امام رضا علیه السلام
۸۱	روش های مورد استفاده امام رضا علیه السلام در مناظرات
۸۱	۱. استفاده از روش های عقلی و استدلالی
۸۲	۲. تکیه بر اصول مشترک بین ادیان
۸۳	۳. به کارگیری فصاحت در گفتار
۸۴	۴. تکریم طرف مناظره
۸۶	۵. تفویض مسؤلیت به تازه مسلمانان
۸۶	۶. عنایت به احکام الهی
۸۷	۷. استفاده از نیروی تصرف در امور طبیعی
۸۸	۸. تسلط بر علوم و زبان های مختلف

- ۸۹ ..... ۹. داشتن سعه صدر
- ۹۰ ..... ۱۰. توجه به مقتضای جلسه مناظره
- ۹۰ ..... ۱۱. استناد به منابع قابل قبول طرف مناظره
- ۹۳ ..... ۱۲. آزادگی و روح علمی
- ۹۴ ..... ۱۳. تسلط، آرامش و انصاف
- ۹۵ ..... نتیجه گیری
- ۹۷ ..... منابع
- ۱۰۱ ..... نقش امام رضا علیه السلام در ارتقاء و تقویت تشیع در ایران
- ۱۰۱ ..... اشاره
- ۱۰۱ ..... چکیده
- ۱۰۲ ..... تشیع در ایران
- ۱۰۳ ..... نقش امام رضا علیه السلام در ارتقاء و تقویت تشیع در ایران
- ۱۰۳ ..... اشاره
- ۱۰۳ ..... الف) امام در مسیر مرو
- ۱۰۴ ..... ب) نقل حدیث در نیشابور
- ۱۰۵ ..... اقدامات عملی امام برای تقویت تشیع در ایران
- ۱۰۵ ..... اشاره
- ۱۰۶ ..... الف) تشکیل جلسات مناظره
- ۱۰۶ ..... ب) رفت و آمد شیعیان به محضر امام
- ۱۰۷ ..... ج) نامه نگاری های امام
- ۱۰۷ ..... د) پشتیبانی اقتصادی و کمک به مستمندان
- ۱۰۸ ..... ه) پشتیبانی فرهنگی و تشویق شعرا
- ۱۰۹ ..... آثار حضور امام در تقویت تشیع در ایران
- ۱۰۹ ..... اشاره
- ۱۰۹ ..... الف) آثار و بناها
- ۱۰۹ ..... ب) مهاجرت سادات



۱۱۱	ج) قیام های سادات بر علیه خلافت جور
۱۱۳	منابع
۱۱۷	فرهنگ و آداب زیارت
۱۱۷	اشاره
۱۱۷	چکیده
۱۱۸	مقدمه
۱۱۹	کلیات
۱۱۹	۱. طرح مسأله
۱۱۹	۲. ضرورت و اهمیت
۱۲۰	۳. اهداف
۱۲۰	الف) هدف کلی
۱۲۰	ب) اهداف جزئی
۱۲۰	۴. پیشینه
۱۲۱	۵. ساختار
۱۲۱	اشاراتی پیرامون فرهنگ، ادب و زیارت
۱۲۱	اشاره
۱۲۱	۱. تعاریف کاربردی
۱۲۱	الف) فرهنگ
۱۲۳	ب) ادب
۱۲۴	ج) زیارت
۱۲۵	د) زائر
۱۲۵	۲. پیشینه تاریخی زیارت
۱۲۷	۳. فلسفه زیارت
۱۲۹	۴. نقش زیارت در بهداشت روانی
۱۳۰	فرهنگ و ادب زیارت امام رضا علیه السلام
۱۳۰	اشاره

۱. آستانه سفر ..... ۱۳۰
- اشاره ..... ۱۳۰
- الف) اصول فرهنگی ..... ۱۳۱
- ب) شاخصه های ادب زیارت ..... ۱۳۲
۲. هنگام ورود به حرم ..... ۱۳۴
- اشاره ..... ۱۳۴
- الف) اصول فرهنگی ..... ۱۳۴
- ب) اداب ..... ۱۳۸
۳. پس از زیارت ..... ۱۵۰
- نتیجه گیری ..... ۱۵۰
- پیشنهادات و راهکارها ..... ۱۵۲
- اشاره ..... ۱۵۲
- پیشنهاداتی به مسئولین فرهنگی ..... ۱۵۲
- پیشنهاداتی به زائرین ..... ۱۵۳
- منابع ..... ۱۵۴
- زیارت حضرت رضا علیه السلام از دیدگاه اهل سنت ..... ۱۵۸
- اشاره ..... ۱۵۸
- چکیده ..... ۱۵۸
- سخن آغازین ..... ۱۵۹
- فضیلت زیارت ..... ۱۶۰
- اشاره ..... ۱۶۰
۱. در نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ..... ۱۶۰
۲. در نگاه امام کاظم علیه السلام ..... ۱۶۱
۳. در نگاه امام رضا علیه السلام ..... ۱۶۲
۴. در نگاه امام جواد علیه السلام ..... ۱۶۳
۵. در نگاه امام هادی علیه السلام ..... ۱۶۳

۱۶۴	زیارت اهل سنت
۱۶۴	اشاره
۱۶۴	۱. قرن چهارم
۱۶۶	۲. قرن پنجم
۱۷۰	۳. قرن هشتم
۱۷۱	۴. قرن نهم
۱۷۱	۵. قرن دهم
۱۷۵	۶. قرن چهاردهم
۱۷۵	آستان حضرت علیه السلام
۱۷۵	اشاره
۱۷۶	۱. قرن سوم و چهارم
۱۷۶	۲. قرن هشتم
۱۷۸	سخن پایانی
۱۸۰	منابع
۱۸۴	سیمای امام رضا علیه السلام در اشعار شعرای شیعی معاصر آن حضرت
۱۸۴	اشاره
۱۸۴	چکیده
۱۸۵	مقدمه
۱۸۸	شعرای معاصر امام رضا علیه السلام
۱۸۸	اشاره
۱۸۸	۱. ابونواس
۱۹۱	۲. دعیل خُزاعی
۱۹۵	۳. ابراهیم بن عباس الصولی
۱۹۸	نتیجه گیری
۱۹۹	منابع
۲۰۰	لیست مقالات رسیده به همایش

۲۱۷ ----- لیست چکیده مقالات رسیده به همایش (اصل مقاله واصل نگردید)

۲۲۳ ----- درباره مرکز

## زال اندیشه رضوی: مجموعه مقالات برگزیده همایش

### مشخصات کتاب

سرشناسه: همایش علمی - پژوهشی زال اندیشه رضوی (۱۳۸۹: مشهد)

عنوان و نام پدیدآور: زال اندیشه رضوی: مجموعه مقالات برگزیده همایش... / برگزارکننده همایش معاونت پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، با همکاری شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی؛ دبیر علمی همایش علی جلائیان اکبرنیا؛ تنظیم کننده رضا وطن دوست.

مشخصات نشر: مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص.

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۷۳-۷۸-۵

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ق. -- کنگره ها

موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ق. -- فضایل -- کنگره ها

شناسه افزوده: وطن دوست، رضا، ۱۳۳۹ -

شناسه افزوده: جلائیان اکبرنیا، علی، ۱۳۵۰ -

شناسه افزوده: دانشگاه علوم اسلامی رضوی

شناسه افزوده: دانشگاه علوم اسلامی رضوی. معاونت پژوهشی

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. شورای عالی فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۸۳/BP۴۷/۳۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۷۸۳۶۵

ص: ۱

## اشاره

زالال اندیشه رضوی

مجموعه مقالات برگزیده

همایش علمی - پژوهشی زالال اندیشه رضوی

معاونت پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

با همکاری

دبیرخانه شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی

ص: ۲

زالال اندیشه رضوی

برگزارکنندی همایش: معاونت پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

دبیر علمی همایش: علی جلائیان اکبرنیا

تنظیم کننده: رضا وطن دوست

طراح جلد: جواد سعیدی

چاپ اول: آذر ۱۳۸۹

شمارگان تا کنون: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ دوم: تیر ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

مدیر اجرایی پژوهش و ناظر چاپ: علی اصغریار

حروفچینی و صفحه آرایی: واحد نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چاپ و صحافی: مؤسسه فرهنگی قدس

مرکز توزیع

مشهد مقدس: حرم مطهر، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی

صندوق پستی: ۱۱۹۳-۹۱۷۳۵ تلفن و دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۳۶۸۱۷

[www.razavi.ac.ir](http://www.razavi.ac.ir)

حق چاپ محفوظ است

## فهرست مطالب

فهرست مطالب ۳

درآمد ۹

خردورزی در اندیشه کلامی امام رضا علیه السلام ۱۴

چکیده ۱۴

مقدمه ۱۵

جایگاه عقل در کلام امام رضا علیه السلام ۱۷

تجلی عقل در مناظرات کلامی امام رضا علیه السلام ۱۹

امام رضا علیه السلام و به کار گیری عقل در امور نظری ۲۰

۱. عقل و استناد حدوث اراده به امر بدیهی ۲۰

۲. عقل و نفی وجود ذاتی ما سوی الله ۲۱

۳. کاربرد عقل در اثبات توحید صفاتی ۲۳

۴. کاربرد عقل در اثبات حدوث عالم ۲۵

۵. کاربرد عقل در توحید افعالی و نفی جبر و تفویض ۲۷

جمع بندی و نتیجه گیری ۳۰

منابع ۳۱

امام رضا علیه السلام در برابر اهل حدیث، معتزله و واقفیان ۳۳

چکیده ۳۳

مقدمه ۳۳



۱. اسباب پیدایش فرقه ها و مذاهب در میان مسلمانان ۳۴

۲. اسباب پیدایش فرقه ها در میان شیعیان ۳۵

نمایی از عصر امام رضا علیه السلام ۳۶

۱. امام رضا علیه السلام و معتزله ۳۷

ص: ۴

۲. امام رضا علیه السلام و اهل حدیث ۴۰

۳. امام رضا علیه السلام و دانشمندان برجسته ادیان مختلف ۴۲

۴. امام رضا علیه السلام و واقفیان ۴۳

نتیجه گیری ۵۴

منابع ۵۵

روش شناسی مناظرات امام رضا علیه السلام ۵۷

چکیده ۵۷

مناظره در اسلام و نقش آن در پیشبرد هدف ها ۵۸

دانش امام رضا علیه السلام ۵۹

روش های مورد استفاده امام رضا علیه السلام در مناظرات ۶۲

۱. استفاده از روش های عقلی و استدلالی ۶۲

۲. تکیه بر اصول مشترک بین ادیان ۶۳

۳. به کارگیری فصاحت در گفتار ۶۴

۴. تکریم طرف مناظره ۶۵

۵. تفویض مسؤلیت به تازه مسلمانان ۶۷

۶. عنایت به احکام الهی ۶۷

۷. استفاده از نیروی تصرف در امور طبیعی ۶۸

۸. تسلط بر علوم و زبان های مختلف ۶۹

۹. داشتن سعه صدر ۷۰

۱۰. توجه به مقتضای جلسه مناظره ۷۱

۱۱. استناد به منابع قابل قبول طرف مناظره ۷۱

۱۲. آزادگی و روح علمی ۷۴

۱۳. تسلط، آرامش و انصاف ۷۵

نتیجه گیری ۷۶

منابع ۷۸

نقش امام رضا علیه السلام در ارتقاء و تقویت تشیع در ایران ۸۱

چکیده ۸۱

تشیع در ایران ۸۲

نقش امام رضا علیه السلام در ارتقاء و تقویت تشیع در ایران ۸۳

الف) امام در مسیر مرو ۸۳

ب) نقل حدیث در نیشابور ۸۴

اقدامات عملی امام برای تقویت تشیع در ایران ۸۵

الف) تشکیل جلسات مناظره ۸۶

ب) رفت و آمد شیعیان به محضر امام ۸۶

ج) نامه نگاری های امام ۸۷

د) پشتیبانی اقتصادی و کمک به مستمندان ۸۷

ه) پشتیبانی فرهنگی و تشویق شعر ۸۸

آثار حضور امام در تقویت تشیع در ایران ۸۹

الف) آثار و بناها ۸۹

ب) مهاجرت سادات ۸۹

ج) قیام های سادات بر علیه خلافت جور ۹۱

منابع ۹۳

فرهنگ و آداب زیارت ۹۵

چکیده ۹۵

مقدمه ۹۶

کلیات ۹۷

۱. طرح مسأله ۹۷

۲. ضرورت و اهمیت ۹۷

۳. اهداف ۹۸

۴. پیشینه ۹۸

۵. ساختار ۹۹

اشاراتی پیرامون فرهنگ، ادب و زیارت ۹۹

۱. تعاریف کاربردی ۹۹

۲. پیشینه تاریخی زیارت ۱۰۳

۳. فلسفه زیارت ۱۰۵

۴. نقش زیارت در بهداشت روانی ۱۰۷

فرهنگ و ادب زیارت امام رضا علیه السلام ۱۰۸

۱. آستانه سفر ۱۰۸

۲. هنگام ورود به حرم ۱۱۲

۳. پس از زیارت ۱۲۸

نتیجه گیری ۱۲۸

پیشنهادات و راهکارها ۱۳۰

پیشنهاداتی به مسئولین فرهنگی ۱۳۰

پیشنهاداتی به زائرین ۱۳۱

منابع ۱۳۲

زیارت حضرت رضا علیه السلام از دیدگاه اهل سنت ۱۳۵

چکیده ۱۳۵

سخن آغازین ۱۳۶

فضیلت زیارت ۱۳۷

۱. در نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۱۳۷

۲. در نگاه امام کاظم علیه السلام ۱۳۸

۳. در نگاه امام رضا علیه السلام ۱۳۹

۴. در نگاه امام جواد علیه السلام ۱۴۰

۵. در نگاه امام هادی علیه السلام ۱۴۰

زیارت اهل سنت ۱۴۱

۱. قرن چهارم ۱۴۱

۲. قرن پنجم ۱۴۳

۳. قرن هشتم ۱۴۷

۴. قرن نهم ۱۴۸

۵. قرن دهم ۱۴۸

۶. قرن چهاردهم ۱۵۱

آستان حضرت عليه السلام ۱۵۱

۱. قرن سوم و چهارم ۱۵۲

۲. قرن هشتم ۱۵۲

ص: ۷

سخن پایانی ۱۵۴

منابع ۱۵۶

سیمای امام رضا علیه السلام در اشعار شعرای شیعی معاصر آن حضرت ۱۵۹

چکیده ۱۵۹

مقدمه ۱۶۰

مقام و منزلت شعر و شاعری نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام ۱۶۱

شعرای معاصر امام رضا علیه السلام ۱۶۳

۱. ابونواس ۱۶۳

۲. دعبل خُزاعی ۱۶۶

۳. ابراهیم بن عباس الصّولی ۱۷۰

نتیجه گیری ۱۷۳

منابع ۱۷۴

لیست مقالات رسیده به همایش ۱۷۵

لیست چکیده مقالات رسیده به همایش ۱۷۹





## درآمد

امامت و سرپرستی جامعه اسلامی از مسایل مهم و حساس و ضامن پیشرفت معنوی و اجتماعی مردمان است. امام جانشین خدا و رسولش بوده و سمت و سوی حرکت امت را مشخص می نماید. او زمام دین، رشته کار مسلمین، آبادانی دنیا و سرافرازی مؤمنان است.

امامان معصوم علیهم السلام ریسمان محکم الهی و کشتی نجاتند و امامت نیز کشتی با عظمتی است که مقصدی معین در پیش دارد. حرکتی به سوی کمال و وصول الی الله، راهی طولانی و پرفراز و نشیب، راهی که پیمودنش بسته به شرایط زمان و مکان است، گاهی باید با سرعت رفت و گاه آرام، و حتی زمانی هم توقف؛ توقفی که خود حرکتی است در مسیر رسیدن به مقصود.

به عنوان مثال، هدایت کشتی بزرگی که سفری طولانی در پیش دارد، بر دوش افراد مختلفی گذاشته می شود. هنگامی که هدایتگر کشتی عوض می شود، هدف و مسیر حرکت، تغییر نمی کند و برنامه عوض نمی شود. هر چند هر یک به تناسب شرایط دریا و جو، به حرکت ادامه می دهند. ولی همه به یک هدف می اندیشند و به یک سوی می روند. اگر سرعتی افزایش می یابد یا کم می شود و اگر تغییر جهتی پیش می آید همه وابسته به مسیر است که هر ناخدای فهیم و با تجربه ای بود این گونه عمل می نمود.

امامان معصوم علیهم السلام - که هدایتگران جامعه و بشریت به سوی خوبیها و کمال هستند - مقصد و مقصودی واحد دارند که همه به سوی آن حرکت می کنند. اگر صلح و جنگی است، اگر اشک و دعایی است یا ایجاد دانشگاه

و کُرسی تدریس و یا مبارزه اعتقادی مورد توجه ویژه قرار گرفته و اگر حضوری است و غیبتی، همه و همه در مسیر حرکت کشتی امامت است و هر یک از امامان اگر در زمان امام دیگر بودند به گونه ای عمل می نمودند که امام آن زمان انجام می داد.

از این رو باید به امامتِ امامان معصوم علیهم السلام به عنوان یک جریان با مبانی ثابت نگریست و امامت را یک جریان دانست که هر امام در شرایط مختلف، برای هدایت مردم رفتاری متناسب با زمان و مکان خویش برمی گزیدند تا حرکت این جریان دچار آسیب نشود. لذا به مثال اگر امام حسین علیه السلام به تناسب زمان و مکان در سال ۶۰ و ۶۱ هجری قیام را بر علیه یزید برمی گزیند؛ همان امام به تناسب شرایط سالهای ۵۰ تا ۶۰ هجری صلح امام حسن علیهم السلام با معاویه را ادامه می دهد و چون برادر، ده سال صلح را برای مصالح دین و مسلمین به جان می خورد.

از این رو برای شناخت صحیح امامان معصوم علیهم السلام باید جنبه های مختلف زندگی آنان با توجه به بُعد امامت آنان مورد مطالعه قرار گیرد. چه بُعد اصلی زندگی آنان امامت آنها است که آن نیز باید به عنوان یک جز از کل جریان امامت دیده شود.

مقام معظم رهبری در صحبت های گهربارشان بارها به این مسأله اشاره نموده اند. از آن جمله ایشان می فرمایند: «زندگی ائمه علیهم السلام را ما به عنوان درس و اسوه باید فرا بگیریم، و نه فقط به عنوان خاطره ای شکوه مند و ارزنده، و این، بدون توجه به روش و منش سیاسی این بزرگواران ممکن نیست. بنده شخصاً علاقه به این بُعد از زندگی ائمه علیهم السلام پیدا کردم و بد نیست که این را عرض کنم که اول بار، این فکر برای بنده در سال ۱۳۵۰، در دوران محنت بار یک امتحان و ابتلای دشواری پیدا شد. اگر چه قبل از آن به ائمه علیهم السلام، به صورت مبارزان بزرگی که در راه اعتلای کلمه توحید و

استقرار حکومت الهی فداکاری می کردند، توجه داشتم، اما نکته ای که در آن برهه، ناگهان برای من روشن شد، این بود که زندگی این بزرگواران، علیرغم تفاوت ظاهری که حتی بعضی در آن احساس تناقض کرده اند، در مجموع، یک حرکت مستمر طولانی است.»

سوگمندان این نگاه کمتر مورد عنایت قرار گرفته است و کمتر در این باره نوشته ای در دست است. دانشگاه علوم اسلامی رضوی در قدمی برای تبیین این موضوع علاوه بر اختصاص چند شماره از مجله اندیشه حوزه به بحث امامت شناسی به خصوص شماره ۸۱ و ۸۲ که به تبیین استراتژی و دوره های تاریخی امامت از منظر مقام معظم رهبری پرداخته، همایشی را تحت عنوان «زال اندیشه رضوی» با هدف تبیین این موضوع ترتیب داد. هر چند استقبال خوبی از این همایش شد، اما نزدیک به همه مقالات رسیده در موضوعات فرعی همایش ارائه شد. که امید است در قدم های بعدی این هدف جبران شود.

استقبال از همایش چه در ارسال مقاله و چکیده و چه در اعلام آمادگی برای نگارش مقاله چشم گیر بود، به گونه ای که بیش از صد نفر اعلام آمادگی و ارسال چکیده نمودند.

از میان این مجموعه تا پایان وقت اعلام شده هفتاد و هفت مقاله به دبیرخانه همایش ارسال گردید.

مقالات رسیده در مرحله نخست دسته بندی موضوعی شده و در دو مرحله ارزیابی گردید و پس از آن مقالات برتر نسبت به میزان استفاده از اینترنت بررسی شد. پس از این مراحل کمیته داوران هشت مقاله برتر را که امتیاز بالاتر از هشتاد کسب نموده بودند به عنوان مقالات برتر اعلام نمود.

کمیته داوران عبارت بودند از حجج اسلام دکتر سید احمد سجادی نژاد، علی جلائیان و آقایان دکتر اردلان جوان و دکتر غلام عباس سعیدی.

ضمن تشکر از کلیه کسانی که در برگزاری این همایش ما را یاری رسانیدند به ویژه دبیرخانه شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی و ارسال کنندگان مقالات، مقالات برتر را در این دفتر تقدیمتان می نمایم.

در این جا شایسته است از کلیه شرکت کنندگان در همایش نیز تقدیر و تشکر گردد به ویژه امام جمعه محترم مشهد مقدس حضرت آیت الله سید احمد علم الهدی که با سخنرانی و تبیین مراد از زلال اندیشه رضوی بر غنای جلسه افزودند. ابتدا تصمیم بر این بود که سخنرانی این بزرگوار در این دفتر پیشکش حضور علاقه مندان گردد ولی برای استفاده بهتر لوح فشرده سخنرانی آماده تقدیم به دانش دوستان می باشد.

مقالات ارائه شده به ترتیب موضوع چینش یافته اند نه رتبه کسب شده، در امر ویرایش علمی و فنی سعی بر این بوده است که مقالات به میزان زیادی دستخوش تغییر نگردند.

این نکته نیز به ارباب مقالات گفتنی است که هدف اصلی همایش ها، تولید علم و آرایه مطالبی نو و جدید است لذا شایسته بلکه بایسته است از ارسال مکرر یک مقاله با شکل ها و عناوین متفاوت به فراخوان های مختلف اجتناب گردد و مقالات اینترنتی و موارد مشابه، نوشته قابل آرایه انگاشته نگردد.

در پایان شایسته است گذری کوتاه به زندگی امام رئوف ثامن الأئمه علیه السلام داشته باشیم.

نام مبارکشان علی و معروف ترین لقبشان رض-ا و کنیه مبارکشان ابوالحسن می باشد. (۱)

پدر بزرگوارشان امام موسی بن جعفر علیه السلام و مادرشان بانویی عقیف و خردمند به نام تکتم از اهالی نوبه مغرب بود. آنگاه که او مفتخر به همسری

---

۱- . علامه محقق اربلی، کشف الغمه، ترجمه و شرح علی بن حسین زواره ای، ج ۳، ص ۷۲.

امام کاظم علیه السلام شد و به منزل آن حضرت راه یافت، به دلیل نورانیتی که داشت، او را «نجمه» خواندند و پس از آن که امام رضا علیه السلام از او متولد شد او را طاهره نامیدند.

نور وجود حضرت در این دنیا با تولدشان در ۱۱ ذیقعدہ سال ۱۴۸ ق در شهر مدینه تأییدن گرفت.

سر انجام پس از ۲۰ سال امامت امت و ۵۵ سال عمر با برکت و در آخر ماه صفر سال ۲۰۳ ق به دست مأمون به شهادت رسید.

دوره های زندگی امام علیه السلام را می توان به لحاظ ظاهر، به سه دوره تقسیم نمود:

۱- دوران ۳۵ ساله پیش از امامت؛ (۱۴۸-۱۸۳).

۲- دوران ۱۷ ساله امامت، پیش از هجرت به ایران؛ (۱۸۳-۲۰۰).

۳- دوران ۳ ساله امامت، پس از هجرت؛ (۲۰۰-۲۰۳).

دوران امامت حضرت با خلافت سه تن از خلفای عباسی هم زمان بود. مدت ۱۰ سال، معاصر با خلافت هارون و مدت ۵ سال، معاصر با خلافت امین و ۵ سال نیز، هم زمان با خلافت مأمون بود.

بسیاری از تاریخ نویسان بر این باورند که امام رض- علیه السلام فرزندی جز امام جواد علیه السلام نداشته است، در حالی که تا پنج پسر و یک دختر نیز برای آن حضرت نقل کرده اند. (۱)

علی جلائیان اکبرنیا

دبیر علمی همایش

## خردورزی در اندیشه کلامی امام رضا علیه السلام

### اشاره

رضا وطن دوست (۱)

### چکیده

شناخت حقایق و مراتب هستی از طریق وحی و الهام درونی امکان پذیر است و یا از راه برهان و استدلال منطقی. قرآن و دیگر آموزه های اسلامی بیانگر این واقعیت است که هر گفتار و باوری زمانی واقعیت می یابد که مستند به وحی و یا عقل باشد، و حتی گاه شرایط به گونه ای رقم می خورد که تنها معیار قابل قبول در اثبات حقایقی همچون اثبات صانع، توحید، معاد و مانند آن عقل است، زیرا نمی توان با وحی آنچه را که مربوط به آن است اثبات کرد، چه در این صورت محال منطقی و دور لازم می آید. از این رو آنگاه که قرآن کریم از آیات الهی، آفرینش و مسائل اعتقادی سخن به میان می آورد، همگان را به تفکر و تعقل وای دارد که منظور، همان تفکر منطقی است. بنابراین، عقل چراغی فروزان است که می توان به کمک آن، فراسوی بشریت را روشن کرد و همگان را بدان رهنمون ساخت.

امام رضا علیه السلام با توجه به نقش این موهبت الهی و کاربرد آن در استدلال های منطقی و امور نظری، با استفاده از آن به عنوان ابزاری کارآمد در عرصه مباحث علمی و کلامی، به پاسخگویی شبهات و انحرافات فکری و عقیدتی پرداخت و برای اثبات برخی حقایق و مجاب نمودن مخاطبان

خود، از آن استفاده هائی شایان کرد.

این پژوهش که با عنوان «خردورزی در اندیشه کلامی امام رضا علیه السلام» سامان یافته است، می کوشد نمونه هایی از به کار گیری عقل در مناظرات و مباحث کلامی توسط امام رضا علیه السلام را ارائه نماید.

کلید واژگان: امام رضا علیه السلام، معارف رضوی، عقل، خردورزی، امور نظری و استدلال های کلامی.

## مقدمه

شریعت اسلام در آغاز حیات و در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از محیط حجاز فراتر نرفت ولی از آن رو که زیر بنایی استوار و مستحکم داشت، به تدریج رو به گسترش نهاد و در زمانی اندک سراسر دنیای متمدن آن عصر را در نوردید و تمدن های بزرگ روم، ایران، مصر، یمن و کلد و آشور را در کوره داغ فرهنگ و تمدن خود فرو برد تا آنچه را که خرافه و انحراف بود بسوزاند و خاکسترش را دور اندازد و آنچه را که مفید و موافق با مرام یکتاپرستی بود زیر چتر تمدن خود در آورد تا با صبغه الهی و توحیدیش به کمال خود برساند.

از جمله آثاری که در پی پیشرفت های سیاسی، فکری و عقیدتی اسلام عاید گردید، علوم و دانش های دیگر تمدن ها بود که به جامعه اسلامی راه یافت. اما این علوم، هم نا آشنا و بیگانه بود و هم خام و آمیخته با انحرافات. این جا بود که اندیشمندان مسلمان، با فروغ اندیشه خود که از مشعل فروزان قرآن و سنت نبوی شعله گرفته بود، هم به ترجمه این علوم پرداختند و هم به نقد و بررسی عالمانه آن اقدام نمودند و با غربالگری این علوم ابداعاتی قابل توجه آفریدند.

بدیهی است، راه یافتن این علوم به جامعه اسلامی هر چند مفید و در



پیشرفت مسلمانان تأثیر بسزایی داشت اما پیامدهایی نیز با خود به ارمغان آورد، از جمله این پیامدها این بود که اولاً: این علوم سؤال‌ها و شُبهاتی با خود به همراه آورد که نیازمند پاسخی روشن‌گر از سوی عالمانی روشن بین بود و ثانیاً: علوم وارداتی به ویژه فلسفه یونان، برخی افراد کم اطلاع را شیفته خود ساخت تا آنجا که عقل را بر هر چیزی حاکم دانسته و تنها آن را سرچشمه معرفت می‌پنداشتند و از معارف الهی و وحیانی غافل بودند.

عصر امام رضا علیه السلام که به زمان ظهور نهضت ترجمه شهرت یافت، زمانی بود که بحث‌های اعتقادی و کلامی به اوج خود رسید و مناظرات علمی رونقی مضاعف یافت، از این رو آن حضرت که دانش خود را از اجداد بزرگوارش به ارث برده بود و سرچشمه جوشانی از علم در سینه داشت، افزون بر توجه دادن جامعه اسلامی به معارف و حیانی، با استفاده از عقل به عنوان ابزاری کارآمد در مباحث کلامی، به پاسخ‌گویی به شبهات و انحرافات فکری و عقیدتی پرداخت.

آن حضرت در این عرصه هر چند به خاطر ناتوانی علمی عموم مخاطبان، گاه به سؤال‌های آنان پاسخی ساده و دور از پیچ و خم‌های علمی می‌داد؛ لیکن در مناظره با آن دست از حکما و متکلمان اسلامی و غیر اسلامی که به مباحث کلامی آشنا بودند، آنچنان استدلال می‌کرد و عقل را در قالب قضایای منطقی و عقلی به کار می‌گرفت که به راحتی مخاطبان زبر دست خود را مانند عمران صابئی، سلیمان مروزی و جاثلیق مجاب می‌کرد به طوری که بی اختیار زبان به اقرار می‌گشودند و به ضعف و ناتوانی خود و به موقعیت علمی آن حضرت اعتراف می‌کردند.

اباصلت هروی در این باره می‌گوید: من از علی بن موسی الرضا علیه السلام عالم تر ندیدم و هیچ دانشمندی او را ندید مگر آنکه او نیز مانند من به این حقیقت شهادت داد.

مأمون به منظور مناظره با آن حضرت گروهی از دانشمندان ادیان مختلف و متکلمان مسلمان و غیر مسلمان را گرد می آورد، اما همگی مغلوب علوم سرشار او می شدند و به ناتوانی خویش اقرار می کردند. (۱)

توان علمی امام رضا علیه السلام در گفتگوهای علمی و کلامی به حدی بود که حتی مأمون را بر آن داشت تا زبان به اعتراف بگشاید و این چنین به موقعیت علمی آن حضرت اقرار کند و بگوید: «ما أعلم أحدا أفضل من هذا الرجل [علی بن موسی الرضا] علی وجه الأرض: (۲) من هیچ کس را در روی زمین دانایتر از این مرد یعنی علی بن موسی الرضا ندیدم.»

### جایگاه عقل در کلام امام رضا علیه السلام

بی گمان در دنیای آفرینش، حقایق وجود دارد که نه نیازمند اعتنا و اعتبار دیگران است و نه قابل انکار، این از آن رو است که اعتبار کردن حقایق مسلم تحصیل حاصل بوده و خالی از هر گونه فایده خرد پسند می باشد، همان طور که انکار این حقایق جز سفسطه چیزی در پی نخواهد داشت.

ناگفته پیداست از یک سو این حقایق عینی و نظری بوده و دور از هر گونه بداهت است، و از دیگر سو، بدان جهت که انسان ناگزیر از زندگی با این حقایق عینی و تحلیل و تجزیه آنهاست، نه می تواند این گونه حقایق را مهمل گذارد و نه مُجاز است که آن را به تصرف خود سرانه خویش در آورد. بلکه می باید شهباز فکر و اندیشه را بر فراز آسمان این گونه حقایق به پرواز در آورد و آن را آن گونه هست بشناسد.

اکنون جای این سؤال است که معیار بایسته شناخت حقایق و میزان تحلیل و تجزیه آنها چیست؟

۱- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

۲- . شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۶۱.

در پاسخ این سؤال باید گفت: آنچه که در شناخت حقایق و سنجش حق و باطل تأثیر بسزا دارد عقل و نیروی اندیشه آدمی است. این، خرد آدمی است که وی را مدد می‌کند تا بسیاری از حقایق نظری را با استناد به امور بدیهی و ضروری حلّ نماید. این واقعیت را از زبان امام رضا علیه السلام در پاسخ ابن سکیت بشنویم (۱). آن زمان که، او پرسید: «با توجه به این که امروز، مدعیان زعامت و حتّی نبوت، زیاد شده اند حجت خدا بر خلق چیست تا بتوان با کمک آن، حق را از باطل و صادق را از کاذب تشخیص داد؟»

آن حضرت در پاسخ وی روی عقل و خرد آدمی انگشت گذاشت و فرمود: العقلُ يُعرف به الصادقُ علی الله فليصدقه والكاذبُ علی الله فليكدّبه: (۲) به وسیله عقل، راست گفتار نسبت به خدا شناخته می‌شود که باید او را تصدیق کرد، و دروغ زن بر خدا نیز شناخته می‌گردد که باید وی را تکذیب نمود. (۳)

آن حضرت در جای دیگر در اشاره به جایگاه عقل و خرد آدمی و توجه دادن به این موهبت الهی، تفکر و خردورزی در امر خدا را از هر عمل عبادی بالاتر دانسته است چرا که تفکر در امر خداوند قهراً عبادت عملی را نیز در پی خواهد داشت، آن حضرت در تصریح به این مطلب فرمود: «لیس العباده کثره الصلواه والصوم إنّما العباده التفکر فی امر الله: (۴) عبادت به زیادی نماز و روزه نیست بلکه عبادت به تفکر در امر خدای تعالی است.

۱- ابن سکیت ابویوسف یعقوب بن اسحاق، اهوازی است و از شاگردان امام رضا علیه السلام و از خواص امام جواد و امام هادی علیه السلام و علمدار علم عربیت، شعر، لغت و نحو است. متوکل عباسی او را به جرم آنکه امام حسن و امام حسین علیه السلام را در نزد او ستود و قنبر غلام آنان را از دو پسر او برتر معرفی کرد، در سال ۲۴۴ هجری به شهادت رسانید.

۲- محقق بحرانی، الحقایق الناضره، ج ۱، ص ۱۳۰.

۳- شیخ کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۴۷.

۴- مسند امام رضا، تحقیق عزیز الله عطاردی، ۱۴۰۶ق، ص ۳.

آن حضرت در تأیید این مطلب که عقل، معیاری خوب برای تشخیص حق و باطل و سره از ناسره است، همگان را از بسندگی به نقل و روایت عاری از درایت نهی کرده می فرماید: «کونوا دُرَاهُ وَلَا تَكُونُوا رِوَاهُ»؛ حدیثُ تعرفون فقَهه خیرٌ مِنَ الفِ تروونه: (۱) اهل فهم حدیث باشید نه فقط روایت گر آن، حدیثی که با فقه و درایت آن آشنا باشید از هزار حدیثی که آن را بدون درایت روایت می کنید بهتر است.»

### تجلی عقل در مناظرات کلامی امام رضا علیه السلام

علم یا تصدیق است و یا تصور، تصدیقات نیز بر پنج قسم است که عبارتند از: برهان، خطابه، جدل، شعر و مغالطه. اما اینکه امام رضا علیه السلام در مناظرات کلامی خود از کدام قسم از این اقسام استفاده می کرد، از کلام خود آن حضرت می توان استفاده کرد که فرمود: «الامام... يدعو الی سبیل ربّه بالحکمه والموعظه الحسنه والحجه البالغه: (۲) امام... با حکمت، پند زیبا و دلیل رسا به راه خدا دعوت می کند.»

امام با این بیان، روشن ساخته است که او در برخورد با اندیشمندان، با برهان و منطق و به کارگیری عقل وارد گفتگو می شده است، ولی با عموم مردم با موعظه و خطابه و با مخالفان سرسخت خود با جدال احسن سخن می گفت. او که خود حجت الله و برهان کامل است، در بیان حقایق و تبیین معارف الهی، نه از قیاسات شعری استفاده می کرده و نه از قیاسات مغالطی، چرا که این قیاسات نه مفید علم بودند و نه در شأن امام.

با مراجعه به متن مناظرات امام رضا علیه السلام که با مخالفان دین و مذهب و متکلمان اسلامی و غیر اسلامی انجام می داد، به این نکته پی می بریم که

۱- احمد بن علی بن ثابت (خطیب بغدادی)، نصیحه اهل البیت، ص ۳۱.

۲- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۶؛ ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، ص ۴۶۲.

سخنان آن حضرت در خصوص اثبات مدعای خود، با اصول منطقی و عقلانی همراه بوده است به گونه ای که عنصر تعقل و خردورزی جزء لاینفک استدلال های آن امام در هنگام احتجاج و استدلال بوده است. قوه استدلال آن حضرت به حدی بود که دیگران در برابر منطق آن حضرت، توان خود را از دست می دادند و بی اختیار تسلیم مقام علمی او می شدند و زبان به عجز و ناتوانی خود می گشودند. (۱)

### امام رضا علیه السلام و به کار گیری عقل در امور نظری

#### اشاره

آنسان که در دنیای آفرینش، موجود بالغیر را به موجود بالذات مستند می سازند، در دنیای علم نیز می باید معلوم نظری به بدیهی مستند گردد، زیرا امور نظری که نوعی معما در عالم هستی است تنها با ارجاع به امور بدیهی قابل حل می باشد. این نوع استدلال که باید امور نظری را به امور بدیهی مستند ساخت، در مباحث کلامی امام رضا علیه السلام فراوان آمده است که در این مجال برخی از آن موارد را با اختصار یادآور می شویم.

#### ۱. عقل و استناد حدوث اراده به امر بدیهی

از جمله موارد نظری که امام رضا علیه السلام با ارجاع به بدیهیات، آن را حل کرده و برای همگان قابل فهم نموده است، مسأله حدوث اراده خداوند است. آن حضرت برای اثبات این مطلب که اراده حادث است نه ازلی، در مناظره علمی با متکلم زبردستی چون سلیمان بن مروزی فرمود: اراده از دو حال بیرون نیست، یا ازلی و یا حادث است: «اما ان تکون ازلیه او حادثه و سپس فرمود: اگر اراده ازلی باشد حادث نیست و اگر حادث باشد نمی تواند ازلی

۱- نک: حسن رضایی مهر، دفاع از دین، نشریه رسالت، ۱۹/۱/۸۵.

باشد فإن الشيء إذا لم يكن اذلياً كان مُحدثاً و إذا لم يكن مُحدثاً كان اذلياً» (۱).

همان طور که روشن است آن حضرت حدوث اراده الهی را که یک امر نظری است با ارجاع و استناد به این امر بدیهی که اجتماع و ارتفاع نقیضین محال است، قابل فهم و پذیرش نموده است. بنابراین، شیء واحد نمی شود، هم ازلی و هم حادث باشد همچنان که نمی شود نه ازلی باشد و نه حادث.

## ۲. عقل و نفی وجود ذاتی ما سوی الله

ما بر این باوریم که ذات اقدس حق، غنی و بی نیاز است، و آن گونه که دیگر موجودات به او نیازمندند او در هیچ جهتی به هیچ موجود دیگری نیاز ندارد: «یا ایها الانسان انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی» (۲). بنابراین، ذات اقدس او یگانه اصلی است که دیگر موجودات، از او نشأت می گیرند: «قل الله خالق کل شیء» (۳) و سرانجام هر چیزی به همان اصل است و بس: «الا الی الله تصیر الامور» (۴).

امام رضا علیه السلام در راه اثبات وجود ذاتی برای خدا و اثبات وجود مرآتیی برای ما سوی الله، عقل مخاطب را به کمک گرفته و آن را به قضاوتی درست می طلبد، از این رو برای اثبات این مطلب، در پاسخ این سؤال که «أهو فی الخلق او الخلق فیه؟» از طراح این سؤال پرسید: «اول شما به من بگو آنگاه که به آینه نظر کنی و صورت خویش را در آن مشاهده نمایی، آیا تو در آنی یا آن در تو است؟» «أخبرنی فی المرآه أنت فیها أم هی فیک؟» (۵).

این امر مسلم است که در نزد عقل، این انسان است که در آینه است و

۱- . شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۴۴.

۲- . فاطر (۳۵)، آیه ۱۵.

۳- . رعد (۱۳)، آیه ۱۶.

۴- . شورا (۴۲)، آیه ۵۳.

۵- . شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۳۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۱۳.

آینه فقط نقش مرآتیت و آینه بودن را دارد که تصویری از وجود آدمی را به وی منعکس می سازد.

همانطور که روشن است، آن حضرت با ذکر این مثال، خواسته است عقل و اندیشه مخاطب را به فعالیت وا دارد تا این حقیقت را برای او قابل فهم کند و به وی بقبولاند که آنچه از انسان و آینه اصل است انسان است و آینه، آینه است و بس.

براینکه این بحث در وجود آفریدگار هستی و دیگر موجودات این خواهد شد که گفته شود: وجود خداوند اصل و بالذات است و وجود دیگر موجودات تنها مرآت وجود خالق است و نه هیچ چیز دیگر. (۱)

امام رضا علیه السلام در بیان این امر مسلم که ما سوی الله حادث است و هر حادثی مرآت و آیت وجود خداست، گاه این مطلب را بدون ذکر مصداق و به طور کلی بیان کرده و می فرماید: هر چیزی که به غیر خود قائم باشد معلول و حادث است «کُلُّ قائم فی سواه معلول» (۲) و گاه به صورت جزئی و موردی، این امر را روشن ساخته و در سخنی زیبا که وجود خدا را محور قرار داده است می فرماید:

«إِنِّي لَمَّا نَظَرْتُ إِلَى جَسَدِي وَ لَمْ يَمَكُنِّي فِيهِ زِيَادَةٌ وَ لَانْقِصَانٌ فِي الْعَرْضِ وَ الطَّوْلِ وَ دَفْعَ الْمَكَارِهِ فِيهِ وَ جَزَّ الْمَنْفَعَةُ إِلَيْهِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا الْبِنْيَانِ بَأْتِيًا فَأَقْرَرْتُ بِهِ مَعَ مَا أَرَى مِنْ دَوْرَانِ الْفَلَكَ بِقَدْرَتِهِ وَ انْشَاءِ السَّحَابِ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ مَجْرَى الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ النُّجُومِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْآيَاتِ الْعَجِيبَاتِ الْمَبْنُوتِ؟ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا مَقْدَرًا وَ مُنْشِئًا: (۳) آن گاه که به جسم و جسد خویش نگاه کردم و هیچ امکانی در جهت زیادی و نقصان در عرض و طول آن و نیز در جهت دفع

۱- . مجموعه آثار نخستین کنگره حضرت رضا علیه السلام، ص ۷۷.

۲- . شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۵.

۳- . همان، ص ۲۵۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۷۱.

ناملايمت ها و جلب منفعت، نيافتن دانستم كه اين بنيان را معماری است و سپس به وجود او اعتراف كردم، و افزون بر آن، از چرخش فلک كه به قدرت فلک می چرخد، و پديد آمدن ابرها و وزیدن بادهای و جريان خورشيد، ماه و ستارگان و غير آن، از آیات شگفتی برانگيز و روشن دريا فتم كه اين امور را خالق و آفريننده ای است.»

بنابراين ما سوی الله كه عاری از وجود ذاتی است تنها وجودی مرآتی داشته و به عنوان آیه و نشانه وجود واجب الوجود به شمار می آیند.

### ۳. کاربرد عقل در اثبات توحيد صفاتی

توحيد در صفات مانند توحيد در ذات از اصول معارف اسلامی و از عالی ترين اندیشه های بشری است كه در مكتب اهل بيت تبلوری ویژه دارد.

همان گونه كه توحيد ذاتی به معنای نفی شريك و نفی مثل و مانند داشتن است. «ليس كمثله شيء» (۱) توحيد صفاتی نیز به معنای نفی هرگونه كثرت و نفی تركيب از ذات اقدس حق است. يعنی با آنكه ذات خدا، به اوصاف جمال و جلال متصف است فاقد جنبه های مختلف عینی است، يعنی صفات خدا در عين كثرت متحد بوده و تمامی آنها عين ذات خداست؛ چرا كه اختلاف ذات خدا با صفات و نیز اختلاف صفات با يكديگر، مستلزم محدوديت وجود حضرت او است، اين در حالی است كه وجود او نامحدود و عاری از هرگونه صفات محدود كننده وجود اوست.

امام رضا عليه السلام در سخنی شبیه خطبه اول نهج البلاغه امام علی عليه السلام، (۲) به يك لحاظ، هم صفات را از ذات خدا نفی کرده و می فرماید: «اول عباده الله معرفته واصل معرفه الله توحيد، ونظام توحيد الله تعالى نفی الصفات عنه لشهادة

۱- . شوری (۴۲)، آیه ۱۱.

۲- . نك: نهج البلاغه، ترجمه و شرح فيض الاسلام، ص ۲۳.



العقول ان کلّ صفه و موصوف مخلوق: نخستین عبادت خدا معرفت اوست، و ریشه معرفت هم یکتا دانستن پروردگار است، و نظام یکتای خدا نفی صفات از اوست به دلیل شهادت عقول به اینکه هر صفتی و هر موصوفی، مخلوق است.» (۱)

و هم به لحاظ دیگر، خداوند را موصوف به صفات و صفات را عین ذات او دانسته می فرماید: «لم یزل الله عزوجل عالماً قادراً حیا قديماً سمیعاً بصیراً لذاته: خداوند همواره به ذاتش دانا، توانمند، زنده، قدیم، شنوا و بیناست.» (۲)

اما نفی صفات از ذات خدا، این به آن سبب است که توصیف شیء و ذکر صفات برای آن به معنای محدود کردن آن شیء است که به صفات و خصوصیات ذکر شده محدود می گردد، که آن حضرت در بیان نفی صفات از وجود اقدس خدا فرمود: «لشهادة العقول ان کلّ صفه و موصوف مخلوق: پس بدین لحاظ که توصیف خدا وجود نامحدود او را محدود می کند از او نفی صفات شده است.»

و اما اثبات اتحاد و عینیت صفات برای خداوند که هم در قرآن و حدیث آمده است و هم در سخن حکما و متکلمان، به این دلیل است که هر صفتی از صفات خدا که خدا بدان وصف شده است نامحدود است و نامحدود بودن آن به نامحدودیت موصوف بر می گردد، یعنی آنکه هر یک از صفات خدا عین ذات او بوده و نامحدود است، (۳) بنابراین اگر می گوئیم خدا قادر است، معنای قدرت این نیست که قدرت ابزاری جدا از ذات خداست که هر چیزی را به وسیله قدرت می آفریند. بلکه قدرت عین ذات اوست.

- ۱- . شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۴؛ ملا هادی سبزواری، شرح اسماء الحسنی، ج ۱، ص ۲۲؛ طبرسی، الاحتجاج، ص ۶۱؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۴۳.
- ۲- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۶۲.
- ۳- . جمعی از نویسندگان، معارف اسلامی، ص ۸۸.

امام رضا علیه السلام در تأیید این مطلب که صفات خداوند مانند قدرت، عین ذات او است در پاسخ این سؤال که: «خلق الله اشياء بالقدره ام بغير القدره؟ فرمود: این عقیده که خداوند، مخلوقات را به وسیله قدرت آفریده است درست نیست و مستلزم شرک است: «اذا قلت خلق الاشياء بالقدره فکانک قد جعلت القدره شیئاً غیره و جعلتها آله له بها خلق الاشياء وهذا شرک: (۱)»  
 آنگاه که بگویی خدا اشیا را به وسیله قدرت خود آفرید، گویا قدرت خدا را چیزی جدای از خدا دانستی و آن را آلتی در دست خدا دانستی که به وسیله آن، موجودات را آفریده است و این شرک است».

آن حضرت در جایی دیگر می فرماید: حق آن است که صفات خداوند مانند علم، قدرت، حیات و نیز قدیم، سمیع و بصیر بودن خدا عین ذات اوست و با او عینیت و وحدت دارد. (۲) و سپس می فرماید: اگر کسی این عقیده را داشته باشد که خداوند بزرگ، قادر به قدرت، زنده به حیات، قدیم به قدمت، سمیع به سمع و بصیر به بصر است، گویی به خدائی دیگر قائل است و این شرک است و هر کس این عقیده شرک آلود را داشته باشد از ولایت ما بیرون است: «من قال بذلك ودان به فقد اتّخذ مع الله آلهه أخرى و لیس من ولایتنا علی شیء.» (۳)

#### ۴. کاربرد عقل در اثبات حدوث عالم

از جمله موضوعاتی که امام رضا علیه السلام از ابزار عقل بهره گرفته و آن را در اثبات آن موضوع به کار برده است، موضوع حدوث عالم است. آن

۱- . شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۳۰؛ همو، عیون الاخبار الرضا، ج ۲ ص ۱۰۸؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴ ص ۱۳۶.

۲- شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۳۹؛ طبرسی، الاحتجاج ج ۲ ص ۱۴۰؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۴۷.

۳- . شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۵۲.

حضرت در اثبات این موضوع، از حادث بودن خود انسان بهره گرفته است که امری ملموس و برای همگان قابل فهم است. از این رو در پاسخ به درخواست کسی که از آن حضرت خواسته بود تا دلیلی بر حدوث عالم ارائه دهد، عقل او را به کار گرفت و او را بر این وا داشت تا در وجود خود بیندیشد و لذا فرمود: «أنت لم تكن ثم كنت وقد علمت أنك لم تكون نفسك ولا كونك من هو مثلك: (۱) تو نبودى و سپس به وجود آمدى، و تو خود مى دانى که نه خودت خویش را به وجود آوردى و نه هیچ کس دیگر مانند خودت تو را به وجود آورده است.»

همان طور که ملاحظه می شود، امام رضا علیه السلام در این سخن کوتاه، عقل خود مخاطب را به کار گرفته و از او اقرار می گیرد که وجود او وجودی عارضی است، زیرا اینکه وجود او مسبوق به عدم است امری انکار ناپذیر است و او نمی تواند عارضی بودن وجود خویش را انکار کند چرا که او نیک می داند، هر آنچه که مسبوق به عدم باشد معلول و عارضی است «کل عرض معلول» (۲) و نیز نیک می داند هر امر عارضی حادث است «کل معلول حادث» (۳) این مضمون سخن خود آن حضرت است که در جای دیگر فرمود: «کل قائم فی سواه معلول» (۴)

امام رضا علیه السلام در حدیث یاد شده پس از اثبات این مطلب که انسان موجودی عارضی و حادث است، بلافاصله از علت خارجی آن شیء حادث پرسجو کرده و عقل مخاطب را به این مطلب که امر عارضی نمی تواند معلول عارض دیگری از جنس خود باشد معطوف کرده می فرماید: «و

۱- . طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۷۱؛ شیخ حرّ عاملی، الفصول المهمه فی اصول الأئمه، ص ۱۴۰.

۲- . نک: صدر الدین محمد شیرازی، الحکمه المتعالیه، ج ۸، ص ۳۵۲.

۳- . نک: سید محمد حسین طباطبائی، نهایه الحکمه، ص ۳۵۲.

۴- شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۵.

لاکونک من هو مئاحک.» معنای این فراز این است که در سلسله علل و معالیل ناگزیر از منتهی شدن هر امر حادثی به علتی است که وجودش ذاتی خود او است، چرا که در غیر این صورت تسلسل لازم می آید که امری محال و باطل است.

### ۵. کار برد عقل در توحید افعالی و نفی جبر و تفویض

ما بر این عقیده ایم که موجودات عالم، همچنانکه در ذات خود استقلال نداشته و همه قائم به خداوند و وابسته به او می باشند در مقام تأثیر و علّیت نیز استقلال ندارند و در نتیجه همچنان که خداوند در ذات خود، شریک ندارد «توحید ذاتی» در فاعلیت نیز شریک ندارد که از آن به «توحید افعالی» تعبیر می شود. یعنی همانطور که هر فاعل و سببی، وجود خود را از ذات خدا می گیرد، تأثیر و فاعلیت خود را نیز از او می گیرد «لا- حول ولا- قوه الا- به» و اگر فاعلی از نوعی تأثیر گذاری برخوردار است تأثیرش در طول فاعلیت تامّه خداوند است نه در عرض فاعلیت او؛ یعنی هر فاعل و سببی به همان اندازه که از وجود خدا فیض دریافت کرده است اثر می گذارد و نه بیش از آن؛ چرا که اعتقاد به استقلال فاعل در فاعلیت و استقلال سبب در سببیت مستلزم اعتقاد به شریک بودن آن موجود با خدا در استقلال و سببیت است. بنابراین، هر چند انسان در کار و سرنوشت خود مؤثر است امّا باید دانست این تأثیر در راستای بسط فاعلیت خداست چرا که هر نشست و برخاستی به حول و قوه اوست: «بحول الله وقوته اقوم واقعد.»

به دنبال بحث از توحید افعالی، موضوع نه چندان آسان جبر و اختیار پیش می آید. هر چند در این موضوع، افراط و تفریط به کار رفته و برخی به لحاظ داشتن انگیزه های سیاسی و حتی روحی و روانی در استدلال های پر پیچ و خم عقلی، به جبر و یا اختیار مبتلا گشته اند. ولی در مکتب اهل بیت،

راهی میانه که نه به جبر انحراف دارد و نه به تفویض، ترسیم گشته است، این همان راه مستقیم است «لا جبر ولا تفویض بل امر بین الامرین» (۱)

معنای «امر بین الامرین» این است که گفته شود:

طبق قانون علیت و معلولیت عمومی، همه افعالی که از پدیده های جهان صادر شده اند افعال و اعمال آنها شمرده می شوند ولی چون خدا لحظه به لحظه وجود آن پدیده ها را افاضه می کند، افعال آنها که از وجود خود آنها ترشح می شود از افعال خدا نیز محسوب می گردد، از این رو می توان گفت افعال آنها، هم از خود آنها محسوب می گردد و هم از خدا، ولی باید دانست که افعال آنها در طول فعل خداست نه عرض فعل او» (۲)

امام رضا علیه السلام در حل مسأله جبر و اختیار، همان راه میانه را در پیش گرفته است که مصون از جبر و تفویض است چنانکه فرمود:

«انّ الله عزّوجل لم یطع باکراه ولم یعص بغلبه ولم یهمل العباد فی ملکه، هو المالك لِمَا مَلَّکَهُم والقادر علی ما اقدرهم علیه فان ائتمروا بطاعته لم یکن الله عنها صادراً ولا منها مانعاً وان ائتمروا بمعصيته فشاء ان یحوّل بینهم و بین ذلک فَعَل وان لم یحلّ وفعلوه فلیس هو الذین ادخلهم فیه: (۳) خداوند، نه با اکراه اطاعت می شود و نه با غلبه معصیت می گردد و نه در ملک خویش بندگان را به خود وا نهاده است، و او خود مالک آنچه را که به ملک آنان در آورده است می باشد و بر آنچه که توانائیشان بخشیده است قادر است، پس اگر بندگان بر طاعتش فرمان برند خداوند از آن منع نمی کند و اگر به نافرمانیش معصیت کنند پس بخواهد میان آنان و عملشان حایل شود می تواند. و اگر حایل نشود و آنان آن را انجام دهند این طور نیست که خدا آنان را بر آن

۱- . طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۱۴؛ ابن شهر آشوب، متشابه القرآن، ج ۱، ص ۱۹۳

۲- . جمعی از نویسندگان، معارف اسلامی، ج ۱ و ۲، ص ۱۲۴.

۳- . شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۶۱؛ شیخ مفید، الاختصاص، ص ۱۹۸.

عمل وا داشته باشد.»

همان طور که روشن است فراز «لم يطع باکراه» در این حدیث ناظر به نفی جبر است و فراز «و لم يعص بغلبه» ناظر به نفی تفویض، همچنانکه ذیل حدیث ناظر به راه میانه و حالت «امر بین الامرین» است که فرمود: «فان ائتمر العباد بطاعته لم یکن الله عنها صاداً ولا منها مانعاً...» (۱)

لازم به توضیح است، از آن رو که اجبار مستلزم نوعی اجحاف و ستم بر فرد مجبور و مکره است؛ امام رضا علیه السلام در جای دیگر، در نفی هر گونه اجحاف و ستم از سوی خدا، در پاسخ این پندار که خدا گناه کاران را بر گناه مجبور ساخته است، دامن کبریایی او را عاری از هر گونه ستم دانسته می فرماید: «الله عادل و احکم من ذلک» (۲)

همچنان که آن حضرت در ردّ تفویض که مستلزم نوعی اختلال در اراده و مشیت خداست، فرمود: خدا عزیزتر از آن است که قدرت و خواست انسان که به خود و انواده شده، بر خواست و مشیت خدا غلبه کند: «الله اعز من ذلک» (۳) همچنانکه امام صادق علیه السلام نیز در ردّ این پندار فرمود: «الله اقدر علیهم من ذلک» (۴)

استاد جوادی در توضیح فراز سوم در حدیث پیش گفته که به راه میانه اشاره دارد چنین نگاشته است:

جبر و تفویض نه آن دو نقیضی هستند که ارتفاعشان محال باشد و نه آن دو ضدّی هستند که سومی نداشته باشند، بلکه آن دو امری وجودی اند که یکی در نهایت افراط و دیگر در نهایت تفریط است، و میان آن دو

۱- . عبدالله جوادی آملی، علی بن موسی الرضا علیه السلام و الفلسفه الالهیه، ص ۷۷.

۲- . شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۶۳؛ شیخ کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۱۵۷.

۳- . همان، ص ۳۶۲.

۴- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۵۳.

فاصله ای است به فراخی بین آسمان و زمین. (۱) این همان است که امام صادق علیه السلام فرمود: «اوسع ممّا بین الاسماء و الارض» (۲).

### جمع بندی و نتیجه گیری

استقبال امام رضا علیه السلام از مباحث آزاد در میان ادیان و مذاهب و حضور در این میدان نشانگر پایه های برهانی و عقلانی مبانی اعتقادی اسلامی است حضرت اعتقاد داشت که معارف دین با عقل و علم قابل دفاع است، از این رو با اطمینان به حقانیت دین و واقعگرایی شریعت محمدی، ضمن توجه و ژرفکاوی در معارف توحیدی و ارج نهادن به پرسش های دینی، از عقل به عنوان ابزاری کارآمد در مباحث علمی و کلامی استفادهایی بسیار می کرد و از آن شمشیری بُران می ساخت و به مبارزه با مخالفان می رفت و با بیان آمیخته با عقل خود، همگان را در این عرصه منکوب و مغلوب می ساخت.

۱- . عبدالله جوادی آملی، علی بن موسی الرضا علیه السلام و الفلسفه الالهیه، ص ۸۴.

۲- . شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۶۰؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۵۱؛ شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۵۹.

منابع

قرآن کریم

۱. نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام.
۲. ابن بابویه القمی، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، الامالی، قم، مؤسسه بعثه، چاپ اول، ۱۴۱۷.
۳. -----، التوحید، قم، جامعه المدرسین، ۱۳۸۷ق.
۴. -----، عیون الاخبار الرضا، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۰ق.
۶. ابن شهر آشوب، متشابه القرآن،
۷. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، قم، مؤسسه دار الکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۸. جمعی از نویسندگان، معارف اسلامی،
۹. جوادی آملی عبدالله، علی بن موسی الرضا و الفلسفه الالهیه.
۱۰. حرّ عاملی، الفصول المهمه فی اصول الأئمه، قم، معارف اسلامی امام رضا، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت، نصیحه اهل بیت، مکتبه المنار، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۱۲. رضایی مهر، حسن، دفاع از دین، نشریه رسالت، ۱۹/۱/۸۵.
۱۳. سبزواری، ملا هادی، شرح اسماء الحسنی، نشر بصیرتی، بی تا.
۱۴. شیرازی، صدر الدین محمد، الحکمه المتعالیه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۹۸۱ق.
۱۵. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تهران، نشر مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۴ق.
۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین، نهایه الحکمه، قم، جامعه المدرسین، چهاردهم، ۱۴۱۷ق.
۱۷. طبرسی، الاحتجاج، دار النعمان، بی تا.



۱۸.-----، نجف اشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق.

۱۹. عطاردی، عزیز الله، مسند امام رضا، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، بیروت، دار التعارف، سوم، ۱۴۰۱ق.

۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

۲۲. محقق بحرانی، الحقایق الناضره، قم، جامعه المدرسین، بی تا،

۲۳. مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید) الاختصاص، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری.

۲۴.-----، الارشاد، بیروت، دار المفید، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

۲۵. نخستین کنگره حضرت رضا علیه السلام . مجموعه آثار.



## امام رضا علیه السلام در برابر اهل حدیث، معتزله و واقفیان

### اشاره

محمد سلامی (۱)

### چکیده

هدف مقاله حاضر نگاهی کوتاه به برخی از مواضع کلامی امام رضا علیه السلام در برخورد با گروه‌ها و فرقه‌های کلامی معاصر با حضرت رضا علیه السلام می‌باشد. در واقع، این جستار به برخی از جنبش‌های کلامی عصر امام رضا علیه السلام با تأکید بر اهل حدیث، معتزله و واقفیان می‌پردازد. دسته‌های بسیاری به مباحثه و مناظره با امام رضا علیه السلام می‌پرداختند. اکثر این مناظرات در مجموعه‌های حدیثی ما گرد آمده است. در نوشتار حاضر ضمن تأکید بر رویکرد‌ها و مواضع کلامی حضرت در برابر واقفیان، به اندیشه وقف، انگیزه‌های برخی از یاران امام کاظم علیه السلام در گرایش به وقف و... اشاره خواهد شد.

کلید واژگان: امام رضا علیه السلام، معتزله، اهل حدیث، واقفیان، رویکرد‌های کلامی.

### مقدمه

### اشاره

شایسته است که در آغاز بحث به اختصار، به اسبابی که باعث پیدایش فرقه‌ها و باورهای کلامی می‌شوند، اشاره شود.

این اسباب را به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

الف) اسباب پیدایش فرقه‌ها و مذاهب در میان مسلمانان (به طور عام).

---

۱- دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی.

ب) اسباب پیدایش فرقه ها در میان شیعیان (به طور خاص).

## ۱. اسباب پیدایش فرقه ها و مذاهب در میان مسلمانان

### اشاره

عوامل بسیاری در شکل گیری باورهای کلامی و اعتقادی تأثیر دارند که در زیر به پاره ای از آنها اشاره می کنیم.

### الف) خلأ رهبری

یکی از عمده ترین اسباب اختلاف در میان پیروان یک آیین و مسلک، وفات بنیانگذار آن مکتب است که می توان از آن به نام خلأ رهبری یاد کرد.

### ب) فتوحات اسلامی

فتوحات اسلامی و گسترش ارتباط مسلمانان با ادیان و فرقه های گوناگون و به دنبال آن، نفوذ باورها و خرافات دیگر ادیان در میان مسلمانان از دیگر عواملی است که زمینه شقاق و اختلاف را فراهم می سازد.

### ج) امیال و هواهای نفسانی

برخی اوقات، پیروان غیر راستین به سبب پیروی از امیال و هواهای نفسانی به تحریف واقعیت پرداخته و ره جویان طریق هدایت را گمراه می سازند.

### د) غموض و دشواری مسأله

گاهی سبب اختلاف امری درونی بوده و اسباب بیرونی در آن نقشی ندارند. توضیح آن که، برخی اوقات این طبیعت مسأله است که باعث اختلاف و تفاسیر گوناگون شده است زیرا؛ نفس مسأله مبهم، غامض و راز آلود است.

### ه) تقلید از گذشتگان

تقلید و پیروی کورکورانه از گذشتگان و عدم درنگ و اندیشه در

درستی یا نادرستی سخن آنان به تشمت و ناهمگونی می انجامد. (۱)

## ۲. اسباب پیدایش فرقه ها در میان شیعیان

### اشاره

در خصوص شیعه، امور دیگری نیز در پیدایش فرقه ها دخالت داشته اند که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

### الف) تفرقه پراکنی

حاکمان سیاسی به منظور بقای حکومت خود در میان شیعیان تخم تفرقه می پاشیدند.

### ب) تلاش برای بی پایه نشان دادن تشیع

مخالفان شیعه خواسته اند با بزرگ نشان دادن اختلافات شیعه، آن را دلیلی بر بی پایگی و بی ثباتی شیعه اعلام نمایند. بر همین اساس، برخی از نام های فرقه های شیعه رکیک و مستهجن انتخاب شده است. مانند شیطانیه، خشبیه، ابتریه و...

### ج) بزرگ نمائی اختلافات

رسم برخی از ارباب گروه ها، بزرگ نمایی اختلاف شیعیان و تکثیر فرقه های تصنعی بوده است.

### اختلاف در شرایط امام

اختلاف در ویژگی های امام پس از شهادت امام پیشین از عواملی است که باعث پیدایش برخی فرقه ها در میان شیعیان شده است. از این رو، گاهی برخی از این فرقه ها پس از روشن شدن مسأله به سرعت از میان می رفته اند. (۲)

---

۱- برای اطلاع از موارد ۱ تا ۳ نک: رضا برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۱۴ و ۱۵؛ و برای موارد ۴ و ۵ نک:

محمد ابوزهره، تاریخ المذاهب الاسلامیه، ص ۷-۱۰.

۲- علی محمد ولوی، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، ج ۱.

## نمایی از عصر امام رضا علیه السلام

### اشاره

حضرت رضا علیه السلام معاصر با هارون، امین و مأمون از خلفای عباسی بودند. مأمون شخصی زیرک و دانش دوست بود و بنی عباس وی را ستاره خود می دانستند. (۱)

از کارهای مأمون تأسیس دارالترجمه هایی در مناطق مختلف از جمله خراسان و نیشابور بود. یکی از اهداف وی از این کار تغییر در نگرش مسلمانان نسبت به حاکم مسلمان بود. وی کتاب هایی را از زبان فارسی به عربی ترجمه می کرد که در این کتاب ها افکار و اندیشه های شاهان و خسروان ایرانی آمده بود مبنی بر تن دادن به حکومت پادشاهان و حاکمان و دوری از خاندان وحی و جانشینان حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله. این کتاب ها پُر از سخنانی مانند «خداوند در آسمان و شاه در زمین» و «صلاح مملکت خویش خسروان دانند» بود. (۲) از سوی دیگر، با توجه به فضای باز پرسش در مباحث اعتقادی، حضرت رضا علیه السلام مواجه با انبوهی از اصحاب فرقه های گوناگون بودند و مأمون که مدافع معتزله بود بر گرمی کانون این مناظرات می افزود.

نکته قابل توجه دیگر آن است که در دوران بنی امیه و بنی عباس از جمله مأمون، شرایطی پدید آمده بود که مردم دچار شک و تردید در حقانیت اسلام شده بودند. گروه هایی از دیگر ملل بودند که به خاطر ارزش های نجات بخش اسلام به این دین گراییده بودند. ارزش هایی مانند عدالت، رحمت و روابط سالم، اما پس از مدتی دیدند ارزش هایی بر آنان تحمیل می شود که قابل پذیرش نیست. آنان با مشاهده این وضعیت یا به ادیان گذشته خود بازگشتند و یا به آیین های انحرافی گراییده و به ترویج و

۱- شیخ عباس قمی، تمه المنتهی.

۲- محمدتقی مدرسی، امامان شیعه و جنبش های مکتبی، ص ۲۷۶.

گسترش آیین های جدید خود سرگرم شدند. (۱)

معتزله، اهل حدیث، واقفیان، دانشمندان مسیحی، عالمان یهودی، زردشتیان، صابئیان، زنادقه و... گروه هایی بودند که با حضرت به مناظره می پرداختند. مسلم است که پرسش های هر گروه متناسب با گرایش های خاص آن گروه بود. برای مثال، معتزله در مباحث مختلف اعتقادی همچون توحید، صفات خداوند، امامت، شفاعت، حدوث و قدم کلام خداوند و... بحث می کردند. ارباب دیانات راجع به پیامبری و نبوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، زنادقه یا ملحدان در باره اصل وجود خداوند و واقفیان که در جای خود توضیح خواهیم داد در باره حقانیت و مشروعیت امامت هشتمین پیشوای شیعیان چون و چرا می کردند. حضرت رضا علیه السلام در حلقه انبوه پرسش های گوناگون قرار داشتند و با تکیه بر تأییدات الهی و پیوند با وحی به همگان پاسخ های قاطع و قانع کننده ای ارائه داده و بر امامت به حق خود، صحنه می گذاشتند. سخنان، مباحثه ها و گفت و گوهای اعتقادی و کلامی حضرت رضا علیه السلام در مجموعه های حدیثی گوناگونی گرد آمده است. (۲) اینک به اختصار و در ضمن چهار فصل، به مناظره برخی از این فرقه ها می پردازیم.

## ۱. امام رضا علیه السلام و معتزله

### الف) پیدایی معتزله

معتزله در اواخر عصر اموی پیدایش یافتند. و بر گرد «واصل بن عطا» حلقه زدند. واصل، با استاد خویش در باب مرتکب کبیره، به مخالفت برخاست و صاحب کبیره را نه مؤمن دانست و نه کافر بلکه، منزلتین دانستش.

۱- همان، ص ۲۷۷.

۲- شیخ عزیز الله عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۲؛ طبرسی، الاحتجاج، ص ۷۲-۱۳۶؛ شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۱۷-۴۵۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۸۹.

**(ب) پویایی معتزله**

در باب اسباب گسترش اندیشه اعتزال دلایلی یاد شده، یکی از محققان معاصر سه دلیل بر این مطلب یاد نموده است:

۱. وجود علما و دانشمندان برجسته ای همانند ابوالهذیل علاف، نظام، عمرو بن عبید و...

۲. داشتن روابط حسنه با خلفا، به طوری که به بارگاه آنان راه یافته بودند و در جهت غلبه بر مخالفان خود می کوشیدند.

۳. وجود اتحاد و هبستگی میان آنان به گونه ای که در این خصوص ضرب المثل بودند. (۱)

استاد شهید مرتضی مطهری، دوران سه خلیفه عباسی (مأمون، معتصم و واثق) را دوران یگانه تازی معتزله و حمایت حاکمان از آنان می داند، امّا پس از روی کار آمدن متوکل عباسی که فردی تقلیدگرا و مخالف بحث و مناظره بود ورق برگشت و معتزله در محاق قرار گرفتند. (۲)

شیخ عباس قمی رحمه الله می نویسد که متوکل مردم را به اظهار سنت و جماعت امر می کرد و آنان را به تقلید او می داشت و از مباحثه و استدلال منع می کرد. (۳)

**(ج) اصول عقاید معتزله**

باورهای بسیاری اصول عقاید معتزله را شکل می دهد امّا در این میان پنج اصل از همه مهم تر است که «اصول خمسه» یا باورهای پنجگانه نام دارند. این اصول عبارت است از: توحید، عدل، وعد و وعید، منزلت بین المنزلتین

۱- . اسعد شیخ الاسلامی، تحقیقی در مسائل کلامی، ص ۳۰ و ۳۱.

۲- . مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، قسمت کلام، درس های ۵ و ۶.

۳- . شیخ عباس قمی، تمه المنتهی تاریخ خلفا و علما، ص ۳۷۷.



و امر به معروف و نهی از منکر.

معتزله برای اثبات باورهای خود افزون بر ادله عقلی به قرآن نیز استشهاد کرده اند. ناگفته نماند که ادله آنان از سوی مخالفان مورد نقد و بررسی های فراوان قرار گرفته است که این مختصر را مجالی برای طرح آن نیست.

#### (د) امام رضا علیه السلام، معتزله و مسأله خَلْقِ قرآن

یکی از گروه های معاصر با امام رضا علیه السلام معتزله اند. این گروه مناظرات فراوانی با حضرت داشته اند. سلیمان مروزی و یحیی بن ضحاک سمرقندی افرادی از این گروهند که با امام رضا علیه السلام مناظره داشته اند. شخص مأمون نیز یکی از نمایندگان معتزله به شمار می رود. (۱)

محمد ابوزهره می نویسد که مأمون از معتزله به شمار می رود، چرا که از آنان با عنوان "یاران ما" یاد می کند و مناظرات او به شیوه معتزله بوده است. (۲)

یکی از مباحث داغ دوران مأمون بحث حدوث و قدم قرآن و کلام خداوند بود که به لحاظ درگیری ها و خونریزی هایی که به دنبال داشت دوران محنت نامیده می شود. مأمون از کسانی بود که از دیدگاه مخلوق بودن قرآن که دیدگاه معتزله نیز همین بود، دفاع می کرد و با مخالفان این دیدگاه به مقابله برمی خواست. ناگفته نماند که مأمون به دیدگاه خاصی باور نداشت و صرفاً به منظور بهره برداری سیاسی و تضعیف اهل بیت علیهم السلام به این مباحث دامن می زد. (۳) هر چند برخی خواسته اند به دلیل جریان ولایت عهدی مأمون و ازدواج دخترش با امام جواد علیه السلام تشیع مأمون را اثبات کنند ولی چشم واقع بین، این مسائل را سیاسی و به دور از واقعیت می داند.

۱- سیدمحمد مرتضوی، نهضت کلامی عصر امام رضا علیه السلام، ص ۷۱.

۲- محمد ابوزهره، تاریخ المذاهب الاسلامیه، ص ۱۴۲.

۳- سیدمحمد مرتضوی، نهضت کلامی عصر امام رضا علیه السلام، ص ۷۲.

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب توحید روایات بسیاری در باب حدوث و قدم کلام الهی می آورد. (۱) از آن جا که حضرت رضا علیه السلام می دانست که این مسأله صرفاً دستاویزی برای سرکوب مخالفان است طوری پاسخ می دادند که مسأله ای فاقد اهمیت جلوه کند. حضرت رضا علیه السلام با تعابیر گوناگونی می نمایانند که قرآن نه حادث است و نه قدیم، بلکه، کلام خداوند است. ایشان در ضمن فرمایشات خود می فرمودند قرآنی که از داستان های پیامبران خبر می دهد به طور مسلم، نمی تواند قدیم باشد. به عبارت دیگر، حضرت از سویی می فهمانند که مسأله بسیار روشن است چرا که فقط خداوند قدیم است، و از سویی دیگر به منظور خنثی کردن توطئه حاکمان سیاسی طوری پاسخ می دادند که آنان نتوانند سوء استفاده کنند. حضرت رضا علیه السلام در سخنی می فرماید: «از نظر ما جدل کردن درباره قرآن بدعت است که پرسشگر و پاسخ دهنده در آن شریک هستند و هر دو، به کژراهه می روند. خالق، فقط خداوند است و ماسوای او حادث است. قرآن کلام خداوند است و برای آن از جانب خودت نامی قرار مده که جزء گمراهان خواهی شد...» (۲)

## ۲. امام رضا علیه السلام و اهل حدیث

### الف) اهل حدیث چه کسانی هستند؟

همان سان که از عنوان «اهل حدیث» پیدا است آنان کسانی هستند که در مسائل اعتقادی تکیه گاهشان صرفاً نقل و حدیث است و هرگز به خود اجازه بحث و استدلال نمی دهند. در رأس آنان مالک بن انس، محمد بن ادریس شافعی و احمد بن حنبل قرار دارند. این گروه با هر گونه اندیشه ورزی در حوزه دین مخالف بودند. معروف است که وقتی

۱- . التوحید، شیخ صدوق، ص ۲۲۳-۲۲۷.

۲- . همان، ص ۲۲۴.

شخصی از مالک ابن انس در باره آیه شریفه ((الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى)) (۱) پرسش کرد وی در پاسخ گفت: «استوای خدا بر عرش معلوم است، کیفیت آن مجهول، ایمان به آن واجب و پرسش درباره آن بدعت است.» (۲)

### ب) امام رضا علیه السلام و اهل حدیث

به منظور رعایت اختصار، در این جا به مناظره ای که میان یکی از علمای اهل حدیث و امام رضا علیه السلام روی داده است بسنده می کنیم.

صفوان بن یحیی می گوید: «ابوقره محدث از من خواست که برای او از امام رضا علیه السلام وعده ملاقات بگیرم، من پیام او را به حضرت رساندم. حضرت اجازه داد.

در ملاقات ابوقره و امام رضا علیه السلام مناظراتی صورت گرفت تا این که سخن به توحید کشیده شد.

ابوقره به حضرت رضا علیه السلام گفت: ما روایت داریم که خداوند سخن گفتن و دیدن خود را میان دو پیامبرش تقسیم کرده است، سخن گفتن را به حضرت موسی علیه السلام و دیدن را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله اختصاص داده است. وی به آیاتی از قرآن استدلال کرد.

حضرت در پاسخ فرمود: که آیات دیگری در قرآن وجود دارد که نافی این دیدگاه است مانند: ((لَا تُدْرِكُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ)) (۳) و ((يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا)) (۴) و مانند این آیات. آیا این آیات را خداوند نازل نکرده است؟ چگونه امکان دارد که کسی بگوید از جانب خداوند آمده ام و به امر خداوند به مردم بگویم ((لَا تُدْرِكُ الْأَبْصَارَ)) یعنی

۱- طه، آیه ۵.

۲- رضا برنجکار، آشنائی با فرق و مذاهب کلامی، ص ۱۲۱.

۳- انعام، آیه ۱۰۲.

۴- طه، آیه ۱۱۰.

چشم‌ها او را نمی‌بینند و سپس بگویند من خدا را به چشم خود دیدم و او شبیه بشر است؟» (۱)

### ۳. امام رضا علیه السلام و دانشمندان برجسته ادیان مختلف

حسن بن محمّد نوفلی می‌گوید: با حضرت مشغول صحبت بودیم که ناگهان یاسر خادم امام رضا علیه السلام داخل شد و گفت: «امیر المومنین (مأمون) تو را سلام می‌رساند و می‌گوید: نزد من افرادی از ادیان و فرق و متکلمان مختلف جمع شده‌اند اگر دوست داری فردا صبح بیا و اگر نمی‌خواهی و کراهت داری خود را به زحمت نینداز. (کنایه از این که لازم نیست بیایی.) و اگر مایلی که ما نزد شما بیاییم، زحمتی بر ما نیست.

امام رضا علیه السلام در پاسخ فرمودند: به او سلام برسان و بگو مقصودت را می‌دانم و فردا صبح نزد تو می‌آیم.

نوفلی می‌گوید: که حضرت به من تبسم فرمودند که آیا می‌ترسی که آنان بر من پیروز شوند؟

گفتم: نه به خدا، هرگز هراسی ندارم. امیدوارم خداوند تو را بر آنان پیروز گرداند.

آنگاه حضرت فرمود: آیا دوست داری بدانی که مأمون چه هنگام پشیمان می‌شود؟ عرض کردم: آری. حضرت فرمود: زمانی که احتجاج و استدلال من را با اهل تورات با توراتشان، و با اهل انجیل با انجیلشان، و با اهل زبور با زبور آنها، و با صابئین به زبان عبرانی آنها، و با هرابذه (بزرگان زردشت) با فارسی آنان، و با اهل روم با زبان رومی آنها و با صاحبان اعتقادات مختلف با زبان‌های (گوناگون) آنها بشنود. وقتی که استدلال و حجت هر صنف و گروهی را باطل کنم و از رأی خود برگردند و سخن مرا

---

۱- نهضت کلامی در عصر امام رضا علیه السلام، سیدمحمد مرتضوی، ص ۹۶.

پذیرند در این هنگام مأمون می داند استحقاق جایگاهی را که نشسته است ندارد.» (۱)

پس از آمدن حضرت رضا علیه السلام به خراسان، مأمون به فضل بن سهل امر کرد که افرادی از فرقه های گوناگون را جمع کند و زمینه مناظره با امام را فراهم آورد.

این افراد عبارت بودند از جاثلیق (دارای یکی از مراتب دینی نصارا). رأس الجالوت (از بزرگان دین یهود). رؤسای صابئین.

(۲)

عمران صابئی یکی از افراد این گروه بود، وی در مناظره ای که با حضرت رضا علیه السلام داشت، سرانجام مسلمان شد و حضرت رضا علیه السلام او را اکرام، اطعام و احترام فراوان کرد. وی سپس به یکی از متکلمان برجسته مدافع اسلام تبدیل شد که با دیگران مناظره می کرد و آنان را محکوم می کرد. (۳)

#### ۴. امام رضا علیه السلام و واقفیان

##### اشاره

یکی از گروه هایی که در زمان امامت حضرت رضا علیه السلام پدید آمدند، گروهی بودند به نام «واقفیان»، یعنی کسانی که بعد از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام بر حضرت توقف کردند و امامت امام رضا علیه السلام را نپذیرفتند. ارباب فرق و مقالات در این بخش توضیحات زیادی داده اند و انشعابات زیادی را بر شمرده اند. (۴) در این مقطع، درباره اندیشه وقف با تفصیل بیشتری وارد شده و این مبحث را در چند قسمت قرار می دهیم.

۱- عزیز الله عطاردی، مسند الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۴ و ۷۵.

۲- درباره صابئین اقوالی است. از جمله گفته شده که آنان منکر توحید، نبوت و رسالت اند.

۳- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

۴- در این باره پژوهش بسیار مبسوطی صورت گرفته است که منبع بسیار کاملی به شمار می رود. نک: ریاض محمد حبیب الناصری، الواقفیه دراسه تحلیلیه.

## الف) توضیح اندیشه وقف

وقف یعنی در امامت شخصی پس از رحلت امام پیشین تردید کنند و بنابراین، وقف دارای دو معنای عام و خاص است.

معنای عام: توقف گروهی بر امامت امام پیشین و عدم پذیرش امامت امام بعدی. این امر پدیده ای بوده است که هر از چند گاه در میان شیعه رخ داده است. این نوع وقف اختصاص به امام خاصی ندارد، از این رو بر «کیسانیه» که بر امامت امام حسین علیه السلام توقف کردند، بر «منصوریه» یا «مغیره» که بر امامت امام باقر علیه السلام توقف کردند (۱) و بر «اسماعیلیه» که بر امامت امام صادق علیه السلام توقف کردند، واقفیه اطلاق می شود. اما مراد از اصطلاح واقفیه در کتاب های ملل و نحل و یا کتب رجالی این گروه ها نیست.

معنای خاص: این اطلاق از وقف صرفاً به کسانی اشاره دارد که بر امامت موسی بن جعفر علیه السلام توقف کردند و امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام را نپذیرفتند. (۲)

## ب) وقف سیاسی و اعتقادی

شاید بتوان از مسئله وقف به مطلب دیگری رهنمون شد و آن این که اندیشه وقف همیشه اعتقادی و کلامی نیست، بلکه گاهی وقف، وقف سیاسی است یعنی گاهی در حکومت، افرادی یافت می شوند که به خاطر اغراض خاصی بر رهبری و مشروعیت یکی از افراد توقف کرده و مشروعیت دیگران را نمی پذیرند. به دیگر سخن هر چند که اندیشه وقف، فقط در خصوص امامت امامان معصوم علیهم السلام اتفاق افتاد ولی شاید جلوه هایی از این اعتقاد در عصر حاضر نیز در مقاطع خاصی خود را نشان دهد.

۱- ریاض محمّد حبیب الناصری، الواقفیه، ج ۱، ص ۴۵

۲- جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، الجزء الثامن، ص ۳۷۹.

**ج) انگیزه های وقف**

کسانی را که به اندیشه وقف چنگ زده اند می توان دست کم به سه گروه تقسیم کرد:

گروه اول: سران و بزرگان اندیشه وقف که برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی به این دیدگاه متمایل شده اند. کشی از یوسف بن عبدالرحمان نقل می کند که امام کاظم علیه السلام وفات کرد و برخی از نزدیکان ایشان که به نمایندگی حضرت مالی در دست داشتند شهادت و مرگ حضرت را انکار نمودند و بر امامت حضرت توقف نمودند. (۱)

مرحوم شیخ طوسی در «کتاب الغیبه» نقل می کند که ابوابراهیم (موسی بن جعفر علیه السلام از دنیا رفت در حالی که نزد «قندی» هفتاد هزار دینار وجود داشت و نزد «عثمان بن علی رواسی» هزار دینار و پنج جاریه و منزلی در مصر. (۲) امام رضا علیه السلام به او اطلاع داد که پول ها و کلیه اموال و اثاثیه و جاریه هایی را که نزد شما است به من برگردانید که من وارث و قائم مقام او [موسی بن جعفر علیه السلام] هستم. ما میراث او را تقسیم کردیم و بهانه ای از حبس اموالی که مال من و وارث موسی بن جعفر است ندارید.

اما «ابن ابی حمزه» و «زیاد بن قندی» امامت حضرت رضا را انکار کرد. «عثمان بن عیسی» نیز به امام رضا علیه السلام نوشت که پدرت نمرده است، او زنده و قائم است و هر کس مدعی شود که او مرده، سخن باطل می گوید. به فرض که ایشان رحلت کرده باشد، ایشان دستور نداده است که چیزی به شما برگردانم و اما جاریه ها را آزاد کرده ام و آنان را به ازدواج در آورده ام. (۳)

۱- همان، ص ۳۸۰.

۲- در عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۷۳ با اندکی اختلاف آمده است.

۳- جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ص ۳۸۳.

گروه دوم: عده ای از روی جهالت، تقلید و ضعف استدلال واقفی شدند. این گروه ها را نوعاً عوام مردم و قشرهای غیر متخصص تشکیل می دادند و فریب استدلال های گول زننده دسته نخست را می خوردند.

گروه سوم: گروهی نیز بر اثر فضای سیاسی بسته به اندیشه وقف روی آوردند. چه، فضای جامعه اجازه نمی داد امام بعدی با صراحت و شفافیت اظهار امامت کند و در مواردی شرایط تقیه حاکم بود و باید دوره ای سپری می شد تا اوضاع عادی شود.

این افراد هرگز در اصول و فروع اختلاف نداشتند و فقط در رهبری و امامت اختلاف نظر داشتند.

### (د) اندیشه وقف در دوره های مختلف

همان سان که اشاره شد در هر دوره ای اندیشه وقف بروز و ظهوری داشته است. اشعری، در مقالات الاسلامیین به سه مقطع از ظهور واقفیه اشاره دارد.

الف) وی مرجئه را به هفت فرقه تقسیم کرده و در مورد فرقه سوم می گوید: گروهی از واقفیه بودند که می پنداشتند که هر مسلمان باید تنها اخباری را که ناظر به عمومات باشد، بشنود این گونه اخبار را «وعد و وعید» نامند. لازم نیست که همگان کلیه احکام قرآن و اخبار مربوط به آن را بشنوند. (۱)

ب) گروهی از خوارج. (۲)

ج) برخی از یاران امام موسی بن جعفر علیه السلام .

وی می نویسد که فرقه بیست و دوم، واقفیه (ممتوره) اند که امامت را تا جعفر بن محمد باور دارند و پس از جعفر بنا بر وصیت موسی بن جعفر علیه السلام

۱- . علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ص ۷۵.

۲- . همان، ص ۵۹.



را امام دانند و گویند که موسی هرگز نمیرد و شرق و غرب زمین را به فرمان خویش در آورد. (۱)

### ه) دلایل و نصوص بر امامت امام رضا علیه السلام

در مقابل دیدگاه واقفیان روایات و نصوص بسیاری بر امامت امام رضا علیه السلام دلالت دارد. (۲) در این باره، از موسی بن جعفر علیه السلام و معصومان پیشین علیه السلام روایات فراوانی داریم. در اکثر این روایات امام موسی بن جعفر علیه السلام بدون مقدمه و یا در پاسخ پرسش کسانی که در مجلس حاضر بودند بر امامت فرزندشان، حضرت رضا علیه السلام، تصریح و تأکید کرده اند و بدین شیوه از فتنه ای که در آینده ای نزدیک در حال روی دادن بود خبر دادند. از جمله، «داود رقی» می گوید: «به ابوابراهیم [موسی بن جعفر علیه السلام] عرض کردم: فدایت شوم، سن من زیاد شده است، دست مرا بگیرد و از آتش نجاتم دهد و بگوید پس از شما، صاحب ما کیست؟ می گوید: حضرت به پسرش ابوالحسن علیه السلام، اشاره کرد و فرمود: «هذا صاحبکم بعدی» این، صاحب و امام شما پس از من است.» (۳)

مرحوم محمد باقر مجلسی روایتی را از یقینینی و او از زیاد بن مروان قندی نقل می کند که قندی می گوید: «بر ابوابراهیم علیه السلام داخل شدم و نزد ایشان پسرشان بود حضرت به من فرمود: یا زیاد این پسر، نوشته او نوشته من است و کلام او کلام من است و رسول او رسول من است و هر چه او بگوید سخن من است.»

آنگاه مجلسی در ادامه از قول مرحوم صدوق می نویسد که صدوق

۱- همان، ص ۲۲.

۲- نک: شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۴۰-۲۴۵ و علامه مجلسی، بحار الانوار ج ۴۹، ص ۱۱-۲۸.

۳- همان، ج ۲، ص ۲۴۰.

می گوید: «زیاد بن مروان قندی این حدیث را روایت می کند اما پس از وفات موسی بن جعفر علیه السلام منکر آن شده و قائل به وقف می شود و اموال موسی بن جعفر علیه السلام را که نزد او بوده است حبس می کند.»

### (و) اقسام واقفیان دوران امام رضا علیه السلام

حسن بن موسی نوبختی می نویسد: پس از آن که موسی بن جعفر علیه السلام در زندان هارون الرشید به شهادت رسید، مردم به پنج دسته تقسیم شدند:

۱. عده ای شهادت حضرت را پذیرفتند و امام پس از او را علی بن موسی الرضا علیه السلام دانستند.

این گروه را «قطعیه» می نامند چون بی هیچ تردید و گفت و گویی شهادت حضرت کاظم علیه السلام و جانشینی فرزندش علی بن موسی علیه السلام را پذیرفتند و در این امر تردیدی روا نداشتند.

۲. عده ای گفتند موسی بن جعفر علیه السلام زنده است و نمی میرد مگر آن که شرق و غرب عالم را پر از عدل داد کند و او مهدی قائم است.

۳. برخی گفتند او امام قائم است. از دنیا رفته است و امامی جز او نباشد. پس از مرگ باز گشته و در جایی پنهان شده و یاران او با وی دیدار می کنند.

۴- گروهی می گویند او مرده است ولی دوباره مانند عیسی بن مریم بر می خیزد، جز این که عیسی برنگشت ولی او باز می گردد.

۵- برخی می گویند او شهید شده است ولی خداوند او را نزد خود به آسمان می برد و در هنگام قیامت دوباره او را باز می گرداند.

نام دیگر واقفیه «ممطوره» (۱) است. این لقب از سوی دشمنان واقفیه به آنان داده شده است. وجه تسمیه آن به طور خلاصه آن است که: روزی

---

۱- . در لغت، این واژه از "مطر" به معنای باران گرفته شده است و ممطوره به معنای باران خورده و بارانی شده است.

علی بن اسماعیل میثمی و یونس بن عبدالرحمن با برخی از واقفیان مناظره می کردند و چون بحث به درازا کشید و از نرمی به درشتی انجامید، علی بن اسماعیل رو به واقفیان کرد و گفت: «ما انتم الا کلاب مَمَطوره» شما جز سگان باران خورده نیستید. چون هرگاه سگان از باران تر شوند از مرداب بدبوتر و گندیده ترند. (۱)

امام موسی بن جعفر علیه السلام با بیانات صریح و مکرر خود، مبنی بر این که امام پس از او، فرزندش علی علیه السلام است، کوشیده است بر نادرستی اندیشه وقف تأکید فرماید. افزون بر این، گروهی از اصحاب و خاندان خود را بر این انتخاب گواه گرفته است. از حیدر بن ایوب نقل شده است که گفته است:

«در مدینه در محلی از قبا بودیم که در آنجا محمد بن زید بن علی اقامت داشت، او دیرتر از موقعی که معمولاً همیشه ما را در آنجا دیدار می کرد وارد شد، به او گفتیم فدای تو شویم موجب دیر آمدنت چه بود؟

گفت، ابوبراهیم [موسی بن جعفر علیه السلام] ما را فراخواند و ما هفده مرد از فرزندان علی و فاطمه علیها السلام بودیم که ما را گواه گرفت بر این که علی فرزندش، در دوران زندگی و پس از مرگش وصی و وکیل اوست، و امر وصی او به سود یا زیان، جایز و نافذ است.»

سپس محمد بن زید گفت: «به خدا سوگند ای حیدر، ابوبراهیم علیه السلام امروز عقد امامت را برای فرزندش علی علیه السلام بست، و بر شیعه است که پای بند به امامت او پس از ابوبراهیم علیه السلام باشد. (۲)»

نکته ای که در این جا شایان ذکر است آن است که یکی از اسباب به

۱- حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ص ۷۲-۷۳؛ سعد بن عبد اله ابی خلف الأشعری القمی، المقالات و الفرق، ص ۹۲؛ ابوالفتح محمد بن عبد الکریم شهرستانی، الملل و النحل، ص ۱۳۶.

۲- محمد جواد فضل الله، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام ص ۷۹، (به نقل از عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸)

اشتباه افتادن برخی از شیعیان در امر امامت واژه «قائم» است. این واژه دارای دو معنای عام و خاص است.

معنای خاص: ویژه حضرت مهدی (عج) است.

معنای عام: امامی که در میان امت قائم است و به اداره امور پیروان و شیعیان خود می پردازد. این عنوان بر هر امام معصومی قابل اطلاق است و اختصاصی به امام دوازدهم علیه السلام ندارد. شاهد این مدعا روایتی است که از کتاب غیبت شیخ طوسی نقل شده است. راوی می گوید: «به ابوالحسن موسی علیه السلام عرض کردم، پرسشی دارم.

فرمود: پرس از امام خود.

گفتم: چه شخصی را در نظر دارید؟ زیرا من امامی جز شما نمی شناسم.

فرمود: علی فرزندم را، که کنیه خود را به او بخشیده ام.

گفتم: سرورم! مرا از آتش برهان، زیرا ابا عبدالله علیه السلام (امام صادق) فرموده است: شما قائم به این امر هستید.

فرمود: آیا من قائم نبوده ام؟ سپس فرمود: ای حسن! هر امامی که در میان امت قائم و زنده است قائم آن امت است، و چون در گذشت، جانشین او قائم و حجت است تا این که از آنها غایب شود، بنابراین ما همگی قائم هستیم و تو تمامی آنچه را میان خود و من داری، به سوی فرزندم علی بازگردان، به خدا من این امر را برای او قرار نداده ام، بلکه خداوند از جهت دوستی او برای وی مقرر کرده است...» (۱)

## (ز) بزرگان و دانشمندان واقفی

بررسی و دقت در اندیشه واقفیان هم در علم کلام و هم در علم رجال نقش

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۷ و ۲۸. ۲. جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ص ۳۸۹.

مهمی دارد، به ویژه در علم رجال که به منظور شناخت درستی خبر و وثاقت راوی است مسئله ای حائز اهمیت است؛ چرا که اگر کسی واقفی باشد برخی از اهل تحقیق روایات او را معتبر نمی دانند از این رو، شناخت چهره ها و شخصیت های واقفی مسلک امری ضروری است.

شیخ طوسی در رجال خود نام بیش از شصت نفر از بزرگان واقفی را آورده است. از آن میان، سماعه بن مهران و علی بن حمزه بطائنی، است. (۱)

کتاب ها و رساله های بسیاری در دفاع از اندیشه وقف و همچنین در ردّ این نگره نگاشته شده است که هم اکنون از میان رفته اند، اما نام آنها در منابع تخصصی آمده است. از جمله سه کتاب در دفاع از واقفیه و هشت کتاب در ردّ آنان آمده است؛ از آن میان است کتاب «الرد علی الواقفیه» نوشته علی بن اسحاق بن سهل بن نوبخت.

لازم به ذکر است که برخی از واقفیان پس از مدتی از این دیدگاه روی برگردانده اند و نیز برخی دیگر صرفاً متهم به این دیدگاه اند. شاید سبب این اتهام آن است که آنان از روی تقیه و به خاطر شرایط دشوار سیاسی نتوانسته اند ولایت خود را نسبت به حضرت رضا علیه السلام ابراز کنند.

جای شگفتی است که هفت نفر از اصحاب اجماع امامیه منسوب به دیدگاه وقف اند، مانند: «احمد بن محمد بن ابی نصر»، «جمیل بن درّاج» و «یونس بن عبد الرحمان». از آن جا که اینان از راویان بزرگ شیعه اثنی عشری اند، در این جا دو احتمال قابل تأمل است. نخست آن که این افراد از سوی دیگران متهم به اندیشه وقف بوده اند. دوم آن که، اگر هم مدتی به اندیشه وقف روی آورده اند پس از مدتی کوتاه، اعلام انصراف کرده اند. به ویژه که شخص «یونس بن عبد الرحمان» دارای داستان معروفی در

۱- الواقفیه، ج ۱، ص ۲۲۶ و ۲۲۷.

مخالفت با واقفیان بوده است که اکثر اصحاب فرق و مذاهب آن را در کتاب های خود آورده اند و ما پیشتر به آن اشاره کردیم. (در وجه نام گذاری واقفیان به ممتوره). (۱)

در برخی از کتاب های رجالی نام حدود هشتاد نفر از راویان منسوب به دیدگاه وقف آمده که بررسی دقیق آن از حوصله این نوشته خارج است. (۲)

### ح) بازگشت برخی از واقفیان از باور به وقف

هر چند که عده ای از بزرگان اصحاب امام کاظم علیه السلام پیرو هوای نفس بودند و به خاطر اموالی که در دست آنها باقی مانده بود راضی نشدند که امامت امام رضا علیه السلام را بپذیرند و اموال موجود در نزد خود را که با وکالت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در دست آنها بود به حضرت رضا علیه السلام بازنگردانند ولی پس از مدتی، برخی از فریب خوردگان پی به واقعیت برده و از دیدگاه وقف روی گردان شدند، ولایت حضرت رضا علیه السلام را به جان خریدند. عده ای پس از مشاهده نشانه های امامت حضرت، به خصوص علم غیب و اطلاع دادن حضرت از اموری که حتی خود شخص هیچ اطلاعی از آن نداشت، باعث شد باورکنند که حضرت رضا علیه السلام مورد تأیید خداوند بوده و امام بر حق می باشد.

در این جا به دو داستان که در این خصوص روی داده است اشاره می کنیم:

۱- حسن بن علی و شاء می گوید: «به خراسان وارد شدم- در حالی که واقفی مسلک بودم- همراه من متاعی بود و در میان آن، پارچه رنگارنگ و گلدار بود که در یکی از بسته های لباس وجود داشت، خودم از آن

۱- همان، ص ۳۹۱.

۲- همان، ص ۳۹۲-۳۹۴.

اطلاعی نداشتم و محل آن را نمی دانستم. هنگامی که وارد شهر «مرو» شدم و در منزلی سکونت کردم، کسی از آمدن من اطلاعی نداشت مگر یکی از اهالی متولد شهر مرو. او به من گفت: ابوالحسن الرضا علیه السلام می فرماید: آن جامه رنگارنگ و گلدار را که نزد توست برای من بفرست. [با خودم] گفتم: چه کسی ورود مرا به مرو به حضرت رضا علیه السلام اطلاع داد، من به تازگی وارد این شهر شده ام و نزد من پارچه گلدار وجود ندارد. آن مرد به سوی حضرت رفت و دوباره بازگشت. او گفت، حضرت می فرماید: آن پارچه گلدار در فلان جا و در میان فلان بسته لباس ها است و آن را این گونه و به فلان شیوه در آن بسته قرار داده ای. همان گونه که حضرت گفته بود به دنبال پارچه رفته ام و آن را پایین بسته لباس ها یافته ام و آن را برای حضرت فرستادم.» (۱)

۲- عبدالله بن مغیره می گوید: «در حالی که واقفی بودم به حج رفته بودم، وقتی که به مکه رسیدم به دلم (راجع به مذهب واقفی) تردید افتاد. کنار کعبه خودم را به ملتزم (۲) چسباندم و گفتم: بار خدایا تو طلب و خواسته مرا می دانی، مرا به بهترین دین ها ارشاد کن. به دلم افتاد که به حضور حضرت رضا علیه السلام برسم، به مدینه رفته ام و به در خانه حضرت شتافتم و به خادم خانه گفتم: به مولایت بگو، یک مرد عراقی به در خانه آمده است. در همان لحظه، صدای امام رضا علیه السلام را از داخل خانه شنیدم که دوبار فرمود: ای عبد الله بن مغیره وارد خانه شو. وارد خانه شدم هنگامی که حضرت به چهره من نگاه کرد فرمود: خداوند دعایت را به استجابت رسانید و تو را به دین خودش هدایت نمود. گفتم: گواهی می دهم که تو حجت خدا و امین خدا در میان خلقش هستی.» (۳)

۱- . شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، کتاب الحج، ص ۳۵۴ و ۳۵۵، حدیث ۱۲.

۲- . دیوار مقابل در کعبه که چسباندن سینه به دیوار آن مستحب و در آنجا دعا مستجاب می باشد.

۳- . همان، ص ۳۵۵، حدیث ۱۳.

## نتیجه گیری

از مناظرات و رویکردهای کلامی امام رضا علیه السلام موارد زیر قابل استنتاج است:

۱. رهبران ادیان و پیروان مذاهب که مدعی برتری آیین خود بودند. پس مناظره و شکست در برابر امام علیه السلام به حقانیت اسلام و تشیع واقف شدند.
۲. پس از این مناظرات، نحله های مختلف دریافتند که اسلام ناب در اختیار خاندان وحی و اهل البیت علیه السلام قرار دارد.
۳. امام علیه السلام، در مناظرات روح آزاد اندیشی و سماحت خود را به همگان نشان می دهد و نشان می دهد اسلام با زور بر مردم تحمیل نشده است.
۴. حضرت رضا علیه السلام اجازه می دهند که مخالفان هر ایراد و اشکالی دارند مطرح کنند، هرچند محور این اشکالات نفی اسلام و یا نفی الوهیت باشد. (۱)
۵. پیروزی امام علیه السلام در مناظرات، در دوران پر تلاطم افکار و شبهات نشان از تأیید الهی آن حضرت داشت.

---

۱- . حسن رضایی مهر، مبانی و رویکردهای فلسفی - کلامی در مناظرات امام رضا علیه السلام، ص ۱۰ در اندیشه نو، ویژه نامه امام رضا علیه السلام، آذر ۱۳۸۵، شماره اول، مؤسسه فرهنگی قدس.



## منابع

۱. آشنایی با علوم اسلامی، مرتضی مطهری، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲. آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، رضا برنجکار، قم، مؤسسه فرهنگی طه، چهارم، ۱۳۸۱.
۳. الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳.
۴. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمّد بن محمّد بن نعمان (شیخ مفید) ترجمه، سید هاشم رسولی محلاتی، بی جا، انتشارات علمیه اسلامیة.
۵. الاصول الکافی، ثقه الاسلام ابوجعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.
۶. امامان شیعه و جنبش های مکتبی، محمّد تقی مدرسی، ترجمه: حمید رضا آژیر، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.
۷. الواقفیه دراسه تحلیلیه، ریاض محمّد حبیب الناصری، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام، الاولى، ۱۴۰۹.
۸. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، محمّد باقر مجلسی، ج ۴۹، بیروت، مؤسسه الوفاء، دوم، ۱۴۰۳.
۹. بحوث فی الملل والنحل، جعفر سبحانی، قم، مؤسسه الامام الصادق، اول، ۱۴۱۸ق.
۱۰. تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، علی محمّد ولوی، بی جا، انتشارات بعثت، ۱۳۶۷.
۱۱. تاریخ فرق اسلامی، حسین صابری، ج ۲، تهران: سمت، اول، ۱۳۸۳.
۱۲. تاریخ المذاهب الاسلامیه، محمّد ابوزهره، الجزء الاول، بی جا، دارالفکر العربی، ۱۹۸۷.
۱۳. تتمه المنتهی تاریخ خلفا و علما، شیخ عباس قمی، تحقیق: صادق حسن زاده، قم، مؤمنین، دوم، ۱۳۸۳.
۱۴. تحقیقی در مسائل کلامی، اسعد شیخ الاسلامی، تهران: امیرکبیر، دوم.
۱۵. تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام محمّد جواد فضل الله، ترجمه سید محمّد صادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، نهم، ۱۳۸۴.
۱۶. التوحید، علی بن الحسین بن بابویه القمی (الصدوق)، قم، جامعه المدرسین، بی تا.

۱۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (الصدوق)، ترجمه و شرح: محمد تقی اصفهانی مشهور به آقا نجفی، بی جا، انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا،

۱۸. فرق الشیعه، حسن بن موسی نوبختی، ترجمه و تعلیقات: محمّد جواد مشکور، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۱۹. الغیبه، محمّد بن الحسن الطوسی، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.

۲۰. مسند الامام الرضا علیه السلام، عزیز الله عطاردی، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶.

۲۱. مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، علی بن اسماعیل اشعری، ترجمه دکتر محسن مؤیدی، تهران، امیر کبیر، دوم، ۱۳۶۲

۲۲. المقالات و الفرق، سعد بن عبد الله ابی خلف الأشعری القمی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، دوم، ۱۳۶۰.

۲۳. الملل والنحل، محمّد بن عبد الکریم شهرستانی، بیروت، دارالفکر، اوّل، ۱۴۱۹ق.

۲۴. نهضت کلامی در عصر امام رضا علیه السلام، سید محمّد مرتضوی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اوّل، ۱۳۷۵.

۲۵. مبانی و رویکردهای فلسفی - کلامی در مناظرات امام رضا علیه السلام، حسن رضایی مهر.

۲۶. اندیشه نو، ویژه نامه امام رضا علیه السلام، شماره اوّل آذر ۱۳۸۵، مؤسسه فرهنگی قدس»

## روش شناسی مناظرات امام رضا علیه السلام

### اشاره

حسن امینی فر (۱)

### چکیده

در اسلام و رهنمودهای قرآنی منطق گفتگو جایگاهی خاص دارد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام پیشگام گفتگو در اسلام بوده اند. آنان با توجه به تعالیم والای اسلام و تأکید بر عقل و منطق به جای تعصب و افراط سر تا سر زندگی شان پر از گفتگو و مناظره است.

ما در این مقال به روش شناسی مناظرات و گفتگوهای امام رضا علیه السلام پرداخته ایم.

با توجه به موقعیت زمانی و جغرافیایی امام رضا علیه السلام امکان گفتگو، تعامل و مناظرات آن حضرت نسبت به سایر ائمه بیشتر بوده است. علاوه بر این با ترتیب جلسه مناظره توسط خلیفه عباسی یعنی مأمون فضای این امر مساعدتر شده بود.

آن حضرت در تمامی مناظراتشان از قوی ترین استدلالهای منطقی بهره جسته اند و با تمسک به داشته های طرف مناظره، راه هر گونه مغالطه را بر آنها بسته اند. لذا بررسی شیوه ها و روش های اتخاذ شده در این مناظرات می تواند الگویی مناسب فراروی محققان و پژوهندگان عرصه های فرهنگی و علمی باشد.

اصولاً بحث بر سر اینکه امام رضا علیه السلام با چه اصولی با مخالفان به مناظره می نشستند از مباحثی است که پاسخ به آن می تواند الگو و راهبردی برای

---

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد. «hasan.aminifar@yahoo.com».

گفتگوها و برخوردهای فعلی ما در عصر حاضر باشد شاید عمده ترین مانع در دستیابی به هدفمان در گفتگوها، رعایت نکردن این اصول باشد. اتمًا با کشف اصول و روش های حاکم بر گفتگوی معصومان به ویژه واکاوی مناظرات امام رضا علیه السلام می توان همان روش را در گفتمان های دینی اجرا کرد در این صورت به یقین می توانیم در معرفی اسلام به جهان موفق تر باشیم.

کلید واژه ها: امام رضا علیه السلام، مناظره، روش شناسی

### مناظره در اسلام و نقش آن در پیشبرد هدف ها

برای روشننگری و کشف حقایق و شناخت واقعیت ها، مناظره، بحث و بررسی رو در رو، به خصوص در روزگار ما که رشد فکری و علمی توسعه یافته، بهترین و محکم ترین راه رسیدن به هدف فرهنگی است، که اگر بر اثر تعصب و لجاجت، مورد قبول طرف مقابل واقع نشود دست کم موجب اتمام حجت خواهد شد، چه، پر واضح است، عقیده و ایده را نمی توان با سرنیزه تحمیل کرد، چه، گذرا و بی ریشه خواهد بود. (۱)

قرآن کریم به این موضوع به عنوان یک اصل نگریسته و خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: ((...قل هاتوا برهانکم إن کنتم صادقین: (۲)... بگو اگر راست می گوئید، دلیل خود را بیاورید)).

وقتی اسلام دیگران را به دلیل و منطق دعوت می کند، باید خودش بر دلیل و استدلال تکیه داشته باشد به همین دلیل در سوره نحل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مخاطب قرار داده می فرماید: ((ادعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...: (۳) با حکمت و اندرز به راه پروردگارت دعوت

۱- محمدی اشتهاردی، صد و یک مناظره ی جالب و خواندنی، ص ۳.

۲- بقره/۱۱۱.

۳- نحل/۱۲۵.

نما؛ و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن.)

نیک روشن است منظور از «حکمت» روش های محکمی است که به عقل و علم متکی است همانطور که منظور از «موعظه نیک» اندرزهای معنوی است که جنبه ای عاطفی دارد و احساسات پاک را به سوی حق بر می انگیزاند.

منظور از «مجادله» روش بحث و انتقاد و بررسی رو در رو و ستیز در بحث است، چنین روشی اگر بر اساس انصاف و رعایت حق باشد، در بعضی موارد برای سرِ جا نشانیدن مخالفان لجوج لازم است. (۱)

بنابراین در فن مناظره باید مناسبات و روحیات مناظره کنندگان را سنجید، و به تناسب هرکسی یکی از این سه روش را به کار گرفت.

### دانش امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام دانش خود را از جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ارث برده و سرچشمه ای جوشان از علم و فضیلت بود که تشنگان دانش و معرفت از فیض او بهره می بردند و تشنگی خود را فرو می نشانند. مناظرات علمی و مباحثات فکری آن حضرت که موجب پیروزی بر دشمنان اسلام شده، گواهی در این باره است.

از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که به فرزندان خود می فرمود: «این برادران علی بن موسی الرضا علیه السلام، عالم آل محمد صلی الله علیه و آله است، مسائل دین خود را از او پرسید و آنچه به شما می گوید نگه دارید، زیرا من بارها از پدرم، شنیدم که می فرمود: عالم آل محمد در صلب توست. ای کاش من او را دیدار می کردم. او با امیرالمومنین علی هم نام است». (۲)

۱- محمدی اشتهاردی، صد و یک مناظره ی جالب و خواندنی، ص ۴.

۲- طبرسی، حسن بن فضل، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۱۵.

اباصلت هروی در این باره می گوید: «من از علی بن موسی الرضا علیه السلام دانشمندتر و عالم تر ندیده ام و هیچ عالمی او را دیدار نکرد مگر اینکه همین را مانند من شهادت داد.» (۱)

دونالدسن مستشرق معروف عین مناظرات و سخنان آن حضرت علیه السلام را در کتاب تاریخ خود نقل کرده است و مورخان و محدثانی هم چون ابوبکر خطیب در تاریخ خود، ثعلبی در تفسیرش، سمعانی در رساله خود، ابن شهر آشوب در کتاب مناقب، بر فضل و برتری علمی آن حضرت اذعان نموده اند. (۲)

امام رضا علیه السلام دارای حضور ذهن، سرعت انتقال، قدرت استدلال و روانی و شیوایی کلام بود، معانی بکر و تازه در هنگام ضرورت بی زحمت اندیشه و بدون سستی در بیان در اختیارش قرار داشت، مباحثات و مناظرات آن حضرت، با ارباب ادیان و دانشمندان و زندیقان که آنان را با دلایل روشن و براهین قاطع محکوم و مغلوب می نمود، دلیل آشکاری بر میزان حضور ذهن و سرعت انتقال آن حضرت است. او در بیان مباحث و اثبات حق، احاطه علمی و شایستگی خویش را نشان می داد و در بین دوست و دشمن، به عالم آل محمد معروف شده بود. از این رو مشاهده می شود که علما و دانشمندان زمان، از این که در مسایل علمی، با آن حضرت وارد بحث و مناظره شوند، خودداری کرده و بیم داشتند. چنان که در مجلسی که مأمون از بزرگان ادیان مختلف تشکیل داد و از آنها خواست که بی پروا هر چه را اعتقاد دارند، در این مجلس مورد بحث قرار دهند، پس از مناظره آن حضرت با دانشمندان حاضر، سکوت همه جا را فرا گرفت و زبان همگی آنان بند آمد.

مأمون از راه های مختلف سعی داشت که امام رضا علیه السلام را در معرکه مناظرات و مباحثاتی که با سایر فرق و صاحبان ادیان و مذاهب مختلف برپا

۱- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

۲- . عطایی خراسانی، پرتویی از زندگانی هشتمین امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ص ۳۱۰.

می شد، وارد گرداند. وی به همین منظور مجالسی را ترتیب می داد و برجسته ترین دانشمندان زمان و نیز سران زندیقان و اصحاب جدل و مناظره را گرد می آورد، کسانی که سطوت و قدرت علمی آنها بیم انگیز و مغالطه های پیچیده و خصمانه آنها راه را بر دلیل و حجت می بست، ترس آور بود و تشکیکات تند آنها دلیل و برهان را سست می کرد. اما امام رضا علیه السلام به سبب تمسک به نیروی عظیم علمی در تمام این مجالس بر طرف مقابل پیروز بود، بدون اینکه آن حضرت خود را وارد مغالطات جدلی کند، -چنان که برخی از مناظره کنندگان برای اینکه بنای حجت خصم را ویران کنند و قوت و استدلال او را از میان ببرند، بدان پناه می بردند،- ولی آن حضرت با بیانی معجزه آسا و روشی روشن و رهگشا و با جدالی احسن به دلایل مطمئن خود در اثبات حق، تکیه می فرمود.

آری مأمون از جاثلیق رئیس اسقف ها و رأس الجالوت دانشمند برجسته یهود، بزرگان صابئین و هیربدان (۱) و رئیس و دانشمند هندوها، و نسطاس رومی پزشک و گروهی از متکلمین خواست که با امام رضا علیه السلام به مناظره و مباحثه علمی بپردازند؛ تا با توانمندی که در مغالطه و جدل دارند، راه برهان و استدلال را بر آن حضرت ببندند. او یاسر خادم را نزد امام روانه ساخت و به وسیله او تشکیل جلسه مناظره علمی و تاریخ انعقاد آن را به آگاهی امام علیه السلام رسانید و از آن حضرت خواست تا در جلسه حضور یابد. اینجا بود که نوفلی به امام هشدار می دهد و از قدرت و توانمندی مناظره کنندگان خبر می دهد، ولی امام با اطمینان خاطر کامل می فرماید: هنگامی که مأمون استدلال مرا با توراتیان به تورات آنها و با انجیلیان به انجیل آنها و با زبوریان به زبور آنها و با هیربدها به پارسی و با رومیان به رومی و با فرقه های مختلف

---

۱- . هیربدان طبقه ای از روحانیون دین زرتشت در دوره ساسانی بودند که کار نگهداری از آتش در آتشکده ها بر عهده آنان بود.



به زبان هریک بشنود و ببیند که زبان همه این ها بند آمد، خواهد دانست او در خور این نیست که در این راه گام بردارد، و در این موقع است که پشیمانی او را در برمی گیرد. (۱)

هدف از ترتیب این گونه مجالس آن بود که امام از پاسخ عاجز ماند و بدین وسیله نادرستی یکی از ادعاهای اساسی اش بر مردم روشن گردد. آری امام رضا علیه السلام مانند سایر امامان، داشتن علوم و معارف پیغمبر صلی الله علیه و آله را که شرط اساسی امامت است، مدعی بود. بنابراین، اگر مأمون موفق می شد که کذب این ادعا را ثابت کند با انهدام مذهب شیعه مشکل خود را به کلی حل کرده بود. (۲)

### روش های مورد استفاده امام رضا علیه السلام در مناظرات

#### ۱. استفاده از روش های عقلی و استدلالی

می دانیم عقل حجتی خدادادی است که تمام انسانها فارغ از هر دین و آیینی آن را می پذیرند و به داده های آن احترام می گذارند و چون در اسلام آموزه عقل ستیز وجود ندارد، تکیه بر عقل و استدلال عقلی می تواند ما را به یک نتیجه خوب برساند. پیامدهای استدلال عقلی، مورد قبول همگان می باشد؛ بنابراین کاربرد عقل در کنار علم، هدفی است که ضریب خطا را در بحث ها کمتر می کند و دستیابی به هدف واحد را آسان می گرداند. (۳)

امام رضا علیه السلام در مواجهه و مناظره با زنادقه و ملحدان که به هیچ کتابی یا

۱- . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۴؛ عطاردی قوچانی، پرتویی از زندگانی هشتمین امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ص ۷۵.

۲- . حسینی، جعفر مرتضی، زندگی سیاسی هشتمین امام علیه السلام، ترجمه خلیل خلیلیان، ص ۱۹۵؛ قلندری بردسیری، حمید، هشتمین امام، ص ۳۶.

۳- . طاهری آکردی، محمد حسین، پیشینه تاریخی گفتگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک، ص ۱۶۰.

خدایی معتقد نبودند، از روش عقلی و استدلال بهره می جستند. همین طور با اهل کتاب از طریق استدلال عقلی و بر اساس مشترکات دینی به رفع اشکالات و به اثبات حقانیت اسلام می پرداختند، زیرا بدون تعقل نمی توان تناقضات بین ادیان را رفع کرد.

امّا بیش از همه در مناظره با عمران صابئی، امام علیه السلام با استدلال های عقلی تمام راه های گریز را بر او بست و او را تسلیم نمود. علامه محمّد تقی جعفری، می فرماید: «مناظره عمران صابئی حاوی مهم ترین و مبهم ترین سئوال های حکمت درباره عقل متعالی است که عقول محققان را هنگام تفکر در آن، خسته می کند.» (۱)

روش عقلی و استدلال در مناظرات علمی و حتی گفتگوی بین الادیانی، روشی ویژه است که ما نیز می توانیم با استفاده از آسان تر به نتیجه برسیم. باید دانست که با توجه به حجیت عقل در همه ادیان، بهره جویی از این روش ما را در رسیدن به نتیجه ای واحد، یاری می رساند.

## ۲. تکیه بر اصول مشترک بین ادیان

آنچه در مناظره می تواند باعث نتیجه بخشی باشد، توجه به اصول مشترک بین ادیان است. اگر بخواهیم در گفتگو و مناظره به دنبال موارد اختلافی باشیم و هرکس نظر خود را بیان کند و در صدد تأیید آن باشد، هرگز گفتگو به نتیجه نخواهد رسید. رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این راستا را بنگرید: «(قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سوائه بیننا و بینکم الا نعبد الا الله ولا نشرک به شیئاً ولا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله...: (۲) بگو ای اهل کتاب!

۱- قرشی، محمد باقر شریف، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ترجمه سید محمد صالحی، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲- آل عمران/۶۴.

بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جزء خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعض دیگر را- غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد...))

تأکید بر اصول مشترک، در نامه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سران ادیان نیز دیده می شود.

امام رضا علیه السلام هم در مناظراتشان بر این نکته توجه داشته اند؛ همچنان که در مناظره با اهل کتاب مباحثی چون توحید، پیامبران الهی و نزول کتاب های آسمانی مطرح می شد و با استناد به همین امور، حقانیت آن اثبات می گردید.

امروزه این امر از ضروریات گفتگو بین ادیان است و بهترین راه معرفی اسلام می باشد. (۱)

### ۳. به کارگیری فصاحت در گفتار

فصاحت و شیوایی یکی از سجایای خطیب و گوینده به شمار می آید و باعث می شود سخن گوینده خالی از اختصار زیاد و تفصیل ملال آور باشد. و اینکه سخنران و گوینده در خطابه، نظم الفاظ را طوری با هم ترکیب نماید که معانی مقصود گوینده را ایفا نماید، و سخن را مطابق اقتضای محل و موضع بسراید.

سخنان بلیغ و گهربار علی علیه السلام در نهج البلاغه نمونه ی بسیار بارز از فصاحت و بلاغت است که دانشمندان بسیاری بر آن شرح نوشته اند و فنون فصاحت را از آن حضرت فرا گرفته اند.

امام رضا علیه السلام هم به تبع پدران خویش، دارای بالاترین درجه فصاحت و

---

۱- . طاهری آکردی، محمد حسین، پیشینه تاریخی گفتگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک، ص ۱۶۳.

بلاغت بودند، خطبه ها و مناظره های آن حضرت نمایانگر آن است. (۱)

#### ۴. تکریم طرف مناظره

تکریم طرف مناظره یکی دیگر از روش های امام رضا علیه السلام بوده است. مناظره بین امام و عمران نمونه ای از آن است. آن گاه که عمران اسلام آورد امام او را تکریم نموده و دنبال او فرستادند. وقتی عمران وارد شد امام خوش آمد گفته و محترمانه استقبال نمودند. از آن پس بود که نزد امام می آمد و از علم فراوان آن حضرت بهره می برد. و خود یکی از دعوت کنندگان به اسلام شد. حکیمان، صاحبان اندیشه و بدعت گذاران به نزد او می آمدند و از وی درباره بهترین مسایل سؤال می کردند، عمران نیز به پرسش های آنها پاسخ می داد به حدی که آنها از او اجتناب می کردند. (۲)

امام رضا علیه السلام در حین مناظره، هیچگاه طرف مقابل را تحقیر نمی کردند و حتی اگر اطرافیان، به تمسخر طرف مناظره اقدام می نمودند و می خندیدند، آنها را دعوت به ملایمت می نمود، چنان که در مناظره امام و سلیمان مروزی رخ نمود، آنگاه که امام علیه السلام تمام راه های جواب را بر سلیمان بست و سلیمان شروع به تناقض گویی کرد، همه حاضران در جلسه به سلیمان خندیدند، امام رو به مردم کرد و از آنها خواست نسبت به سلیمان ملایمت به خرج دهند و پس از آن گفتگو را ادامه دادند... (۳) حتی آن هنگام که در حین مناظره، سلیمان تناقض گویی می نمود مأمون گفت: وای بر تو سلیمان! چقدر این حرف غلط را تکرار می کنی؟! این سخن را قطع کن و به سراغ چیز دیگری برو. امام علیه السلام رو به مأمون کرد و فرمود: «رهاش کن؛ حرفش را قطع نکن،

۱- . خوشنویس، احمد، فضایل علمی و اخلاقی امام هشتم، ص ۹۴-۹۸.

۲- . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه محمد باقر آقا نجفی، ص ۱۶۸-۱۷۸.

۳- . قرشی، محمد باقر شریف، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ترجمه سید محمد صالحی،

چون آن را دلیل حقانیت خود قرار می دهد سپس رو به سلیمان کرد و گفت: ادامه بده، ای سلیمان...» (۱)

گفتگو میان امام و سلیمان مروزی هم چنان با پاسخ های آرام بخش آن حضرت ادامه پیدا می کند.

شیوه ای را که امام در این بحث و گفتگو به کار برده است، بی شک نکته ای جالب در فن مناظره به شمار می رود. روش آن حضرت این است که پس از پاسخ دادن به خصم، راه جواب را بر او نمی بندد، بلکه او را در طریق بحث و گفتگو آزاد می گذارد تا در راهی که هست پیش رود و به جایی برسد که دیگر راه را در برابر خویش بسته و حرکت در آن را ناممکن می بیند، در این هنگام ناگزیر به راهی که امام می خواهد او بدان رهنمون شود، باز می گردد و این پس از آن خواهد بود که مطلب را پذیرفته و بدان تن داده باشد. (۲)

علاوه بر این امام هیچ گاه قصد محکوم کردن و کوبیدن نداشت. بلکه هدفش صرفاً تعلیم و هدایت به حق بود. از این رو در مناظره با عمران گه گاهی به او می فرمود: «آیا مطلب را فهمیدی؟» یا می گفت: «آقای من، توضیح بیشتری بدهید.» (۳) در عین حال آن حضرت ضوابط خاص یک مباحثه و مناظره جدی و محکم را رعایت می نمود؛ برای مثال در مواردی که طرف مقابل به مسئله ای اقرار می کرد، ایشان به افراد می فرمود: «شاهد باشید که به این مسئله اقرار کرد.» (۴)

هم چنین با نگاهی به مناظرات امام رضا علیه السلام روشن می شود که آن

- ۱- قرشی، محمد باقر شریف، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ص ۲۰۲.
- ۲- قائمی، علی، در مکتب عالم آل محمد «امام علی بن موسی الرضا علیه السلام»، ص ۴۱۵-۴۱۶.
- ۳- عماد زاده، حسین، زندگی حضرت امام رضا، ص ۲۸۲-۲۸۳.
- ۴- سید کمال، عشق هشتم، ترجمه حسین سیدی، ص ۱۲۴.

حضرت همواره ادب و اخلاق اسلامی را رعایت می کردند. ایشان به دور از نگاه متعصبانه دینی و نژادی، بر احترام به دیگران و پرهیز از کاربرد الفاظ ناپسند و تهمت تأکید می کردند. و با الفاظ محترمانه ارتباط برقرار می کردند و می کوشیدند در گفتگوها فضای دوستی را حاکم کنند.

#### ۵. تفویض مسؤلیت به تازه مسلمانان

یکی از شیوه‌هایی که امام رضا علیه السلام در برخورد با طرف مناظره اعمال می نمودند، استفاده از نوگروندگان به آیین اسلام بود. نمونه این را در مناظره ایشان با سلیمان مروزی می بینیم. امام، نخست عمران صابئی را که از تازه مسلمانان و خود در جلسه مناظره پذیرای اسلام شده بود وارد صحنه مناظره با سلیمان نمود و سپس خودشان مناظره را ادامه دادند. (۱) شاید امام با این کار خواسته‌اند با آوردن چنین شخصی فضای عمومی را به نفع خود تغییر دهند و هم اینکه با این کار بفهمانند که آنهایی که پذیرای اسلام شدند افراد کوچه و بازار نیستند، بلکه خود اهل فن و صاحب فکرند. و شاید از این جهت که طرف مناظره تحت تأثیر قرار گیرد و راه عناد را نپیماید.

#### ۶. عنایت به احکام الهی

امام رضا علیه السلام حتی در اوج مناظره و بحث، به احکام الهی کاملاً عنایت داشت. در جلسه مناظره با عمران آن جا که بحث حساس شده بود، صدای اذان نماز بلند شد، امام برای نماز برخاستند. عمران عاجزانه درخواست کرد که امام بحث را ادامه دهد، چه، دلش نرم و آماده‌ی پذیرش مطلب شده بود. اما امام با آرامش فرمودند: بعد از خواندن نماز برمی گردیم. سپس به اقامه نماز مشغول شدند و بعد از نماز، دوباره بحث را ادامه دادند.

۱- قرشی، پژوهشی دقیق در زندگانی امام...، ص ۱۹۲-۲۰۸؛ طبرسی، همان، ص ۳۶۵-۳۷۳.

روشن است که منطقی و هدف امام از بحث‌ها و مناظره‌ها، تبیین و اجرای تعالیم الهی بود. (۱)

## ۷. استفاده از نیروی تصرف در امور طبیعی

ما طبق روایات وارده، به ولایت ائمه اطهار و تصرف آنان در امور طبیعی معتقدیم، امام رضا علیه السلام نیز در یکی از مجادلاتش از این شیوه بهره می‌گیرد؛ موقعی که حاجب مأمون (حمید بن مهران) از مأمون می‌خواهد تا جلسه مناظره‌ای با امام رضا علیه السلام داشته باشد تا با این کار بگوید که آن حضرت شایستگی حق ولایتعهدی را ندارد. در این جلسه حاجب ابتدا معجزه بودن بارش باران به وسیله‌ی امام رضا علیه السلام، در پی نماز باران را رد می‌کند و می‌گوید فصل باران است و باران به طور طبیعی آمده است. وی به امام می‌گوید: مردم این حرف را پشت سر تو می‌گویند، تو نباید اجازه بدهی که دروغگویان این سخنان را درباره تو انتشار دهند.

امام رضا فرمود: «من مردم را از گفتگو درباره نعمت‌های پروردگار منع نمی‌کنم و هرگز دنبال هوا و هوس نبوده‌ام.»

حاجب می‌گوید: «این مقام [ولایتعهدی] را مأمون به تو بخشیده است و تو را به این مقام رسانده است.»

امام فرمود: «این همان مقامی است که پادشاه مصر به یوسف صدیق داد و حال آن دو را نیز تو خود دانی.»

امام از حکایت و داستان‌های تاریخی که در قرآن آمده است، برای مثال می‌آورد و حق خود را اثبات می‌کند. حاجب غضبناک می‌شود و می‌گوید: «اگر در ادعای خود صادقی، این دو شیر نقش بسته بر پرده را زنده کن و بر من مسلط گردان تا ادعایت ثابت شود.»

۱- همان، ص ۴۱۹-۴۲۳؛ عمادزاده، همان، ج ۱ ص ۲۷۶-۲۷۸.

در این هنگام امام به دو تصویر شیر روی پرده اشاره فرمود: «این فاجر را دریا بید!»

شیرها ناگهان زنده شده، حمله آوردند و او را پاره پاره کردند و گوشت و استخوان او را چنان خوردند که اثری از او باقی نماند.» (۱)

در مناظره و گفتگویی که بین آن حضرت و ابواسماعیل سندی رخ داد؛ ابواسماعیل چون عربی نمی دانست در ابتدا به زبان سندی با ایشان احوال پرسسی می کند، امام هم به زبان سندی جواب می دهد سپس با زبان سندی با وی به گفتگو می نشیند. در آخر مناظره ابواسماعیل به ایشان می گوید من عربی نمی دانم از خداوند بخواهید آن را به من الهام کند تا با اهل آن با زبان خودشان گفتگو کنم. در این هنگام حضرت رضا علیه السلام دست خودشان را بر لب های ابواسماعیل کشیدند و او زبان عربی را یاد گرفت. (۲)

#### ۸. تسلط بر علوم و زبان های مختلف

در گفتگوی بین امام و فضل بن سهل، فضل پرسید: روز زود آفریده شده است یا شب؟ امام جواب می دهد: از روی قرآن جواب می خواهی یا از روی حساب؟ فضل می گوید: هر دو؛ امام با توجه به علم نجوم ثابت می کند که روز پیش از شب است و بعد از آن با خواندن آیه ((لا-الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا اللیل سابق النهار)) (۳) به اثبات نقلی آن می پردازد. (۴)

هم چنین در مناظره آن حضرت با عمران صابئی، عمران از آن حضرت درباره اعضای فیزیکی انسان که از بحث های پیچیده در علم پزشکی است و نیز

۱- . عطار دی، عزیزالله، اخبار و آثار حضرت امام رضا، ص ۱۴۶-۱۵۰؛ خاتمی، سید عباس، احوال ثامن الحجج، ص ۱۴۸-۱۵۰.

۲- . همان، ص ۶۲۰.

۳- . یس / ۴۰.

۴- . مغنیه، جواد، شخصیت حضرت رضا علیه السلام و موسی الکاظم علیه السلام، ترجمه سیدجعفر غضبان، ص ۱۲۲.



از طبیعت اشیاء در عالم سؤال می کند که امام علیه السلام همه را جواب می دهد. (۱)

در مناظره با عمرو بن هذاب هم که منکر علم امام به تمام زبان ها بود، مجلسی تشکیل دادند که در آن هندو زبان، رومی، فارسی و ترک زبان بودند، امام علیه السلام با هر یک از آنها با زبان خودشان به گفتگو نشست. خود ایشان می فرمود: «من حجت خدا در میان مردم و خدای به هنگامی که صحبت می کند با هر قومی به همان زبان سخن می گوید.» (۲)

### ۹. داشتن سعه صدر

یکی دیگر از اصولی که می توان از روند مناظرات امام رضا علیه السلام به دست آورد، داشتن سعه صدر و تحمل نظرات دیگران است. پذیرش این مسأله که دیگران هم حق دارند، آزادانه فکر کنند و هر چه خواستند بگویند و این را گامی مثبت و مقدماتی در ایجاد ارتباط و گفتگو با افراد دیگر می دانستند. عدم تحمل آراء و عقاید دیگران نه تنها باعث گفتگو نمی شود بلکه سبب دوری و بدبینی به یکدیگر نیز می شود.

در مناظره بین آن حضرت با جاثلیق، وقتی با استدلال امام مواجه می شود که: «ما به خدا معتقدیم و به عیسایی که معتقد به نبوت محمد صلی الله علیه و آله بود و ما چیزی علیه عیسی نداریم مگر ضعف و کمی روزه و نماز او. در اینجا جاثلیق با شنیدن این ها فریاد زد: به خدا علمت را فاسد کردی و امورت ضعیف شد. ما فکر می کردیم که تو عالم ترین اهل اسلام هستی. امام به آرامی با او روبرو شد، و با توجه به خدا انگاشتن عیسی مسیح توسط مسیحیان به آن جواب دادند. (۳)

۱- همان، ص ۱۲۳-۱۲۶.

۲- طبرسی، حسن بن فضل، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۴۴.

۳- همان، ج ۲، ص ۴۱۳؛ قرشی، همان، ج ۱، ص ۲۲۱.

### ۱۰. توجه به مقتضای جلسه مناظره

امام رضا علیه السلام همیشه در مناظرات و برخوردهایشان متوجه طرف مقابل بود و بر آن اساس عمل می نمود. مثلاً در برخورد با علمای ادیان دیگر یا از روش عقلی و استدلالی استفاده می کرد یا از روش نقلی یعنی ارجاع به کتب مقدس خودشان و اقوال بزرگان آنها، استفاده می نمود. اما در مناظره با متکلمان اسلامی علاوه بر توسل جستن به استدلال عقلی از آیات قرآن و اقوال شخصیت های تاریخی بهره می جست، آنچه که در مناظره با سلیمان مروزی، مأمون و علی بن جهم اتفاق افتاد دلیل بر این مطلب است. (۱)

در مناظره با یحیی بن ضحاک سمرقندی در موضوع امامت، حضرت رضا علیه السلام با استفاده از سخنان و عبارات خلفای راشدین، به اثبات امامت خویش پرداختند. (۲) و با این شیوه، فهم درست از متون مقدس را یادآور شدند.

هم چنین گاهی با آوردن نمونه از ادیان دیگر فهم مطلب و استدلال را آسان تر می کردند چنان که در مناظره با ابوقره این مسأله دیده می شود. (۳)

### ۱۱. استناد به منابع قابل قبول طرف مناظره

از روش های دیگر در گفتگو و مناظره توجه به این نکته است که باید به کلام و منابع قابل قبول طرف مناظره استناد شود، اگر در مناظره، یک طرف، چیزی بگوید و طرف دیگر چیز دیگر و هر کدام منبع طرف مقابل را قبول نداشته باشند، گفتگو به سرانجام نمی رسد. امام رضا علیه السلام با عنایت به همین شیوه، به نوفلی فرمود: می روم با مسیحی با انجیلشان، با یهودی با توراتشان با صابئی ها با آیین خودشان، با هیربدان با آیین پارسی شان و با رومیان به زبان

۱- . شجاعی گلپایگانی، سید زین العابدین، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ص ۱۶۰-۱۷۱.

۲- . عطاردی، همان، ص ۶۱۹-۶۲۰.

۳- . قرشی، پژوهشی دقیق در زندگانی امام...، ج ۱، ص ۲۱۰؛ طبرسی، همان، ج ۲، ص ۳۹۵-۳۹۶.

خود آنان بحث می‌کنم تا مأمون بفهمد که خلافت را به ناحق غصب کرده است. (۱)

آشنایی و تسلط کامل بر منابع دینی طرف مناظره نیز یکی دیگر از روش‌های موفق در گفتگوست که ما این را در مناظرات امام رضا علیه السلام شاهد هستیم. آن حضرت در مناظره با جاثلیق از او می‌پرسد: «آیا یوحنا ديلمی را قبول دارد یا نه؟»

او یوحنا را محبوب‌ترین مردم در نزد عیسی علیه السلام معرفی می‌کند. پس از آن امام با ذکر عبارتی از انجیل یوحنا (۲)، نسطاس رومی و رأس الجالوت یهودی را بر وجود چنین مطلبی در انجیل شاهد می‌گیرد و با این کار بیان خود را محکم‌تر می‌سازد و از جاثلیق اقرار و اعتراف می‌گیرد که چنین عبارتی در انجیل موجود است. (۳)

در این مناظره امام با خواندن سفر سوم عهدین، طرح بحث تعداد حواریون، نحوه نگارش انجیل، خواندن کتاب اشعیا، این که فقط یوحنا حضرت عیسی را خدا می‌داند و سه انجیل دیگر او را انسان می‌دانند. ادعای خودشان را اثبات می‌کنند و خود جاثلیق نیز می‌پذیرد که مانند امام بر آن امور مسلط نیست.

در مناظره با رأس الجالوت هم موقعی که رأس الجالوت درباره پیامبر صلی الله علیه و آله، از امام شاهد خواست، امام این آیه از تورات را خواندند که

۱- . مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۲- . با مراجعه به متن عبری انجیل یوحنا (۱۴:۱۶) واژه ی «پارقلیطای» را مشاهده می‌کنیم. این بشارت در ترجمه فارسی انجیل یوحنا در همان باب و همان آیه چنین آمده است: «و من از پدرم سؤال می‌کنم و «تسلی دهنده» دیگری به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما باشد.» باز در ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۷-۱۴؛ واژه «پارقلیطا» به «تسلی دهنده» ترجمه شده است. (کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران، اساطیر، ۱۳۷۹).

۳- . طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ۴۱۴؛ قرشی، پژوهشی دقیق در زندگانی امام...، ج ۱، ص ۲۱۹.

می گوید: «نور از جانب کوه طور سینا (۱) آمد و برای مردم از جانب کوه ساعیر (۲) درخشید و از کوه فاران (۳) برای ما آشکار شد. (۴)»

جالب این است که خود وی تفسیر این آیه را نمی دانست و از امام خواست تا آن را برایش روشن کند؛ امام فرمود: جمله «نور از کوه سینا آمد» مربوط به وحی خدای تبارک است در کوه سینا به موسی. جمله «می درخشید برای مردم از کوه ساعیر» این کوه، کوهی بود که خدای تعالی در آن به عیسی وحی فرستاد» اما جمله از کوه فاران برای ما آشکار می شود. فاران یکی از کوه های مکه است که بین آن و ما یک یا دو روز راه است. (۵)

نکته جالبی که در این مناظره است این است، آنچه را که امام می فرمود طرف های مناظره تصدیق می کردند و این باید امروزه الگویی برای گفتگوهای بین ادیانی باشد که با اطلاعات کافی با یکدیگر گفتگو کنیم و بر داده ها و اطلاعات ناقصی که از منابع غیر معتبر بدست می آید، اکتفا نکنیم.

علاوه بر اینها احترام و قبول انبیای گذشته موردی است که در لابه لای مناظرات آن حضرت به چشم می خورد و ایشان این کار را برای تألیف

۱- . نام کوهی است در شبه جزیره ی طور که بنی اسرائیل سه ماه پس از ترک مصر به آنجا رسیدند. احتمال دارد واژه ی آن ریشه ی سامی داشته و به معنی «خاردار» باشد. در کتاب مقدس فقط برای کوه بکار نمی رود بلکه برای صحرای آن منطقه و گاهی برای کوه آن منطقه حوریب، گاهی «جبل الله» و گاهی کوه خداوند است (هستینگ، قاموس کتاب مقدس، ص ۴۹۸).

۲- . نام کوهستانی است واقع در جنوب غربی دریای مرده که ادومیان (فرزندان عیسو) ساکن آن بودند و نیز بین فاران و سینا واقع است که در سرود دבורه و برکت موسی به آن اشاره شده است (محمدیان، قاموس کتاب مقدس، ص ۲۹۷).

۳- . کوه فاران جزء جنوبی کوههایی است در شمال شرقی دشت که بنی اسرائیل در آنجا گردش می کردند که فعلاً آن را کوه مفرعه گویند، واقع است و عین قادش در این قسم واقع است.... (هستینگ، قاموس کتاب مقدس، ص ۶۴۱)

۴- . با جستاری در کتاب مقدس این آیه را در باب ۳۳ سفر تثئیه مشاهده می کنیم ( کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، تثئیه ۲: ۳۳).

۵- . قرشی، همان، ج ۱، ص ۲۲۸؛ عطاردی، همان، ص ۵۹۹-۶۰۳؛ عمادزاده، همان، ج ۱، ص ۲۷۶.

قلوب انجام نمی دادند. بلکه واقعاً به انبیای گذشته ایمان داشتند؛ چرا که این اصلی بر گرفته از قرآن است.

در مناظره ایشان با جاثلیق می بینیم که جاثلیق اولین سئوالی که می پرسد در مورد نبوت عیسی علیه السلام است.

وی می گوید: «آیا آن را قبول داری؟ امام فرمود: من به نبوت عیسی و کتاب او و آنچه را که به امت خود بشارت داده و حواریون به آن اعتراف کرده اند، اقرار می کنم ولی نبوت و پیغمبری هر عیسایی را که به نبوت محمد علیه السلام و به کتاب او اقرار نکرده و امت خود را بدان بشارت و مژده نداده باشد، قبول ندارم. (۱)

## ۱۲. آزادگی و روح علمی

اقتدار علمی امام رضا علیه السلام و شخصیت انسانی آن حضرت موجب شده بود که ایشان از یک روح بلند و آزادگی علمی والایی برخوردار باشند. بر اثر این روح علمی، در سراسر مناظره از هر گونه امر ناشایست و ناروا پیراسته و به همه ارزشها و فضیلت های زیبا آراسته بود؛ نه جدلی در کار بود و نه حيله، نه مخاصمه و نه هياهو، نه لغزش و غفلت و نه هیچ امر نادرست دیگر. به جهت همین آزادگی و روح علمی است که امام رضا علیه السلام در هیچ یک از مناظرات شان نخست سئوال نمی کنند بلکه ابتدا به طرف مقابل می گویند سئوال داری پرس. این امر بیانگر این است که آن حضرت قادر به پاسخگویی هر سئوالی بوده و اسلام دینی است که پاسخگویی همه نیازهای بشری است.

زمانی که امام علیه السلام مناظره را به پایان می رساند رو به رؤسای ادیان می نمود و به آنها می فرمود: ای قوم! اگر در میان شما کسی مخالف اسلام است و سئوالی

۱- قرشی، پژوهشی دقیق در زندگانی امام...، ج ۱، ص ۲۱۸؛ نجفی، مناظرات ستاره هشتم، ص ۴۳.

دارد، هر سؤالی را که می خواهد بدون هیچ خجالتی مطرح کند. (۱)

همچنین در جلسه ای که در آنجا فقها و اهل کلام از فرقه های مختلف حضور داشتند مناظره ای بین آن حضرت علیه السلام و مأمون انجام می شود. مأمون می گوید: «ای ابوالحسن! به من خبر رسیده که گروهی در حق شما غلو کرده و از حد تجاوز نموده اند.»

حضرت فرمودند: «پدرم موسی بن جعفر از پدرش جعفر بن محمد، از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن ابی طالب روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرا بالاتر از حقم نبرید؛ زیرا خدای تبارک و تعالی فرمود: برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: غیر از خدای مرا پرستش کنید...» (۲)

با بررسی شیوه و روند این مناظره می توان نکات زیر را از آن استنتاج کرد:

- شخص متکلم و فقیه باید خودش را در معرض اجتماع قرار دهد تا در صورت پدید آمدن شبهه به آن پاسخ دهد.

- نباید فریفته تندروی و بزرگ نمایی پیروان خود شویم. (۳)

### ۱۳. تسلط، آرامش و انصاف

امام رضا علیه السلام در طول مناظره، تسلط و آرامش خاصی داشت و در بعضی موارد نیز گل لبخند بر لبانش شکوفا بود. این موجب می شد طرف مقابل با آزادی و راحتی سؤال کند و به بحث ادامه دهد.

انصاف کامل هم از دیگر نشانه های شخصیت علمی و ارزشی امام رضا علیه السلام بود. امام هم خود انصاف را رعایت می کرد و هم اگر طرف مقابل

۱- طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۴۱۴؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۶۸.

۲- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۸.

۳- رضوانی، علی اصغر، آداب گفتگو و مناظره از دیدگاه قرآن و روایات، ص ۱۶۴-۱۶۰.

سخن علمی می گفت و استدلال درستی داشت، ضمن تأیید آن، او را تشویق و ترغیب می کرد. از این برتر گاه به انصاف وی نیز اقرار می کرد. یعنی می فرمود: انصاف به خرج دادی. (۱)

### نتیجه گیری

از منش و روش های امام رضا علیه السلام در مناظرات و بحث-هایشان، می توان نکاتی را استنباط کرد، از آن میان است:

اسلام دین آزادی و آزادگی است و هیچ کس را به فکر و عقیده خاصی ملزم نمی کند.

اسلام، به ویژه مکتب امامت و ولایت، مکتب دانش، عقل و استدلال است و بر علم و منطق استوار است.

اسلام از شنیدن سخن نظر دیگران و مخالفان ابا ندارد. بلکه آنها را به مباحثه و تبادل فکر و اندیشه دعوت کرده و به طور اساسی، از تفکر و تعقل و استدلال استقبال می کند.

ظرفیت و استعداد علمی در آموزه های دینی به حدی است که همواره می تواند پاسخگوی سئوال ها و ابهامات بشر باشد و همیشه جلو دار قافله علم و منطق است.

علاوه بر استدلال با عمل و رفتار توحیدی می توان مردم را به حق دعوت نمود و بستر انتقال اعتقادات را فراهم کرد. بدان معنا که تنها عقل و آگاهی انسان نیست که باید در پذیرش حقیقت قانع شود، بلکه در حقیقت جوئی باید عواطف و سایر امکانات وجودی آدمی نیز مورد توجه قرار گیرد. این نکته امروزه در میان مباحث جدید معرفتی نیز مورد توجه بسیاری

---

۱- . قلندری بردسیری، هشتمین امام علیه السلام، ص ۴۰؛ شجاعی گلپایگانی، همان ص ۱۲۹.

از متفکران قرار دارد.

رویه امام رضا علیه السلام در مناظراتش این نیست که اعتقادات اسلام را برای طرف مقابل حق بالقوه فرض کند. در واقع امام علیه السلام در مناظرات به دنبال برتری جوئی نبودند و با استفاده از عنصر عقل و منطق به اثبات حقانیت اعتقادات اسلامی می پردازند.

این مناظره ها نیروهای ضد اسلام را ساکت کرد و به روشنی توانایی امام علیه السلام را بر علمی که خدا به او اعطا فرموده نشان داد. همچنین درستی عقیده شیعه را در این باره که خدا به امام توانایی علمی بخشیده، به اثبات رسانید. از طرفی روشن شد که امامان نه تنها در زمینه ی علوم شرعی، بلکه در همه ی علوم، عالم-ترین مردم آن جامعه بوده اند.

امروزه ما شاهد ایجاد اغتشاش فکری توسط رسانه های جمعی و ارتباطی وابسته به دولت های غرب هستیم که در فکر مردم هم بی اثر نیست. شبهاتی که به وسیله آنان تزریق می شود، بیش و کم اثر گذاشته است، بنابراین ما ناگزیر به اثبات عقلانی داشته های اعتقادی خود هستیم، لذا بهره مندی از همان شیوه ای که امام رضا علیه السلام در مقابله فکری با ادیان دیگر به کار بردند و یا در مقابل زنادقه و سایرین بهره جستند، می تواند به ما کمک کند تا معیارهای تفکر و تعقل ضابطه مند را در جهان امروز بسط دهیم و اگر تسلیم آنان شویم و تعصب گونه برخورد کنیم، ره به جایی نخواهیم برد.



قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۱. کتاب مقدس عهد عتیق و جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلین، هنری مرتن، تهران، اساطیر، ۱۳۷۹.
۲. جواهری، شریف، مثير الاحزان فی احوال ائمه اثنی عشر علیهم السلام امنا الرحمن، تهران، العمی، بی تا.
۳. حسینی، جعفر مرتضی، زندگی سیاسی هشتمین امام علیه السلام، ترجمه خلیل خلیلیان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۴. خاتمی، سیدعباس، احوال ثامن الحجج علیهم السلام، بی جا، دبیرستان موسی بن جعفر، ۱۳۷۲.
۵. خوشنویس، احمد، فضایل علمی و اخلاقی امام هشتم، تهران، موسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۵۹.
۶. رضوانی، علی اصغر، آداب گفتگو و مناظره از دیدگاه قرآن و روایات، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷.
۷. سید کمال، عشق هشتم، نگاهی نو به زندگی و زمانه حضرت معصومه (س) و امام رضا علیه السلام، ترجمه حسین سیدی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۹.
۸. شجاعی گلپایگانی، سیدزین العابدین، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، قم، دفتر نشر مصطفی، ۱۳۷۳.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا، ترجمه محمد باقر آقا نجفی، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
۱۰. طاهری اکردی، محمد حسین، پیشینه ی تاریخی گفتگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷.
۱۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، قم، اسوه، ۱۴۱۶ق.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۳۸.
۱۳. عبدالله، حسن، مناظرات فی العقائد، قم، نشر بلاغ، ۱۴۲۰ق.
۱۴. عطاردی، عزیزالله، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، بی جا، بی تا.
۱۵. -----، راویان امام رضا علیه السلام در مسند الرضا، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۶۷.

۱۶. عطایی خراسانی، پرتویی از زندگانی هشتمین امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، تهران، ۱۳۴۹ ش.

۱۷. عماد زاده، حسین، زندگی حضرت امام رضا علیه السلام، تهران، اقبال، ۱۳۳۵.

۱۸. قائمی، علی، در مکتب عالم آل محمد «علی بن موسی الرضا علیه السلام»، تهران، امیری، ۱۳۷۸.

۱۹. قرشی، محمد باقر شریف، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ترجمه ی سید محمد صالحی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.

۲۰. قلندری بردسیری، حمید، هشتمین امام علیه السلام، قم، نشر فراگفت، ۱۳۸۱.

۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، آخوندی، ۱۳۷۶ق.

۲۲. محمدی اشتهاردی، محمد، صد و یک مناظره ی جالب و خواندنی، قم، علامه، ۱۳۷۲.

۲۳. محمدیان، بهرام، دائره المعارف کتاب مقدس، تهران، روز نو، ۱۳۸۰.

۲۴. مغنیه، جواد، شخصیت حضرت رضا علیه السلام و موسی الکاظم علیه السلام، ترجمه سید جعفر غضبان، تهران، اردیبهشت، ۱۳۷۹ق.

۲۵. نجفی، عبدالحمید شمس الدین، مناظرات ستاره هشتم ولایت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، مشهد، خراسان-مشهد، ۱۳۵۲.

۲۶. هستینگ، جیمز، قاموس کتاب مقدس، ترجمه جیمز هاگس و اسماعیل صدیقی نوذری، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.



## نقش امام رضا علیه السلام در ارتقاء و تقویت تشیع در ایران

### اشاره

کریم حسنی (۱)

### چکیده

حضرت رضا علیه السلام، هشتمین پیشوای شیعیان، همزمان با شروع قرن سوم هجری، وارد ایران شدند. ایران از سال ۱۲ق. فتوحات اسلامی در آن شروع گشت و همزمان، به خصوص در دوران خلافت علی علیه السلام، انس گرفتن مردم با خاندان آل بیت علیهم السلام و تشیع در این سرزمین نفوذ یافت. مناطقی مثل مداین، قم و خراسان اولین مناطقی بودند که در همان سده اول هجری به تشیع گرایش پیدا کردند. تا قرن چهارم حکومت آل بویه و نهضت های متعدد علویان در ایران به وقوع پیوست و تعداد زیادی از سادات علوی از شاخه حسنی و حسینی برای در امان ماندن از ظلم و جور خلفای اموی و عباسی به ایران مهاجرت کردند، و باعث گسترش هرچه بیشتر تشیع در ایران شدند.

سوال اصلی نوشته این است که «آیا امام رضا علیه السلام در ارتقاء و تقویت تشیع در ایران نقش داشته است؟ چگونه؟»

فرضیه بر این است «امام رضا علیه السلام در ارتقاء و تقویت تشیع در ایران نقش داشته و وضعیت شیعیان در زمان ایشان مطلوب و رو به گسترش نهاده است.»

کلید واژه ها: امام رضا، تشیع، ایران، سادات، علویان.

## تشیع در ایران

در زمان خلیفه دوم؛ سه جنگ «قادسیه»، «جلولاء» و «نہاوند» بین مسلمانان و ایرانیان صورت گرفت که منجر به نابودی امپراطوری بزرگ ساسانیان و ورود اسلام به مناطق ایران گردید.

اولین جنگ بزرگی که منجر به فتوحات زیادی از جمله مداین گشت، جنگ قادسیه بود. «ابن اعثم کوفی» در کتاب «الفتوح»، حوادث این واقعه را به طور مفصل بیان کرده است. (۱)

دومین نبرد که حایز اهمیت است، «جنگ جلولاء» می باشد. جریان این جنگ را نیز کتاب «اخبار الطوال» بیان کرده است. (۲)

سومین نبرد مهم و سرنوشت سازی، که به «فتح الفتوح» نیز شهرت پیدا کرد، جنگ نہاوند بود. این نبرد در سال ۱۹ هجری قمری و به فرماندهی «نعمان بن مقرن» اتفاق افتاد، و در نهایت به صلح و پرداخت جزیه منجر شد. این واقعه نیز به طور مختصر، در «فتوح البلدان» نقل شده است. (۳)

در روند گسترش تشیع در ایران تا پیش از ورود امام رضا علیه السلام، افرادی و سرزمینهایی نقش داشتند که از آن میان مدائن به عنوان اولین نقطه شروع و گسترش تشیع به سراسر ایران مشهور شده است. در آن روزگار، مدائن پایتخت ساسانیان و مقر پادشاهان ایران محسوب می شد. از کسانی که نقش عمده ای در گسترش تشیع از مداین به سراسر ایران داشتند، می توان به حدیفه بن یمان و سلمان فارسی استانداران این شهر از سوی خلفا اشاره نمود.

موضع گیری های عدالت خواهانه حضرت علی علیه السلام در حمایت از اهل

۱- ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، ص ۹۲.

۲- دینوری، احمد بن داود، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص ۱۶۱.

۳- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، ص ۴۲۷.

ذمه و توصیه به عاملانش در پرهیز از ظلم و ستم نسبت به ایشان، یکی از عوامل توجه به تشیع در این سرزمین است.

قیام مختار بن ابوعبید ثقفی، بر علیه حکومت بنی امیه، برای اولین بار ارتباط و همسویی ایرانیان با تشیع را، به صورت نسبتاً گسترده، فراهم آورد.

تعداد موالی (ایرانیان) در میان لشکریان مختار چنان چشم گیر بود که برخی آن قیام را جنبشی علیه اعراب به شمار آورده اند. رمز موفقیت مختار این بود که نیازهای ایرانیان را دریافت و در ارتقاء منزلت اجتماعی غیر عرب کوشید.

بنابراین قیام مختار در روند رشد کمی و کیفی دین اسلام، در ایران مرحله ای مهم شمرده می شود. (۱)

در این بین نباید از قیام یحیی بن زید نیز چشم پوشید. (۲)

شهرهای قم، (۳) کاشان، (۴) آوه و خراسان از مناطقی به شمار می روند که تشیع را تا قرن سوم پذیرفته و وجود شیعیانی در این شهرها گزارش شده است.

### نقش امام رضا علیه السلام در ارتقاء و تقویت تشیع در ایران

#### اشاره

ورود امام رضا علیه السلام به ایران و خراسان، زمینه گسترش طرفداران حضرت و تقویت شیعه را فراهم آورد.

#### الف) امام در مسیر مرو

هم زمان با شروع قرن سوم هجری، مأمون حضرت رضا علیه السلام را از مدینه، به مرو فراخواند و امام با اکراه و اجبار به سوی مرو حرکت داده شدند. تمام

۱- دینوری، احمد بن داود، اخبار الطوال، ص ۳۳۳.

۲- یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۶.

۳- پاک، محمد رضا، «قم در دو قرن نخست هجری»، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۱۴، ص ۱۷.

۴- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۴۳۹.

تلاش در این حرکت اجباری بر این بود که حضرت به عنوان امام معصوم و بزرگ شیعیان شناخته نشوند. مأمون به گونه ای سفر حضرت را از دور مدیریت می نمود که بُعد رهبری معنوی و امامت امام مخفی بماند. اما امام علیه السلام این تحدید را به فرصت تبدیل نمود و از آن به بهترین شیوه در مسیر گسترش فرهنگ اسلام ناب بهره جست.

«رجاء بن ابی ضحاک» که مأمور آوردن امام به مرو بود، در مورد اتفاقات و حوادث طول سفر، این گونه می گوید:

«مأمون مرا فرستاد که علی بن موسی الرضا علیه السلام را از مدینه به نزد او حاضر کنم. و مرا امر کرد که او را از راه بصره و اهواز و فارس بیاورم و از راه قم بیاورم. و امر کرد که شب و روز مواظب او باشم تا او را وارد خراسان سازم.

پس من از مدینه تا مرو با او بودم و به خدا سو گند، که من مردی پرهیزکارتر از او در نزد خدا و کثیر الذکرتر در جمیع اوقات خود از او و ترسنده تر از خدا از او ندیدم. چون صبح می شد نماز صبح می خواند... پس از آن روی به مردم می کرد و ایشان را حدیث و موعظه می فرمود تا نزدیک زوال. پس از آن تجدید وضو کرده و به مصلاهی خود بازمی گشت...

او در هیچ شهری فرود نمی آمد مگر آنکه مردم روی به آن جانب می آوردند و معالم دین خود را از او پرسش می کردند. پس جواب می داد و بسیار حدیث می کرد از پدرش از پدرانیش از علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله. [\(۱\)](#)

### (ب) نقل حدیث در نیشابور

هر چند در مسیر امام از مدینه تا مرو، سعی شده بود که از مراکز و مناطق شیعه نشین دوری کنند و در شهرهای دیگر حضرت ناشناخته باشند، اما در



نیشابور یکی از پرجمعیت ترین اجتماعات صورت گرفت و حدیث «سلسله الذهب» توسط امام رضا علیه السلام نقل شد و امامت به عنوان اصلی پس از توحید طرح گردید. و این در حقیقت گسترش فکر و مبانی شیعه بود.

«محمّد بن موسی بن متوکل، با سند از اسحاق بن راهویه روایت کرد که گفت: زمانی که علی بن موسی علیه السلام به نیشابور، تصمیم ترک نیشابور را به سوی مأمون داشت، محدّثینی که در این دیار بودند همه سر راه او آمده، گفتند: یا ابن رسول الله! از میان ما میروی و ما را به حدیثی از احادیث جدّت رسول خدا صلی الله علیه و آله که از آن بهر مند نمی سازی؟- این در حالی بود که آن حضرت در عماری نشسته بود- سر خویش از عماری بیرون آورد و فرمود: شنیدم از پدرم موسی بن جعفر که گفت: شنیدم از پدرم جعفر بن محمّد که گفت: شنیدم از پدرم محمّد بن علی که گفت: شنیدم از پدرم علی بن الحسین که گفت: شنیدم از پدرم حسین بن علی که گفت: شنیدم از پدرم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیهم السلام که گفت: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: شنیدم از جبرئیل که می گفت: شنیدم خداوند عزّ و جلّ فرمود: کلمه «لا إله إلاّ الله» حصار و قلعه من است، پس هر که به قلعه من داخل گردد از عذاب من ایمن خواهد بود، ابن راهویه گوید: هنگامی که عماری حرکت کرد آن جناب به آواز بلند فرمود: این شروطی دارد، و من، خود از جمله شروط آن هستم.»

(۱)

### اقدامات عملی امام برای تقویت تشیع در ایران

#### اشاره

وجود امام در ایران باعث تقویت تشیع و ارتقاء و افزایش شیعیان گشت. از جمه اقدامات حضرت در این راستا می توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱- . شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ص ۴۲۳.

**الف) تشکیل جلسات مناظره**

دوره ای که امام در آن می زیستند، اسلام به بلاد مختلف گسترش یافته بود و کتاب های آن بلاد به عربی ترجمه می شد. این امر خود موجی از مباحث کلامی را در این عصر آغاز نموده بود، لذا امام علیه السلام برای دفاع از کیان دین و نمایاندن اسلام واقعی در جلسات مناظره با صاحبان ادیان و مذاهب مختلف شرکت می نمودند در این میان مأمون نیز با انگیزه های مختلف نشست ها و مناظرات علمی گوناگونی با ادیان و فرق درباره امامت، نبوت و... برگزار می کرد، و در تمام این نشست ها در پی آن بود تا به گمان خویش امام را محکوم کند.

اما از باب «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد»، همه توطئه های او نقش بر آب شده و محبوبیت حضرت بیشتر و بر تعداد شیعیان افزوده می شد. (۱)

**ب) رفت و آمد شیعیان به محضر امام**

موقعیت پیش آمده برای امام و استقرار ایشان در مرو زمینه رفت و آمد شیعیان را به محضر امام رضا علیه السلام بیشتر از پیش فراهم آورد. روایت ذیل، بیانگر این مسأله و نگرانی مأمون از گسترش و رواج تشیع است.

«از عبد السلام بن صالح هروی روایت شده است که گفت: خبر به مأمون رسید که حضرت ابا الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام مجالسی منعقد می کند و سخن می گوید و مردم شیفته او می شوند؛ یعنی اعتقاد به او پیدا می کنند. مأمون حاجب خود محمد بن عمرو علوی طوسی را امر کرد که مردم را از مجلس آن بزرگوار دور کند و او را نزد مأمون حاضر سازد.» (۲)

۱- همان، ج ۲، ص ۳۰۱.

۲- عزیز الله عطاردی، مسند الإمام الرضا علیه السلام، مقدمه، ص ۱۲۴.

**ج) نامه نگاری های امام**

مجموعه نامه های امام به افراد و اشخاص مختلف در مورد مسائل گوناگون از قبیل؛ اثبات جایگاه اهل بیت علیهم السلام، مباحث کلامی و اعتقادی و... همه در تبیین و تشریح مبانی تشیع و نشانگر تبلیغ و ارشاد و گسترش تشیع است.

برای نمونه آن حضرت نامه ای به عبد الله جنبد نوشته و در مورد جایگاه اهل بیت علیهم السلام توضیح داده است:

«از عبد الله جنبد روایت شده که حضرت رضا علیه السلام به او نوشت: اما بعد همانا محمد صلی الله علیه و آله امین خدا بود در میان خلقش و چون آن حضرت در گذشت، ما خانواده وارث او شدیم، پس ما هستیم امین خدا در زمین، علم بلاها و مردن ها و نژاد عرب و تولد اسلام نزد ماست. [یعنی نژاد صحیح و فاسد عرب را می شناسیم و از محل تولد اسلام که دل انسانست آگاهیم]. و چون هر که را بینیم می شناسیم که حقیقتاً مؤمن است یا منافق و نام شیعیان ما و نام پدرانشان، نزد ما ثبت است.

خدا از ما و آنها پیمان گرفته (که ما رهبر آنها باشیم و آنها پیرو ما) بر سر هر آبی که ما وارد شویم. آنها هم وارد شوند و در هر جا دراییم در آینده (اشاره به حوض کوثر و بهشت و مقام علین) جز ما و ایشان کسی در کیش اسلام نیست، مائیم نجیب و رستگار و مائیم بازماندگان پیغمبران و مائیم فرزندان اوصیاء و ما در کتاب خدای عز و جل خصوصیت داریم و ما به قرآن سزاوارتریم تا مردم دیگر و ما به پیغمبر نزدیک تریم تا مردم دیگر.» (۱)

**د) پشتیبانی اقتصادی و کمک به مستمندان**

گزارشی در متون و کتب تاریخی آمده است که نشانگر توجه امام به فقراء و جلب دل‌های آنها به سوی امامت و تشیع است.

۱- . شیخ کلینی، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص ۳۲۴.

«امام اموال خود را در روز عرفه میان مردم قسمت کرد و در برابر اعتراض فضل بن سهل که آن را زیان خوانده بود، امام آن را غنیمت دانست.» (۱)

### ه) پشتیبانی فرهنگی و تشویق شعرا

حضرت از هر فرصتی در راه ترویج تشیع بهره می جست؛ حتی از شعر و شاعران. از جمله شیعیان ارادتمند شیعه دعبل خزاعی بود که با سرودن قصیده و ذکر تاریخ شیعه پیام مظلومت را به گوش همه می رساند.

«دعبل گوید: چون به خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم فرمود: یکی از سرودهایت را برایم بخوان و من خواندم:

مدارس آیات خلت من تلاوه ومنزل وحی مقفر العرصات

تا به این بیت رسیدم که:

إذا وتروا مدوًا الی واترهم اَکفا عن الاوتار منقبضات

امام آنچنان گریست که از هوش رفت. خدمتگزارش اشاره کرد که آرام گیر. ساعتی درنگ کرد و سپس فرمود: بخوان و من خواندم. تا به همان بیت رسیدم و همان حال نخستین دست داد و من ساکت شدم.

بعد ساعتی امام فرمود: بخوان و من تا به آخر قصیده خواندم. حضرت سه بار فرمود احسنت. و دستور داد ده هزار درهم از سکه هائی که به نام حضرتش سکه خورده بود و پس از آن به هیچ کس ندادند به من دهند و با فرمانی به خانواده خود، خادم حضرت جامه های بسیاری برایم آورد...» (۲)

۱- . جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲- . علامه امینی، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ترجمه جمعی از مترجمان، ج ۴، ص ۲۴۷.

## آثار حضور امام در تقویت تشیع در ایران

### اشاره

فعالیت های علمی و تبلیغی امام در گسترش و ارتقاء تشیع در ایران به حدی بود که آثار آن بعد از شهادت امام، به روشنی دیده می شد. از باب نمونه به چند مورد اشاره می کنیم.

### الف) آثار و بناها

آثار به جا مانده از حضور امام علیه السلام در مسیر حرکت به مرو، در شهرها و مناطقی که به نحوی محل استقرار امام بوده، به عنوان پایگاهی برای شیعه شناخته می شود.

مسجد امام رضا علیه السلام در اهواز، دو نقطه منسوب به امام در شوشتر، قدمگاهی در شرق دزفول، قدمگاهی و مسجد امام رضا علیه السلام در ارجان و ابرقو، وجود چندین قدمگاه در یزد، قدمگاه «ده شیر» در فراشاه، وجود درختی با عنوان «موم رضا» در روستای بافران، حمام و مسجد و قدمگاه در نائین و حمام رضا و قدمگاه در نیشابور، از جمله اماکن به جا مانده از زمان امام می باشد، که بیانگر وجود محبین و شیعه بعد از آن حضرت در این اماکن می باشد. (۱)

### ب) مهاجرت سادات

با توجه به فراهم شدن زمینه نسبی برای حضور شیعیان به ویژه سادات در ایران، بعد از سفر امام، بسیاری از آنان به خراسان مهاجرت نمودند.

«ابو هاشم محمد» فرزند اذرع از فرزندان «حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب» اول کسی بود که به قم وارد شد. در «آوند» کاشان و همدان نیز از فرزند زادگان امامان علیهم السلام مستقر شدند.

از فرزندان زید بن حسن بن علی بن ابی طالب که در طبرستان مدتی

---

۱- . جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، همان، ص ۲۲۶.

اقامت و سپس به قم آمدند؛ «ابوالقاسم» بود که جدّ ابوالقاسم رازی است. عیسی بن احمد به ری رفت و آنجا را وطن خویش قرار داد.

اوّل کسی که از سادات حسینی به قم آمد، ابوالحسن حسین بن حسین بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق علیه السلام بود.

حضرت «فاطمه معصومه علیها السلام از سادات حسینی و فرزندان امام «موسی بن جعفر علیه السلام» است، که با تعدادی از خاندان و وابستگان به قم آمدند.

از سادات رضوی که به سال ۲۵۶ قمری، از کوفه به قم آمد، ابوجعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر علیه السلام بود.

از سادات موسوی، ابوعبد الله حسین بن احمد موسوی که جدّ او ابوعبد الله اسحق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بود، به همراه دیگر اعراب به قم آمد.

ابوعلی احمد فرزند ابوعبد الله حسین از قم به آوه رفته و در آنجا خانواده ای تشکیل داد. جعفر دیباج در زمان مأمون به جرجان آمده و در آنجا وفات یافت. ابوالفضل حسین برادر ابوحسن علی بن دینوری و جدّ سادات اشراف دینور است، که به بلاد دیلم رفت.

در عهد معتصم عباسی (۲۱۸-۲۲۷ق)، محمد بن قاسم، از نوادگان امام حسین علیه السلام، در طالقان بر علیه خلیفه قیام کرد.

در حکومت متوکل عباسی، حسن بن زید حسینی در طبرستان و دیلم حضور داشت. و در همین ایام، محمد بن محمد بن جعفر که از سادات حسینی و از نسل عمر بن علی بن الحسین علیه السلام بود، را در نیشابور به زندانش انداختند. (۱)

در ایام مستعین عباسی، ابوالحسین یحیی بن عمر بن حسین بر ضد

۱- اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین، مقاتل الطالبین، ج ۲، ص ۴۰۲.

دستگاه خلافت در خراسان قیام کرد.

جعفر بن محمد حسینی در ری به قتل رسید.

ابراهیم بن محمد، از نسل ابوالفضل العباس و حسین بن محمد حسینی در قزوین به قتل رسید.

احمد بن محمد حسینی در عهد خلافت معتمد به نیشابور تبعید شد.

در عهد معتضد، محمد بن زید بن محمد بن اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن علیه السلام، معروف به «داعی» و «صاحب طبرستان» قیام کرد. و سرانجام در دروازه گرگان جنگی در گرفت و محمد بن زید در این جنگ به خاک و خون غلطید. هنوز رمقی در بدن داشت که او را از میدان جنگ به گرگان برده و در آنجا درگذشت.

حسین بن علی بن محمد بن علی بن اسماعیل بن جعفر علیه السلام در تفلیس که از شهرهای ارمنیه است به دست قومی، معروف به صفار، کشته شد.

حسن بن عیسی حسینی در گرگان به دست خجستانی کشته شد. (۱)

### ج) قیام های سادات بر علیه خلافت جور

اهمیت نفوذ شیعه و گسترده‌گی آن پس از ورود آن حضرت در خراسان به گونه ای شد که زمینه قیام های علوی را فراهم آورد که به برخی از آنها در قسمت پیش اشاره شد. از جمله این قیام ها، قیام محمد بن قاسم است، او در سال ۲۱۹ هجری، در طالقان قیام کرد. و هدف از این حرکت را، حمایت شخصی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله جهت اقامه حکومت عدل شمرده، و در نتیجه بسیاری از مردم به دور او حلقه زدند.

در نهایت میان او و سرداران عبد الله بن طاهر در ناحیه طالقان و کوههای آن نبردهای رخ داد و منجر به شکست محمد بن قاسم انجامید. و

او جان سالم از معرکه به در برده و به یکی از ولایت های خراسان که اهالی آنجا دعوتش کرده بودند، رفت.

حاکم برای پیدا کردن مکان مخفی او جایزه ای گرانبها معین نمود. در نتیجه برای به دست آوردن این جایزه، افرادی محل او را گزارش دادند.

وی پس از دستگیری و تحمل شکنجه هایی، به واسطه کمک تعدادی از یاران خویش از کام مرگ فرار کرد. (۱)

بنابراین، اوضاع شیعیان ایران با ورود حضرت تغییر یافت و آثار و ابنیه های تاریخی و قدمگاه های به جا مانده از زمان ایشان، مهاجرات سادات علوی به ویژه حضرت معصومه علیها السلام به ایران و قیام برخی از سادات شواهدی است بر گسترش و نفوذ تشیع بعد از امام هشتم علیه السلام ایران.

---

۱- . طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۱۳، ص ۵۸۰۰.



۱. ابن اثیر، عز الدین علی، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ ش.
۲. \_\_\_\_\_، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ هجری.
۳. ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه محمّد تقی آقا نجفی اصفهانی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، بی تا.
۴. \_\_\_\_\_، تهران، نشرجهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
۵. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمّد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۶. ابن منظور، محمّد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، بی تا.
۷. ابن واضح، احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمّد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ ش.
۸. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ترجمه و شرح علی بن حسین زواره ای، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۹. اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین، مقاتل الطالبیین، ترجمه جواد فاضل، تهران، کتابفروشی علی اکبر علمی، ۱۳۳۹ ش.
۱۰. امینی (ره)، الغدیر، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران، بنیاد بعثت، بی تا.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمّد توکل، تهران، نشر نقره، چ اول، ۱۳۳۷ ش.
۱۲. بغدادی، صفی الدین عبد المؤمن، مراصد الاطلاع، بیروت، دار الجیل، بی تا.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، چاپ ۱۴۱۷ هجری.
۱۴. پاک، محمدرضا، «قم در دو قرن نخست هجری»، فصلنامه تاریخ اسلام، قم، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، سال ۱۳۸۲، شماره ۱۴.
۱۵. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.
۱۶. \_\_\_\_\_، ترجمه عزیز الله عطاردی، بی جا، انتشارات عطارد، ۱۳۷۳ ش.

۱۷. جعفریان رسول، تاریخ تشیع در ایران، قم، انصاریان، ۱۳۷۵ ش.

۱۸. جمعی از نویسندگان، «ایران‌شهر»، کمیسیون ملی یونسکو، شماره ۲۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.

۱۹. حموی، یاقوت بن عبد الله، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.

۲۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش.

۲۱. دینوری، احمد بن داود، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، چ چهارم، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. رضا علیه السلام، موسی بن علی، مسند الإمام الرضا علیه السلام، با تحقیق عزیز الله عطاردی، مشهد، آستان قدس، چاپ: اول ۱۴۰۶ ق.
۲۳. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰ م.
۲۴. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن احمد، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۷۸ ق.
۲۵. طبرسی، امین الاسلام، اعلام الوری، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۲۶. \_\_\_\_\_، احتجاج، ترجمه احمد غفاری مازندرانی، تهران، مرتضوی، بی تا.
۲۷. \_\_\_\_\_، احتجاج، ترجمه بهراد جعفری، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۰.
۲۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵ ش.
۲۹. عطاردی، عزیز الله، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، ۱۳۹۷ ق.
۳۰. قزوینی رازی عبدالجلیل، النقض، مصصح جلال الدین محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، بی تا.
۳۱. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۳۲. قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تحقیق سیدجلال الدین تهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱ ش.
۳۳. کلینی (ره)، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، قم، اسوه، چاپ سوم
۳۴. \_\_\_\_\_، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، اسلامیه، چاپ: اول، بی تا.
۳۵. گیرشمن، رومان، ایران از آغاز تا اسلام، مترجم محمد معین، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
۳۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ترجمه موسی خسروی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۴.
۳۷. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۳۸. مقدسی، مطهر بن طاهر، البداء و التاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، چ اول، ۱۳۷۴ ش.

٣٩. مقدسى، محمد بن أحمد، أحسن التقاسيم في معرفة الأقاليم، ترجمه علينقى منزوى، تهران، شركت مؤلفان و مترجمان ايران، چ اول، ١٣٦١ش.

٤٠. نعمان، محمد بن محمد (شيخ مفيد)، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدى خراسانى، تهران، اسلاميه، ١٣٧٦ش.

## فرهنگ و آداب زیارت

### اشاره

علیرضا کتانی - سارا امجدی

### چکیده

بی شک برای انجام هر کاری آدابی است که با رعایت آن، ارزش، میزان تاثیرگذاری و ماندگاری آن بیشتر خواهد شد؛ این ملاک، هم در امور مادی و طبیعی در زندگی انسان صادق است و هم در امور معنوی و فراطبیعی، چرا که در اینگونه امور ضرورت بیشتری دارد و از این رو برای حقایق دینی ضمن تبیین و تفسیر آن، اسرار و احکامی ذکر می کنند و آداب و اصول فرهنگی - اخلاقی نیز بر می شمارند؛ و زیارت نیز به عنوان امری معنوی که در حقیقت نوعی هجرت است و زائر در واقع مهاجر به سوی خدا و اولیای او است، از این قاعده مستثنی نیست و آنان که با رعایت حدود و آداب و فرهنگ رفتاری مناسب به زیارت می روند، بهره ای بیشتر و لذتی افزون تر می برند و عقل و قلب خود را متوجه حریم و ساحت امام نموده ضمن اینکه در رعایت این فرهنگ شایسته و آداب، لطایف و دقایقی نهفته است که با توجه به آن ابواب دیگری از علوم و معارف برای زائر گشوده می شود.

این مقاله بر آن است تا با تحلیلی از فرهنگ و ادب زیارت امام رضا علیه السلام پس از بیان کلیات و اشاراتی پیرامون فرهنگ، ادب و زیارت به بررسی این مسأله به شکل تفصیلی پردازد و ابعاد این امر را در سه مرحله آستانه سفر، هنگام ورود به حرم و پس از زیارت مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. همچنین نویسندگان علاوه بر تحلیل مسائل فوق، در پایان به ارائه نتیجه گیری و راهکارهایی در این زمینه پرداخته اند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، ادب، زیارت، زائر، امام رضا علیه السلام .

بدیهی است که انسان در زندگی خویش، همواره به امنیت و آرامش نیازمند است و اگر آدمی بتواند این دو را داشته باشد، می تواند در زندگی خویش به اهدافی که مد نظرش است، دست یابد. در واقع رسیدن به کمال انسانی و به طور کلی هدفی که خداوند، انسان را برای نایل شدن به آن خلق کرده در گرو راستین رسیدن به آرامش روحی و روانی در دنیاست. حال یکی از راههایی که می تواند این امنیت و آرامش را برای انسان ایجاد نماید، مساله زیارت است؛ چرا که دین اسلام از آنجا که مجموعه کامل و به هم پیوسته است و برای تمام زندگی بشر برنامه دارد این امر را نیز در سرلوحه برنامه های خود قرار داده است. بنابراین، زیارت شاداب ترین راه ارتباط با امام معصومی است که انسان در حضور او به بالاترین درجات می رسد و تمامی اضطراب ها و تشویش های زندگی ماشینی را به فراموشی می سپارد و چه بسا انسانهایی که پس از زیارت معصوم علیهم السلام زندگی آنان متحول شده و بالاترین درجات را کسب نموده اند.

حال باید پرسید، زیارتی که این چنین تحولی را در زندگی انسان پدید می آورد، آیا دارای شرایطی است یا به هر طریق می توان آن را انجام داد و منتظر نتیجه و ما حاصل آن نیز بود. در پاسخ باید گفت: همان طور که انسان هنگامی که به دیدار بزرگی یا عزیزی می رود از مدت ها پیش برای آن لحظه برنامه ریزی می نماید تا بهترین فرهنگ و آداب رفتاری را رعایت نماید، برای رفتن به چنین سفر معنوی، آن هم سفر زیارتی امام رضا علیه السلام قطعاً این نکات را بیشتر مدنظر قرار می دهد؛ چرا که نخستین چیزی که خداوند به بنده اش دستور داده است، رعایت ادب است.

## کلیات

### ۱. طرح مسأله

زیارت آدمی از دوست صمیمی یا از کسی که با او پیوند روحی یا مادی داشته است، از اموری است که دل و جان سالم بدان اشتیاق دارد. از این رو، روا نیست دینی که اساس آن بر فطرت استوار است، با این عمل مخالفت ورزد یا آدمی را از نزدیک شدن و رویارویی با آنهایی که دوستشان دارد، باز دارد. حال به زیارت معصومین رفتن و از آن جمله امام رضا علیه السلام از توصیه ها و تاکیدات دین مبین اسلام است. امّا به دیار این بزرگان رفتن و جلای روح دادن و شستن غبار مادّیت، به همراه رعایت اصول رفتاری و آدابی است که آن نیز در دستورات دینی بسیار سفارش شده است، تا آدمی در این سفر معنوی تنها سختی راه را به خود تحمیل نکند، بلکه با دستی پر و کوله باری از تجربیات نیک و معنویات به زندگی خویش باز گردد.

### ۲. ضرورت و اهمیت

زیارت بخشی از نیازهای روحی و زندگی معنوی و اجتماعی انسان را تشکیل داده و انبساط خاطر و آرامش روانی که در سفر زیارتی برای او محقق می شود، در هیچ کجا پیدا نمی شود، از این رو، باید کوشید تا در این مسیر بهترین رفتارها را رعایت نمود تا از جهل و گمراهی و نیز دل مشغولی هایی که همواره در راه انسان است، رهایی یافته و همچنین یک زیارت حقیقی انجام شود و به سمت و سوی یک زندگی شایسته فردی و اجتماعی رهنمون گردیم.

### ۳. اهداف

#### الف) هدف کلی

بررسی فرهنگ و ادب زیارت امام رضا علیه السلام جهت ارتقاء و رشد بینش آدمی در راستای کسب یک زیارت حقیقی.

#### ب) اهداف جزئی

۱. بررسی اهمیت، ضرورت، فلسفه و نقش زیارت در بهداشت روانی انسان با توجه به شرایط حاضر.

۲. تبیین و تشریح اصول فرهنگی و نیز آداب زائر در آستانه سفر، طی مسیر، هنگامه ورود به آستان حضرت جهت استفاده و الگوبرداری.

۳. بررسی وضعیت زائرین در زیارت با مدّ نظر قرار دادن دو شرط پیشین (آستانه و هنگامه ورود) در راستای کسب معرفت و تحول روحی و روانی برای انسان جهت زنده شدن فضایل و خصلت های والای امام رضا علیه السلام در زائر و دوری جستن از تمام بدیها و زشتی ها.

#### ۴. پیشینه

با بررسی منابع و کتب دریافتیم که هیچگونه تحقیق یا کتابی در خور توجه و معتبر و نیز جامع در خصوص مبحث مورد نظر «فرهنگ و ادب زیارت امام رضا علیه السلام» صورت نگرفته است و تنها مستندات عملی درباره زیارت حضرت و دعاها پس از زیارت در کتابهایی پراکنده وجود داشت؛ هم چنانکه فاقد پژوهش نظام مند و بنیادین در این زمینه هستیم، از پژوهش های تجربی و میدانی نیز جهت ترسیم یک زیارت حقیقی بی بهره ایم.



## ۵. ساختار

پژوهش حاضر در سه محور ذیل انسجام یافته است:

۱. کلیات؛

۲. اشاراتی پیرامون فرهنگ، ادب و زیارت؛

۳. فرهنگ و ادب زیارت امام رضا علیه السلام .

## اشاراتی پیرامون فرهنگ، ادب و زیارت

### اشاره

پیش از بازگویی بحث اصلی نوشتار «فرهنگ و ادب زیارت رضوی» لازم است، ابتدا اشاراتی کوتاه پیرامون مفاهیم کلیدی و اصلی مقاله بیان شود، تا اینکه محدوده بحثی که در اینجا ملزم به رعایت آن و نیز شایسته تأمل و ارزیابی است، بطور دقیق و قاعده مند مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

### ۱. تعاریف کاربردی

#### الف) فرهنگ

تاکنون تلاشهایی برای طبقه بندی تعریف های مختلف از فرهنگ انجام شده است. یکی از معروفترین این کوشش ها توسط آل کروبر و کلاید کلاک هون صورت گرفته است. این دو محقق یکصد و شصت و چهار تعریف را در چهار دسته کلی ارائه کرده اند.

با استفاده از این اثر، داریوش آشوری نیز تلاش کرده است تا با اضافه کردن چند تعریف جدید از همان قالب کروبر و کلاک هون برای طبقه بندی تعریف های مختلف از فرهنگ بهره گیرد. وی تعریف های فرهنگ را در ۶ دسته تقسیم می کند:

۱. تعریف های تشریحی یا توصیفی،

۲. هنجاری (تاکید بر روش و قاعده)،

۳. تاریخی،

۴. روانشناختی،

۵. ساختی،

۶. تکوینی یا ژنتیک. (۱)

دایره المعارف بین المللی علوم اجتماعی نیز سه دسته از تعاریف را ارائه می کند:

۱. تعریف های مبتنی بر سازمانها و نهادهای فرهنگی،

۲. تعریف های مبتنی بر الگوی رفتاری،

۳. تعریف های مبتنی بر ساخت اجتماعی.

دسته بندیهای دیگری از تعاریف فرهنگ وجود دارد. (۲)

تعریف های توصیفی یا تشریحی به دنبال توصیف فرهنگ و مشخص کردن نهادها و عناصر تشکیل دهنده فرهنگ هستند. تعریف های نمادگرایانه فرهنگ را کلیتی می دانند که از طریق نمادهای متجلی در جامعه شناخته می شوند و تعریف های نمادگرایانه ساخت گرا، بین نهاد و ساختار جامعه ارتباط ناگسستگی برقرار می کنند.

اما وسیع ترین تعریفی که در حوزه بین المللی درباره فرهنگ ارائه شده است، عبارتست از اینکه: فرهنگ کلیتی است ترکیب یافته از خصوصیات متفاوت روحی، مادی، فکری و احساسی که شاخصه یک جامعه یا گروه است. فرهنگ نه فقط هنرها و نوشتارها بلکه حالات زندگی، حقوق بنیادی انسان، نظامهای ارزشی، سنتها و باورها را در بر می گیرد. فرهنگ به انسان امکان عکس العمل نشان دادن در مقابل خود را می دهد. فرهنگ است که

---

۱- . داریوش آشوری، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، ص ۷۱.۴۷.

۲- . محمود روح الامینی، زمینه فرهنگ شناسی، ص ۳۸.

ما را به طور مشخص انسان قرار می دهد. حیات عقلانی، قضاوت نقادانه و احساس تعهد اخلاقی به ما می بخشد، از طریق فرهنگ است که ما ارزش ها را تشخیص می دهیم و انتخاب می کنیم. از طریق فرهنگ است که انسان خود را بیان می کند و از خود آگاه می شود، ضعف های خود را می پذیرد، از موفقیت های خود می پرسد، به ابزارهای جدید دست می یابد و کارهای جدید خلق می کند که از طریق آنها محدودیت های خود را مرتفع سازد.

این بیان، یکی از کامل ترین تعریف ها و تبیین هایی است که از مفهوم فرهنگ شده است. در این بیان، در درجه نخست فرهنگ به معنی وجه مشخصه و خصوصیت متفاوت یک جامعه به ویژه به لحاظ روحی و رفتاری است. بنابراین فرهنگ آن خصوصیتی است که یک جامعه را از دیگری متمایز می کند. در درجه دوم عناصر فرهنگ مشخص شده اند: هنر، ادبیات، خصوصیات رفتاری عمومی، ارزشها، باورها و حقوق اساسی پذیرفته شده در هر جامعه عناصر اصلی فرهنگ از این دیدگاه هستند.

وجود متفاوت این عناصر در هر جامعه موجب تمایز و تشخیص آن جامعه در مقابل دیگران می شود و به عبارت دیگر به آن جامعه هویت می بخشد و فرهنگ سازنده اصلی هویت یک جامعه است و این فرهنگ است که خصوصیات متفاوت جامعه را تشکیل می دهد.

## (ب) ادب

ادب در لغت به معانی رفتار پسندیده و در حدّ اصول اخلاقی پذیرفته شده، راه و روش و رسم مناسب هر کاری؛ تربیت کردن، تأدیب؛ شناخت رسوم و فرهنگ و شیوه ها و روشهای درست زندگی و فرهیختگی، آمده است. (۱)

پس ادب را می توان در اصطلاح ساختار نیکویی دانست که شایسته

است فعل دینی یا عقیدتی آن چنان واقع شود. مانند آداب دعا و آداب ملاقات با دوستان. به تعبیر دیگر، ادب ظرافت فعل است. اما معنای آداب جمع ادب و در لغت به مفهوم قاعده ها، روش ها، سنت ها و رسم های رایج در فرهنگ هر جماعت و قومی است.

حال مقصود از فرهنگ و ادب زیارت در اینجا، بیان ساختارهایی نیکو، زیبا و شایسته از ویژگیهای رفتاری، اخلاقیات و آداب است که هر زائر برای رفتن به زیارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام نیازمند دارا بودن یا مراعات این خلیات و آداب می باشد که با رعایت آن بتواند خود را در زلال جاری، بایسته های عرفانی و اخلاقی «زیارت» شستشو دهد و با عشق و پاکی تن و نفس قدم به آن مکان بگذارد تا آنگاه زیارت حقیقی برای وی محقق گردد.

### ج زیارت

واژه شناسان، زیارت را این چنین معنا کرده اند:

۱. دیدار و ملاقات، به دیدار کسی رفتن، (۱) سرزدن، دیدن کردن، دیدار، (۲) حاضر شدن نزد مزور، (۳) گرامی داشت احترام آمیز، (۴) «دیدار کردن از چیزی، کسی، یا جایی که دارای ارزش و اهمیت است، (۵) و زیارت به معنای دیدار کردن با قصد می باشد از این رو مفهوم میل و گرایش در تعریف زیارت آمده است که گویی زیارت کننده از دیگران روی گردانده و به سوی زیارت شونده تمایل پیدا کرده است. (۶)

- ۱- . مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۶، ص ۱۱۳.
- ۲- . آفریده رازی، فرهنگ واژه های فارسی سره، ص ۷۲.
- ۳- . حسن الامین، دائرة المعارف الاسلامیه الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰۶.
- ۴- . لویس معلوف، المنجد فی اللغه، ص ۳۱۰.
- ۵- . فرهنگ روز سخن، ص ۳۹۲۱.
- ۶- . احمد صدر، دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۶.

در اصطلاح دینی، «زیارت، تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده است و نسبت به مزور هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد. (۱) و این معنا در مرتبه برین و کامل خود همانا اقبال قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی نسبت به مزور را با خود دارد. به تعبیری دیگر، زیارت «ارتباط ملکوتی با کامل ترین انسان هاست که عظمت و قدرتشان به اذن خداوند متعال تمام هستی را فرا گرفته است.» (۲)

## د) زائر

زائر کسی است که با عشق و علاقه و میل و رغبت به دیدار کسی یا محلی برود؛ پس دیدارهای تصادفی یا غیر ارادی از مقوله این تعریف خارج است. و در اینجا مقصود از زائر کسی است که، قصد زیارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام را داشته باشد و عارفانه و خالصانه، ارتباط فکری و قلبی با این امام معصوم برقرار کند و بداند که هرگز توان فهم و معرفت ایشان را پیدا نخواهد کرد، تا اینکه غایت معرفت وی که اظهار عجز از این شناخت است را در برابر ایشان ابراز و احساس نماید.

## ۲. پیشینه تاریخی زیارت

بدون تردید بشر دلایل فراوانی برای سفرهای سیاحتی و زیارتی دارد، بعضی از آنها مربوط به عواطف انسانی است، برخی مربوط به عبرت آموزی از سرگذشت دیگران می باشد، بعضی هم پاسخ به خواسته های درونی و نیازهای روحی و روانی انسان است. قرآن کریم به صراحت امر می کند: «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف عاقبه الذین من قبل کان اکثرهم مشرکین: بگو،

۱- . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۰۵.

۲- . شیخ انصاری، المکاسب، ص ۱۵۳.

در زمین سیر و سفر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرک بودند!». (۱)

ما اگر بخواهیم به وسعت دامنه خداپرستی و یا شرک پی ببریم باید مسافرت کنیم، از فرهنگ ملل مختلف آگاهی یابیم تا بتوانیم راجع به عقاید حق یا باطل آنان قضاوت کنیم. ما اگر از دنیای پیرامون خود با خبر نباشیم چگونه می توانیم راجع به آنها اظهار نظر کنیم!؟

بر اساس گزارشهای تاریخی همه مسلمانان از شیعه و سنی به سفرهای زیاتی می رفته اند. این سیره عملی بزرگترین حجت بر جواز و استحباب قصد سفر برای زیارت است. مسلمانان به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله مشرف می شدند، حتی خود پیامبر صلی الله علیه و آله از شهر خارج می شد و برای زیارت به سوی مزار مادر خود مسافرت می نمود. (۲) عده ای هم عایشه را مشاهده کرده بودند که به زیارت قبر برادر خود عبدالرحمان می رفت. وی در جواب افرادی که به او اعتراض کردند، گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله به این امر دستور داده است. (۳)

این امر ادامه داشت تا اینکه در قرن هشتم، ابن تیمیه حکم به تحریم سفرهای زیارتی نمود.

این تحریم در اسلام سابقه ای نداشت حتی اگر نهی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بعد از نزول سوره تکاثر باشد اشاره به زیارت قبور برای تفاخر است. از جمله عادات زشت زمان جاهلیت افتخار به نیاکان خود بود، حتی اقدام به شمارش قبور می کردند. مفسرین ذیل آیه «الهاکم التکاثر حتی زرتم المقابر» آورده اند: در این آیات نخست ملامت نموده می فرماید: «تفاخر و مباهات بر یکدیگر شما را از خدا و قیامت به خود مشغول داشت، تا آنجایی که به

۱- روم/۴۲.

۲- مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵.

۳- عبدالرحیم المباکفوری، تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۴، ص ۱۳۵.

زیارت و دیدار قبرها رفتید و قبور مردگان خود را برشمردید.» (۱)

بنابراین چون چنین سابقه زشتی در میان اقوام عرب وجود داشته و آنها دارای چنین روش نامناسبی بوده اند، رسول خدا آنان را از زیارت قبور منع کرده بود. اما بعداً دید که جامعه رو به تربیت است و آثار سوء زمان جاهلیت از بین رفته، امر به زیارت کرده که اقل مراتب امر مباح بودن است. (۲)

پس زیارت قبور در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله کاملاً مباح بوده است. چون معنای امر بعد از نهی، حداقل اباحه عمل خواهد بود. به خاطر این که امر لاحق موجب نسخ نهی سابق می گردد، به همین لحاظ اقوال فقهای اهل سنت در این مساله مختلف شده و بین حرمت مطلق، وجوب مطلق و اباحه موکد دور می زند. (۳)

### ۳. فلسفه زیارت

محبوب ترین بندگان نزد خداوند همان انسان های کامل و برگزیدگانی هستند که قله های بلند تقوا و فضیلت را بوجود آورده اند. چهارده نور مقدسی که به انسان و فرشتگان پرستش ذات باری تعالی را آموختند، معصومانی که خداوند ایشان را از هر لغزش، اشتباه، خطا، نادرستی و... پاک و دورنگاه داشته است. محبت ورزیدن به این وجودهای مبارک یک دستور الهی است و نیز کسی که آنها را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و دشمنان آنان را در ردیف دشمنان خداوند هستند. (۴)

خداوند خطاب به حضرت آدم می فرماید: «اهل بیت پیامبر بهترین مخلوقات من می باشند که به سبب وجود آنان به بندگان ثواب و عقاب داده می شود و باید در درگاه من به آنان توسل جست و هرگاه به تو ابتلائات

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۷۶.

۲- محمد عبدالرووف المناوی، فیض القدر، ج ۵، ص ۷۱.

۳- تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۴، ص ۱۳۶.

۴- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت جامعه کبیره.

دست دهد این وجودها را نزد من شفیع قرار ده و به وسیله آنان طلب حاجت نما و من سوگند یاد کرده ام هر که ایشان را در درگاه من شفیع خود قرار دهد و به وسیله آنان نیاز خود را مطرح کند، در خواستش را اجابت کرده و شفاعت آنان را بپذیرم.

(۱)

رسیدن به مقامات معنوی و کمالات ملکوتی، بدون دوستی اولیای الهی امکان پذیر نمی باشد و پذیرش اعمال هر مسلمان در گرو محبت و ولایت اهل بیت خواهد بود؛ به قول مولوی:

هر که خواهد همنشینی با خدا او نشیند در کنار اولیا

پس زیارت یکی از بهترین راه های ارتباط با پیشوایان معصوم است که موجب جلب معنویت خواهد شد و مکان های زیارتی، پناهگاه امنی برای بندگانی هستند که می خواهند به درگاه حق تعالی استغفار کنند، تضرع نمایند و میثاق خویش را با خدای خویش تجدید کنند، قلب زائر همچون چراغی با یک منبع تولید کننده انرژی، چنان ارتباط برقرار می کند که نوعی انس معنوی با بوستان ملکوتی در خود احساس کرده و بدین گونه از تاریکی های گناه، فاصله می گیرد و صفحه دل را برای تابش نور حق مهیا می کند، در اخلاق و رفتار خود تجدید نظر کرده، محاسباتی در زندگی خود انجام می دهد و موازین شرع مقدس را بیش از گذشته رعایت می کند. به واقع چه مکانی بهتر از این فضاهاست که در آنها آدمی متوجه آخرت می گردد، به خود می آید، پوسته های غفلت و نسیان را دور می ریزد و خود را برای اعمال صالح و تقویت ایمان و پارسایی آماده تر می

بیند. (۲)

در بارگهت به صد امید آمده ام با موی سیه رفته سپید آمده ام

۱- ابو عبدالله قرطبی، تفسیر جامع، ج ۱، ص ۱۴۸.

۲- غلامرضا گلی زواره، صفای زیارت، ج ۱، ص ۱۳۱.



#### ۴. نقش زیارت در بهداشت روانی

زیارت یکی از اعمال و مناسک دینی است و به عنوان یک تجربه فردی در ارتباط با خداوند تلقی شده و در دین توحیدی اسلام جایگاه ویژه ای دارد. با بررسی ادبیات پژوهشی موجود درمی یابیم که رفتارهای دینی مثل زیارت و عبادت در نزد مسلمانان به عنوان یک ارزش محسوب شده و بر انجام آنها تأکید می شود.

در زیارت فرد با حضور در مکان مشخصی نسبت به صاحب آن مکان یا خود مکان که تشخیص یافته، عرض ارادت نموده و به طرح مسائل و مشکلات خود و اجتماع با پروردگار می پردازد و در آن مکان مقدس با واسطه قرار دادن آن صاحب شان و منزلت، آرزوهای خود را تعقیب می کند. زیرا در حین زیارت با نزدیک کردن خود به پروردگار، احساس آرامش درونی کرده و تخلیه هیجانی انجام می دهد. این امر نیز نهایتاً به سلامت روانی فرد کمک می کند. (۱)

پژوهشگری دیگر نیز به نام موریس (۱۹۸۳) با انجام پژوهشی، اثر زیارت دینی را روی افسردگی و اضطراب بر ۱۲۴ بیمار جسمی مطالعه کرد و دریافت که علائم مثبت بیماری آنها بعد از انجام زیارت کاهش معناداری یافته و این کاهش حداقل تا ۱۰ ماه بعد از برگشتن از زیارت ادامه دارد. همچنین پژوهشگری دیگر نیز در پژوهشی به بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد پرداخته و در یافته های خود همبستگی خطی مثبت بین زیارت دینی و سلامت روانی را گزارش کردند.

یافته های این پژوهشگران نشان داد که تفاوت موجود بین گروه زیارتی و سیاحتی در سلامت روانی بعد از بازگشت از سفر نیز وجود داشته و زائران

---

۱- . هاجر پهلوانی، بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد، ص ۷۴۴.

خانه خدا سلامت روانی بهتری داشته اند. نتایج این پژوهش نشان داد که زیارت باعث بهبود سلامت روانی افراد شده و این یافته با نتایج یافته های موريس (۱۹۸۳)، سن و نيتراب (۱۹۹۵) نیز همخوانی دارد. یعنی زیارت اماکن مقدسه و شخصیت های معنوی باعث کاهش اضطراب و افسردگی و افزایش سلامت روانی و بهبود عملکرد اجتماعی افراد شده است.

بر اساس این پژوهش، به جز علایم جسمانی، زیارت در کاهش اضطراب، افسردگی و سازگاری اجتماعی تاثیر مثبتی دارد. یعنی زیارت دینی باعث بهبود علایم افسردگی، اضطراب و سازگاری اجتماعی افراد شده است.

## فرهنگ و ادب زیارت امام رضا علیه السلام

### اشاره

زیارت، تشریف به دیدار مزورعنه (امام و یا امامزاده) است. هر دیداری، بر حسب اهمیت، شرایط، اداب و فرهنگی دارد؛ همان گونه که در عرف زمان ما، ملاقات و دیدار با بزرگان، با رعایت اخلاق و آدابی همراه است. بنابراین زیارت ائمه علاوه بر اهمیت خاص و جایگاه ویژه آنان با رعایت اصول اخلاقی و فرهنگی همراه است که در اینجا به فرهنگ و ادب زیارت امام رضا علیه السلام اشاره خواهد شد.

### ۱. آستانه سفر

### اشاره

اولین پرسشی که در اینجا به ذهن می رسد، این است که مبدأ رعایت اخلاق و آداب زیارت رضوی چه هنگامی است، آیا انسان تنها لحظه ای که داخل حرم امام رضا علیه السلام و به عبارتی در حضور امام معصوم علیه السلام است، باید نکاتی را رعایت نماید یا اینکه از ابتدای تصمیم گرفتن به سفر زیارتی، ملزم به رعایت رفتار فرهنگی و آداب خاص زیارت می شود؟

توجه به آداب زیارت باید از پیش از سفر و به هنگام انتخاب همراهان

آغاز شود و اخلاق زیارت را در طول مدت زیارت رعایت نماید. چراکه هر سفری با سختی های همراه است، اگر انسان اخلاق خود را کنترل ننماید و رفتاری ناشایست را پیشه کند و باعث آزار دیگران گردد، نه تنها حال معنوی خویش، بلکه حالات روحی و روانی و معنوی دیگران را نیز آشفته خواهد ساخت.

### الف) اصول فرهنگی

مهمترین اصول فرهنگی که زائر حرم رضوی باید در آستانه سفر آنها را رعایت نماید، عبارتند از:

- خوشرویی و خوش خلقی: اندیشه برخی چنین است که انسان باید در سفر گوشه گیر باشد؛ حال آنکه خوش خلقی و خوشرویی از سفارشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام است و خندان بودن و حتی شاد نمودن دیگران مادامی که در غیر رضای خدا نباشد، در مسافرت از علائم مروت در سفر است، جز در زیارت امام حسین علیه السلام که از آن نهی شده است، (۱) چرا که این سفر استقبال از کاروان غم و اندوه است.

- احترام به حقوق و شخصیت یکدیگر: در طول سفر باید با همه برخورد خوب و شایسته ای داشته باشیم، چه فقیر و چه متمکن و دارا، چرا که انجام این عمل در همه مراحل زندگی و از آن جمله مسافرتها خوب، پسندیده و نیکوست و در سفر زیارتی انجام این عمل، معنویت خاصی را بر جمع همراه حاکم می نماید؛ این امر تا آنجا اهمیت دارد که احترام به حقوق و شخصیت یکدیگر و پرهیز از تحقیر، حتی در نگاه کردن، از دستورات اکید زیارت است. (۲)

۱- . شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۷.

۲- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۴.

- به جا آوردن حق برادری: یکی دیگر از مهمترین اصول فرهنگی زیارت رضوی، به جا آوردن حق برادری است؛ به این معنا که گاه جویای احوال هموعان خویش شویم، هرچند آنها نیاز به کمک ما نداشته باشند. حال اگر در همراهی ما کسانی هستند که احساس می‌کنیم از نظر مادی، جسمی و... به کمک نیاز دارند بدون اظهار و درخواست از سوی آنان به سمت آنها رفته و تا حد امکان آنها را یاری نماییم.

- پرهیز از بخل و تنگ نظری: بر زائر حرم مطهر رضوی، لازم است در بذل و بخشش نسبت به دوستان و همراهان خویش پیش دستی نماید و به هیچ وجه نسبت به آنان بخل و تنگ نظری نرزد.

- گذشت و صبوری: در حین سفر ممکن است، اتفاقاتی پیش آید که منجر به اختلافاتی هرچند جزئی شود، پس انسان باید در چنین شرایطی، گذشت و صبر داشته باشد و سعی نماید که اختلافات را نادیده گرفته و نیز در صدد برطرف نمودن آن مشکلات برآید.

- دوری از محرمات و کتمان عیوب: شایسته است زائر حرم رضوی در طول سفر و حتی پس از آن از انجام هرگونه کار حرام پرهیز نماید تا شیرینی سفر معنوی را با تمام وجود درک نماید و اگر در طول سفر از همسفر خود، عیبی را مشاهده نمود پس از جدا شدن از وی هرگز آن عیب را برای کسی یا در جایی نقل ننماید.

### **(ب) شاخصه های ادب زیارت**

علاوه بر رعایت اصول فرهنگی در آستانه سفر زیارتی امام رضا علیه السلام یک زائر حرم رضوی، شایسته است آدابی را نیز در طی سفر مراعات نماید که مهم ترین آن عبارتند از:

آمادگی روحی: اولین و مهم ترین مسأله برای زائر رضوی، داشتن

آمادگی روحی است؛ بدین معنا که یک زائر معتقد و مومن، به هنگام توجه به پروردگار و پیامبر و ائمه باید شرایط روحی و جسمی مطلوبی را برای خویش ایجاد کند تا بدین وسیله بتواند با خدای خویش به نیایش و راز و نیاز پردازد. لذا باید پیش از پیرایش ظاهری، روح خود را برای ملاقات روحانی با این معدن معنویت و روحانی آماده نماید تا طعم لذت بخش آن را نیز بچشد.

زیارت در حریم دوست بودن زیارت عاشقی را آزمودن

زیارت، محبت را ستودن زیارت آشنای عشق بودن

زیارت فصل دل را وصل کردن صفا دادن به قلب و گریه کردن

نیت خالصانه و انگیزه الهی: زیارت باید به نظر استقلالی دیده شود و از هرگونه نظر شرک آلود در آن خودداری شود؛ به عبارت دیگر زیارت در حد خود هدف و مقصدی مستقل است که باید هیچ چیزی را در کنار آن ندید. زائر حرم رضوی باید زیارت را به تنهایی هدف مستقل و مقدس بداند، بگونه ای که همراه کردن آن با امور دیگر از ارزش و بهای آن کاسته آن را بی محتوا و بی معنا می سازد؛ لذا اگر زائر بخواهد در زیارت خود موفق باشد، باید سفر زیارتی خود را تصحیح و نیت خود را اصلاح کند؛ چراکه این سفر زمینه تقویت ارکان ایمان و پایه های اعتقادات و رافع ملالتهای جان و آرامش نفس و روان است. این تجدید قوا برای آن است که انسان در عرصه علم و مبارزه با شبهات و آفات فکری و تحریفات ذهنی و همچنین انحرافات اخلاقی و عملی در دام وسوسه ها و هوسها نیفتاده، بلکه بتواند آنها را شکست داده و اسوه دیگران باشد. همچنین اهمیت این مسأله تا آن جاست که امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من أتانی زائراً فی المدینه محتسباً كنت له شفیعاً یومَ القیمه: کسی که تنها به انگیزه

زیارت من، مرا زیارت کند، روز قیامت شفیع او خواهم بود.» (۱)

معرفت: معرفت امام و آگاهی از منزلت او مورد سفارش و تاکید بسیاری از روایات است. از امام کاظم علیه السلام رسیده است: «...فمن زاره مسلماً لأمره عارفاً بحقه كان عندالله جل وعز كشهداء بدر: ...هرکس امام رضا علیه السلام را زیارت کند، در حالی که تسلیم امر او و عارف به حقش باشد، در پیشگاه الهی از منزلت شهدای بدر برخوردار است.» (۲)

## ۲. هنگام ورود به حرم

### اشاره

همان گونه که پیشتر اشاره شد، زائر حرم رضوی باید در آستانه سفر و در طی آن اصول فرهنگی و نیز آدابی را رعایت نماید تا تنها رنج سفر را به خود هموار ننموده باشد؛ بلکه از این فرصت به دست آمده ره توشه ای برای خود کسب نماید. حال در هنگام ورود و رسیدن به حرم حضرت رضا علیه السلام نیز باید نکات مهمی را پیرامون فرهنگ و ادب زیارت مدّ نظر قرار دهد؛ چرا که با بررسی این مسأله پی می بریم که، این عمل - زیارت - صرفاً عمل عبادی خشک و بی روح نیست؛ بلکه رعایت خود این اخلاق و آداب در تمام مراحل سفر زیارتی تأثیر بسیار مهمی از جنبه های گوناگون روانی، تربیتی، عاطفی و... را برای انسان به همراه دارد که در هیچ کتابی نمی توان آن را به دست آورد. از این رو در این قسمت به بررسی اصول فرهنگی و نیز آداب آن در هنگام ورود به حرم حضرت و عرض ادب خدمت ایشان می پردازیم.

### الف) اصول فرهنگی

تجربه ثابت کرده است که انسانهایی که در جامعه با دیگران با رأفت و مهربانی برخورد می کنند، همواره از آنان به نیکی یاد می شود و بر عکس،

۱- . جعفر بن محمد قولویه، کامل الزیارات، ص ۴۶.

۲- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۴۱.

افرادی که به دیگران به نگاه تحقیرآمیز می نگرند و برای آنها جایگاه و ارزش قائل نیستند و برای رسیدن به مقصود خویش از هیچ عمل ناپسندی فروگذار نمی کنند، نه تنها در نزد مردم بی اعتبارند و کم کم منزوی و تنها می مانند، بلکه از دیدگاه خداوند نیز این انسانها از ارزش و جایگاهی برخوردار نیستند؛ مگر اینکه از اعمال گذشته خویش توبه نموده و سعی در تغییر شخصیت خویش داشته باشند. اگر توجه به مسائل فرهنگی و رعایت آن در مواقع گوناگون دارای ارزش و اهمیت است؛ در یک سفر زیارتی اخلاق و رعایت مسائل رفتاری از ارزش و اهمیت بیشتر و ویژه تری برخوردار خواهد بود:

حفظ حجاب: رعایت مسأله پوشش و حجاب در همه جا برای همگان و بویژه بانوان از ضرورت بیشتری برخوردار است؛ هنگام تشریف به آستان رفیع ائمه رعایت این مسأله دو چندان حائز اهمیت می شود. پس بانوان و خواهران مسلمان هنگام شرفیابی به محضر امام رضا علیه السلام به عنوان یکی از اولیای دین، باید رعایت حجاب کامل را نموده و از پوشیدن لباسهای بدن نما و زیارت با چهره ای نامناسب و یا خلاف شئون اسلامی خودداری نمایند و حرمت آن حریم مقدس الهی را حفظ کنند که در غیر این صورت، زیارت آنها خودنمایی و سیاحتی بیش نخواهد بود.

- حفظ متانت و وقار: شکی نیست که وقتی انسان به دیدار بزرگی می رود، سعی می کند تا حریمش را حفظ کرده و با وقار و متانت رفتار نماید. حال در هنگام زیارت امام معصوم، این مسأله از اهمیت بیشتری برخوردار است و زائر حرم رضوی، نیک می داند که زیارت امام علیه السلام همان زیارت امام زنده است؛ به گونه ای که رفتاری را که در زمان حیات و زندگی یک انسان باید داشته باشد، همان را در این زمان نیز باید رعایت نماید.

همچنین هنگامی که به سمت حرم حرکت می کند، با یادآوری این مساله که عظمت مقام و رفعت امام رضا علیه السلام در چه جایگاهی است و با توجه به عجز و ناتوانی خود، به عنوان یک انسان، هم در کردار و هم در رفتار نسبت به حضرت رضا علیه السلام خاضعانه و خاشعانه گام بردارد. شاید سر حفظ متانت و وقار و نیز حالت خاضعانه و خاشعانه گام برداشتن زائر، به این علت است که انسان از جو مادی که اطراف او را فرا گرفته است، فاصله بگیرد و با تمرکز و توجه به یک نقطه که آن هم موقعیت و عظمت امام علیه السلام است، خود را به ایشان نزدیک ساخته تا بهره بیشتری را کسب نماید.

- مراعات حال همگان: زائر باید نهایت انصاف و مروت را در رفتار خود در هنگام ورود به داخل حرم نسبت به دیگران در نظر بگیرد و اگر در ساعتی به زیارت می رود که جمعیت زیاد است، از هر راهی برای وارد شدن استفاده ننماید و در این حالت مراعات حال ضعیفان و کسانی که توانایی ندارند را بنماید و در صورت امکان حتی به آنان کمک نیز بنماید و اگر در داخل صحن زیارت را انجام داد «این فرصت را به بقیه نیز بدهد تا آنان هم از این فیض عظیم بهره گیرند». (۱)

همچنین در داخل حرم، بعضاً مشاهده می شود که برخی دست به اعمالی می زنند که از هر نظر مورد قبول همگان نیست. چنانکه برخی حرم را با خوابگاه و مکان استراحت اشتباه می گیرند یا از تذکر به کودکان خود که در حال سر و صدا هستند و آرامش را بر هم می زنند، خودداری می نمایند و به این وسیله اسباب آزار و اذیت زوار را فراهم می سازند. در چنین وضعیتی باید با آرامی و در نهایت احترام و رفتاری خوش به آنان تذکر داد و حال سایر زائرین را مراعات نمود.



- پرهیز از انجام اعمال ناشایست: زائر حرم رضوی، بایسته است از انجام اعمال خلاف فرهنگ و ناشایستی چون: قهقهه زدن، فریاد زدن به جهت صدا نمودن یکدیگر، پرگویی و بیهوده گویی، گریه کردن با صدای بلند، شوخی کردن، خوردن و ریختن آشغال در حرم و حریم آن جداً پرهیز نماید و این امر را مدّ نظر قرار دهد که به زیارت چه کسی نائل شده است. چنانکه محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام درباره چگونه رفتن به زیارت سوال نمود؟ حضرت فرمودند: «...سخن اندک بگوی و حتی الامکان جز به خیر تکلم نکن». (۱)

در جای دیگر نیز امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص ترک کلام بیهوده و پرگویی فرمودند: «اگر شما حرف بیهوده نمی زدید و قلبتان جایگاه شیطان نمی شد...، هر آنچه را من می دیدم، شما هم می دیدید و هر آنچه را من می شنیدم، شما هم می شنیدید». (۲)

پس بر زائر حرم امام رضا علیه السلام است که آهسته سخن بگوید، چنانکه در روایت آمده است که: «در حرم معصوم علیه السلام نباید صدا را بلند کرد یا با زوار بلند صحبت کرد؛ چرا که در محضر امام علیه السلام فرقی بین دیدن و ندیدن آن حضرت نیست». (۳)

- احترام و کمک به خادمین حرم: یکی دیگر از نکات فرهنگ رفتاری که زائر حرم رضوی باید رعایت نماید، احترام و کمک به خادمین حرم مطهر است. زائر باید همان گونه که با رفتار و کردار خویش در حفظ حرمت آن مکان معنوی می کوشد در تکریم خادمین و کمک به آنان نیز توجه داشته باشد؛ چرا که نگهبانان و خادمین حرم شریف رضوی انسان های

۱- زهرا صفاکار، فضایی از زیارت امام رضا علیه السلام، ص ۵۳؛ به نقل از سفینه النجاه.

۲- همان.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۴.

زحمت کشی هستند که در نگهداری و نظافت و راهنمایی زائرین می کوشند پس احترام و کمک به آنان قطعاً مسأله مهمی است که به آن توصیه نیز شده است: «وعاشِرُها: التصدق علی السدنه والحفظه للمشهد وإكرامهم واعظامهم؛ فإنّ فيه إكرام صاحب المشهد علیه الصلاه والسلام.» (۱)

## ب) اداب

در هنگام داخل شدن به حرم، زائر باید علاوه بر رعایت اصول فرهنگی، ادابی را نیز در نظر بگیرد؛ چرا که برای هر چیزی ادب و حدی است که رعایت آن نتیجه رضایت بخش تری را برای انسان به همراه دارد؛ حال که به نزد امام معصوم می رویم، همان گونه که پیشتر نیز اشاره شد، رعایت این آداب ارزشمندتر است؛ چرا که «حضور در نزد ضریح ایشان هیچ تفاوتی با حضور در زمان حیات ایشان بر اساس روایات و اسناد ندارد.» (۲)

– غسل: اولین ادب زیارت داشتن وضو و غسل کردن قبل از داخل شدن به سرای رفیع حضرت رضا علیه السلام است؛ چرا که از مجموع روایات نیز این نکته را می توان استنباط کرد که طهارت ظاهر در طهارت باطن تاثیر دارد و طهارت ظاهر در حقیقت زمینه طهارت باطن است و آب که مایه طهارت ظاهری و ظهور است، مظهر ولایت کلیه اجسام است؛ زیرا قوام هر چیزی به آب است. (۳)

شرفیابی به محضر امام رضا علیه السلام چون سایر ائمه معصومین که به نص آیه تطهیر از طهارت و قداست ویژه برخوردار است و باریابی به صحن و سرایی که نشان از نزاهت و پاکی الهی دارد، ایجاب می کند که زائر بدون تحصیل طهارت برتر، یعنی غسل به آن حریم نزدیک نشود و بدون آراستگی جان و

۱- . مکی عاملی، الدروس الشرعیه، ج ۲، ص ۲۴.

۲- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۱۶.

۳- . «وجعلنا من الماء کل شی حی» انبیاء/۳۰.

پیراستگی تن به آن بیت رفیع قدم نهد؛ زیرا غسل ظاهری نمادی از شستشوی روان و پاکی جان است. پس همانطور که شرط ورود به خانه خدا طهارت و پاکیزگی است، تشریف به حریم اهل بیت و از آن جمله امام رضا علیه السلام که بیت مرفوع و بیت المعمور زمینیان است، نیز متوقف بر طهارت است.

- پوشیدن لباس پاکیزه و مناسب: دومین ادب از آداب زیارت رضوی، پوشیدن لباس پاکیزه، نظیف و مناسب برای زیارت است و آمده است: «و نیکوست سفید بودن رنگ آن.» (۱) و نیز استفاده از عطر و بوی خوش هم توصیه شده است؛ گرچه این عمل در خصوص زیارت قبر امام حسین علیه السلام متفاوت است و تصریح شده است که پوشیدن لباس نو و استعمال بوی خوش از آداب زیارت آن حضرت نیست، بلکه دو لباس پاک و تمیز و سفید بهتر است مانند لباس احرام. (۲)

بنابراین زائر حرم امام رضا علیه السلام، باید از پوشیدن لباس های نامناسب، تنگ و بدن نما خودداری نماید. و نیز بهداشت را در هنگامه ورود به حرم رعایت نماید؛ چرا که بعضاً افرادی در میان زائران مشاهده می شود که از لباسهای آنها و بدنشان بوی نامطبوعی احساس می شود و همین عدم رعایت بهداشت با آن ازدحام جمعیت، سبب آزار و اذیت سایر زوار حرم می شود.

- اذن دخول: «یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم: ای کسانی که ایمان آورده اید، داخل اتاق های پیامبر صلی الله علیه و آله نشوید مگر آنکه به شما اجازه داده شود.» (۳)

توقف کردن و اذن دخول گرفتن، برای آن است که زائر بداند کجا آمده و به زیارت چه شخصیت بزرگی نائل شده است؟ اجازه گرفتن برای

۱- . شیخ عباس قمی، هدیه الزائرین و بهجه الناظرین، ص ۲۰.

۲- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۵۲.

۳- . احزاب/۵۳.

آن است که زائر بدانند، حرم مطهر امام رضا علیه السلام نه خانه ای معمولی و نه قبری معمولی است و چه وادی مقدس تر از جایی که پیکر معصوم را در خود جای داده است. جعبه ای که چند ساعت پیامبر خدا موسی علیه السلام را در خود جای داده بود، انچنان قداست یافت که سمبل آرامش بنی اسرائیل شد: «وقال لهم نبیهم أنّ آیه ملکه أن یأتیکم التابوت فیه سکینه من ربکم.» (۱) در روایتی از ابن عباس آمده است که: «تابوت همان صندوقی بود که مادر موسی او را در آن گذاشت و به دریا افکند و هنگامی که به وسیله عمال فرعون از دریا گرفته شد و موسی را از آن بیرون آوردند، همچنان در دستگاه فرعون نگاهداری می شد و سپس به دست بنی اسرائیل افتاد، بنی اسرائیل این صندوق خاطره انگیز را محترم می شمردند و به آن تبرک می جستند.» (۲)

وقتی که یک صندوقی که ساعاتی پیامبر خدا موسی علیه السلام را در خود جای داده، چنین جایگاهی می یابد، بی تردید مکانی که معصوم علیه السلام را در خود جای داده است از قداستی ویژه برخوردار است و باید حریم آن حفظ گردد. پس هنگامی که زائر حرم رضوی، به درب حرم رسید، باید بایستد. این توقف، ادب ویژه است و در حال توقف با خواندن دعا و اذکار وارده سعی کند تا رقت قلب و خشوع دل تحصیل نماید: «وان الرقه علامه الاذن فلا تغفل.» (۳) زیرا در چنین حالتی دعا اجابت و رحمت الهی نازل می شود: «إنّ الرقه علامه لاستجابہ الدعاء.» (۴) و نیز در برخی روایات هست اگر هنگام ورود به حرم معصوم، قلب به طپش بیفتد، اشک جاری شود و عظمت معصوم به

۱- . بقره/۲۴۸.

۲- . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۷۴.

۳- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۳۴.

۴- . عباس قمی، هدایه الزائرین و بهجه الناظرین، ص ۲۸.

چشم آید، اذن ورود داده شده است. (۱)

- ذکر تکبیر و تحمید: زائر باید وقتی وارد حرم شد و چشمش به قبر معصوم علیه السلام افتاد، بایستد تا آمادگی بیشتر برای عرض ادب پیدا کند، سپس سی مرتبه ذکر «الله اکبر» را تکرار نماید: «فاذا دخلت ورايت القبر فقف وقل الله اكبر، الله اكبر ثلاثين مره.» (۲)

سعد از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «... چون امام را دید تکبیر بگویند و... هر که پیش روی امام تکبیر بگوید و نیز بگوید: لا اله الا الله، وحده لا شریک له، خدای تعالی برای او خشنودی و رضوان اکبر خود را واجب خواهد کرد و بین او و حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم و پیامبران الهی در قیامت در دارالجلال جمع خواهد کرد: و من کبر بین یدی الامام و قال: لا اله الا الله وحده لا شریک له، کتب الله له رضوانه الاکبر و من یکتب الله له رضوانه الاکبر یجمع بینه و بین ابراهیم و محمد والمرسلین فی دار الجلال.» (۳)

سرّ اینکه باید در لحظه ورود تکبیر گفت این است که تکبیر و تحمید پیش از زیارت معصوم آن است که در این زیارت مقامات بلندی برای ائمه معصومین ذکر شده است و چه بسا زائر به علت سطحی نگری در وادی هولناک غلو بیفتد. غلو عبارتست از اعتقاد به ربوبیت پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه و اعتقاد به اینکه آنان مستقلاً خالق و رازقند و یا اعتقاد به نبوت امامان. اینگونه اعتقاد در حقیقت نفی الوهیت رب یا شریک قائل شدن برای او و نفی نبوت و خاتمیت نبی اکرم است؛ البته این نکته را نباید نادیده پنداشت که این اعتقاد که خالق هستی خداوند است و او اختیارات ویژه ای در این جهان و آن جهان به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان واگذار کرده است، این نه تنها غلو و شرک

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۴.

۲- همان، ج ۱۰۲، ص ۱۳۶.

۳- همان، ج ۲۴، ص ۳۹۶.

نیست، بلکه عین توحید است، ما خالق جهان هستی را ذات مقدس ربوبی می دانیم و معتقدیم که خداوند آنچنان که ملائکه را مدبران امر قرار داده «والمدبرات امر» (۱) به معصومین هم مرحله ای از این تدبیر را به اذن خودش تفویض کرده است. پس اعتقاد به مقامات فوق العاده برای امامان غلو نیست. اعتقاد به اینکه خداوند آنان را از هرگونه نقصی مبرا کرده «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل بیت ویطهرکم تطهیرا: خداوند چنین می خواهد که هرگونه پلیدی و زشتی را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.» (۲) پس اعتقاد به عصمت از اشتباه و خطا، گناه و عصیان عین اعتدال در اعتقاد است نه غلو.

- بوسیدن عتبه عالیّه و مقدم داشتن پای راست در هنگام داخل شدن: بوسیدن در گاه مقدسه هنگام داخل شدن به حرم شریف ائمه معصومین علیه السلام از آداب موکّد زیارت است؛ بزرگان شیعه مانند شیخ مفید، سیدبن طاووس و شهید ثانی همچنین علامه مجلسی و عده ای دیگر از علما نیز به امری که در روایت صفان، در شیوه زیارت قبر امیرالمومنین آمده استناد کرده اند که امام صادق به صفوان فرمود: «ثم قبل العتبه و قدم رجلک الیمنی قبل الیسری: سپس آستانه را ببوس و پای راست را بر پای چپ مقدم دار.» (۳)

بنابراین زائر حرم امام رضا علیه السلام پس از آنکه اذن دخول طلبید و با خواندن اذکار ماثور و نیز تکبیر و تحمید در قلب احساس رقت کرد و پس از بوسیدن در گاه، ادب اقتضا می کند پای راست را جلو بگذارد و مستحب است در این هنگام بگوید: «بسم الله وبالله و فی سبیل الله و علی مله رسول الله رب ادخلنی

۱- نازعات/۵

۲- احزاب/۲۳.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۸۴.

مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا» (۱).

- آهسته قدم برداشتن: «وقارب بین خطاک... و گامهات را کوتاه بردار.» یکی دیگر از آداب زیارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام، پس از بوسیدن عتبه و مقدم داشتن پای راست، آهسته قدم برداشتن و متانت و خضوع در راه رفتن است. شاید راز این باشد که برای هر قدمی که در این مسیر برداشته می شود، ثوابهای فراوانی برای زائر نوشته خواهد شد.

در شأن نزول آیه «إنا نحن نحیی الموتی ونکتب ما قدموا و آثارهم و کل شی احصیناه فی امام مبین»، (۲) آمده است که قبیله بنوسلمه در نقطه دور دستی از شهر مدینه قرار داشتند، تصمیم گرفتند به نزدیکی مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نقل مکان کنند آیه فوق نازل شد... پیامبر به آنان فرمود: «ان آثارکم تکتب؛ گامهای شما به مسجد، در نامه اعمالتان نوشته خواهد شد و پادشاه خواهید گرفت»، هنگامی که بنوسلمه این سخن را شنیدند، صرف نظر کردند و در جای خود ماندند. (۳) پس گامهای کوتاه همراه با تواضع، متانت و ادب سبب می شود تا زائر حرم رضوی از فیض و ثواب بیشتری بهره مند گردد و از لحاظ روانی نیز این حرکت - آهسته قدم برداشتن - بسیار موثر بوده و باعث تمرکز حواس و توجه و دقت نظر بیشتر می شود.

- نزدیک شدن به ضریح و بوسیدن آن: عن ابی جعفر علیه السلام: «کان علی بن الحسین صلوات الله علیهما یقف علی قبر النبی ویلتزق بالقبر ویسند ظهره الی القبر ویستقبل القبله و...؛ امام سجاده علیه السلام کنار قبر پیامبر می ایستاد و به قبر می چسبید و پشت خود را به قبر مبارک رسول خدا تکیه می داد و به سمت

۱- همان، ص ۱۶۱.

۲- یس/۱۲.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۳۵.

قبله می ایستاد و...» (۱).

این پندار باطلی است که انسان دور بودن از ضریح را ادب بداند و بخواهد از دور زیارت کند، بلکه در روایات تصریح شده است بدن را به ضریح چسبانده و بر آن تکیه کند و ضریح را ببوسد. در جایی آمده است: «شاید مراد از کسانی که توصیه به دور بودن از ضریح می کنند و آن را ادب زیارت می شمارند، اهل سنت باشند؛ زیرا آنها دور ایستادن از قبر را از جمله آداب و چسبیدن به قبر و بوسیدن و لمس کردن آنرا مکروه میدانند؛ چنانکه علمای آنان در آداب زیارت حضرت نبوی این مطلب را ذکر کرده اند.» (۲)

پس بدن را به قبر و ضریح چسباندن و بر آن تکیه زدن و نیز بوسیدن قبر و ضریح از آداب زیارت است و همچنین مناسب است که اگر انسان عذری مانند ضعف جسمانی ندارد، دعا و زیارت را نیز ایستاده بخواند.

و نیز از جمله آدابی که در همین رابطه وجود دارد آن است که زائر حرم مطهر رضوی، دو طرف صورت خود را بر روی ضریح بگذارد.

روشن است که اینگونه آداب، زمینه را فراهم می کند تا زائر قلب خود را در صحن و سرای حقیقی امام ببیند و حضور او را لمس کند. در جای دیگر نیز این گونه آمده است که: «بعد از خواندن زیارت، سمت راست صورت را بر قبر یا ضریح بنهد و متضرعانه از خداوند مسئلت کند، سپس قسمت چپ صورت را بر قبر بنهد و با حال نیاز، او را به حق خودش و به حق صاحب قبر سوگند دهد تا او را از اهل شفاعت و شفاعت شوندگان قرار دهد و در این حال با اصرار و مبالغه در دعا و سؤال از خداوند متعال با همه جدیت و سعی مسئلت کند؛ زیرا تا طرح حاجت و سؤال با جدیت تمام نباشد و احساس نیاز و تشنگی در انسان نجوشد، فیض الهی طالع نمی گردد؛

۱- . شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، صص ۳۴۳-۳۴۲.

۲- . شیخ عباس قمی، هدیه الزائرین، ص ۲۲.



البته بعد از رعایت این ادب به سمت بالای سر مزور حرکت کند و رو به قبله در پیشگاه الهی دعا و نیایش کند». (۱)

بر ارباب اندیشه پوشیده نیست که این توصیه، در صورتی مطلوبیت دارد که برای کسی مزاحمت ایجاد نکند و خلوت بودن اطراف ضریح چنین امکانی را فراهم نماید که بدون توهین به امام و بدون مزاحمت برای دیگران این امر فراهم آید. ولی در روزگار ما که در تمام ساعات شبانه روز انبوهی از جمعیت بر گرد ضریح حضرت می گردند، بر اکثر زائرین چنین امری غیرممکن است و مطلوبیت ندارد.

-آهسته سخن گفتن: یکی دیگر از آدابی که رعایت آن در حرم مطهر امام رضا موجب حرمت نهادن و تکریم ایشان است، فرود آوردن صدا در ذکر و دعاست؛ چرا که در حرم معصوم علیه السلام نباید صدا را بلند کرد یا با زوار بلند صحبت کرد: «یا ایها الذین امنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی ولا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض ان تحبط اعمالکم وانتم لا تشعرون. ان الذین یغضون اصواتهم عند رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفره واجر عظیم: ای کسانی که ایمان آورده اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید و همچنان که بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می گوید با آن حضرت به صدای بلند سخن مگویید؛ مبادا بی آنکه بدانید اعمالتان تباه شود. کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می کشند، همان کسانی اند که خدا دلهایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است؛ آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است».

(۲)

همچنین ادب حضور در محضر حجت الهی اقتضا می کند که نه تنها انسان از سخن و اذکار غیر الهی که انسان را از یاد خدا غافل می کند

۱- . مکی عاملی، الدروس الشرعیه، ج ۲، ص ۲۳.

۲- . حجرات/۳-۲.

پرهیزد، بلکه هنگام عبادات، زیارات و اعمال مستحبی به آرامی و آهستگی و بدون بلند کردن صدا، مناسک و اعمال زیارت را انجام دهد.

- خواندن زیارت ماثور: محدث قمی می فرماید: «ترک شود خواندن زیارت های مختصره که بعضی بی خردان از عوام آنها را با بعضی از زیارتها تلفیق کرده و در مجموعه ای جمع آوری کرده و نادانان خود را به آن مشغول ساخته و خود را از فیوضات بی نهایت زیارت های ماثوره معتبره و فواید کتب علما محروم کرده اند.»

علامه حلی نیز استحباب زیارت را تنها در زیارت به ماثور و منقول می داند و در نوع زیارت های اهل بیت، این جمله را تکرار می فرماید: «و يستحب ان يزوره بالمنقول» (۱).

بنابراین زائر حرم امام رضا علیه السلام، باید بدانند همزمان با اینکه زیارت از جانب معصوم صادر شده، باید با نهایت ادب به ضریح نگاه کند و زیارت ماثوره منتسب به ایشان را در حال ایستاده بخواند، مگر آنکه عذری داشته باشد.

- نماز: بینش اسلامی بر این اصل استوار است که خالق تمام هستی تنها خداوند است. نماز نیز حقیقتی الهی و مخصوص پروردگار عالم است و انسان به عنوان جزئی از این هستی خلق نشده، مگر برای عبادت و پرستش. و نیز به جای آوردن نماز که پاداش و ثواب فراوانی دارد، تمامی ارکان و اجزای آن، از قیام و قعود گرفته تا رکوع و سجود، تنها به امر الهی و برای اوست. این نکات در نماز زیارت قابل توجه است و زائر امام رضا علیه السلام به آنها التفات می کند و به خالق خویش عرضه می نماید که این نماز که از آن تو و برای توست، با نیت قربه الی الله انجام می گیرد.

---

۱- . علامه حلی، تذکره الفقهاء، ص ۴۵۰.

پس شایسته و مستحب است، زائر حرم رضوی پس از خواندن دو رکعت نماز زیارت، این دعا را بخواند که شیخ مفید نیز بر آن تاکید نموده است: «اللهم اِنِّی اسئلك يا الله الدائم فی ملكه، القائم فی عزّه، المطاع فی سلطانه، المتفرد فی کبريائه، المتوحد فی ديموميه بقائه، العادل فی بريته، العالم فی قضيته، الكريم فی تأخير عقوبته، الهی حاجاتی مصروفه اليك و امالی موقوفه لديك، و كلما وفقتني من خير فأنت دليلي...» (۱)

پس زائر حرم رضوی برای به جا آوردن دو رکعت نماز به همان کیفیتی که برای امام رضا علیه السلام وارد شده است، نمازش را بخواند. همچنین زائر در موقع نماز زیارت خواندن، باید به این نکته توجه نماید که مکان این دو رکعت باید [پشت به قبر نباشد بلکه] در کنار قبر مزور خوانده شود، چرا که عده ای از فقها در مورد نماز خواندن زائر به حالت پشت به قبر اشکال جدی وارد نموده اند. نیز آمده است: «مناسب و شایسته نیست که قبر پشت سر باشد، مگر اینکه قبر بسیار دور باشد تا صدق بی حرمتی نکند». (۲)

- دعا، قرائت قرآن و ذکر صلوات: «واعلم انّ الذی بیده خزائن السموات والارض قد اذن لك فی الدعاء... فالمال لا یبقی لك ولا تبقی له»

دعا اسباب و عواملی دارد که از دایره قدرت انسان بیرون است؛ دعا درخواست و تقاضا از کسی است که قدرت و توانش بی پایان و فوق قدرت ها است و از طرفی نشان بندگی و توجه به مقام ربوبیت و عامل تقویت روح و روان است.

پس یکی دیگر از آداب زیارت، دعا بعد از نماز زیارت است، چنانکه صاحب الدروس الشریعه در این زمینه می فرماید: «از جمله آداب زیارت، دعا بعد از نماز زیارت است و دعای بعد از زیارت امام رضا علیه السلام از بهترین و

۱- . شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۹۷۵.

۲- . مکی عاملی، الدروس الشرعیه، ج ۲، ص ۲۳.

زیباترین جلوه های دعاست...؛ همچنین از جمله نکاتی که باید در هنگام دعا کردن مورد توجه قرار داد و از آن غفلت نکرد، تعمیم و فراگیر کردن دعا و طلب از خدا برای همه است؛ زیرا آن به اجابت نزدیک تر است.» (۱)

پس زائر اگر در زیارت خویش با انگیزه خالصانه و با معرفت اعمال خود را انجام دهد می تواند برای امورات دینی و دنیوی خود دعا و حاجت خویش را از آن بزرگواران درخواست نماید؛ چراکه قطعاً اهل بیت خاندان کرامت و سخاوت هستند و زائر را بدون رفع حاجت و جواب باز نمی گردانند همان گونه که در روایات متعدد آمده است که هر که آنان را بشناسد و پناهنده به آن مکان شریف و صاحب آن قبر مطهر شود، پناه داده می شود و حاجت روا بر می گردد؛ چرا که این حقی است که بر مبنای تفضل الهی به زائر داده می شود تا حاجت خویش را مطرح نموده و اگر به خیر و صلاح وی باشد مورد قبول و عنایت حق تعالی قرار گیرد و همان گونه که بیان شد، زائر می تواند برای عموم دوستان و شیعیان علی علیه السلام دعا نماید و طبق روایات عدیده این امر مقرون به اجابت است. (۲)

همچنین پس از دعا، زائر حرم رضوی در کنار ضریح منور امام رضا علیه السلام بایستد و مقداری قرآن قرائت نماید و ثواب آن را به صاحب قبر مطهر هدیه نموده که این امر نوعی تعظیم و تکریم نسبت به مزور است، لیکن ثواب اصلی و نفع آن به خود زائر برمی گردد، (۳) و پس از آن با ذکر صلوات، ادب زیارت خویش را کامل تر نماید.

- توبه و استغفار: ادب زیارت اقتضا می کند، زائر حرم امام رضا علیه السلام از فرصت زیارت استفاده کرده و علاوه بر کوشش در جهت داشتن حضور

۱- . مکی عاملی، الدروس الشرعیه، ج ۲، ص ۲۳.

۲- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۵.

۳- . علامه امینی، الغدیر، ج ۵، ص ۱۷۰.

قلب در همه حالات و شرایط، با شفیع قرار دادن آنها و همچنین به جهت توجه ربوبی نسبت به آن بیت و صاحبان بیت که انسانهای معمولی نیستند از خداوند متعال بخواهد که او را از بدی ها و تباهی ها جدا کرده و دور سازد و توفیق ترک گناهان را در بقیه عمر به وی ببخشد. (۱) این عمل زائر نشان از آن است که وی از گناهان خویش پشیمان شده و در صدد عزم بر رفع اعمال پیشین خود است، لذا با ادب خاصی که در این حالت انسان به نوعی سبک بال نیز شده است، ضمن درخواست قبولی زیارتش، آمرزش و غفران الهی را برای ریزش گناهان خویش مسئلت نماید. همچنان که خداوند در قرآن کریم می فرماید: «یا ایها الذین امنوا توبوا الی الله توبه نصوحا عسی ربکم أن یکفر عنکم سیناتکم» (۲)

- ادب وداع: همان طور که زائر حرم رضوی در هنگام ورود به حرم مطهر امام رضا علیه السلام به نکاتی توجه داشته است، در هنگام خروج نیز باید آدابی را رعایت نماید؛ به گونه ای که از کنار ضریح به ضریح پشت نکند، چرا که این عمل نوعی بی حرمتی محسوب می شود، بلکه زائر حرم امام رضا علیه السلام با حرکت کردن از پشت سر به سمت عقب باز گردد تا جایی که قبر مطهر از نظر مخفی گردد. «تعجیل الخروج عند قضا الوتر من الزیارة؛ لتعظیم الحرمه ویشد الشوق، وروی ان الخارج یمشی القهقری حتی یتواری.» (۳)

پس لازم است زائر تمامی معیارها و ضوابط ورود، حضور و خروج را با ملاک تعریف و تعیین کند تا ضمن حفظ آداب آن مکان هم به حرمت مزور عمل نماید و هم سبب زیاد شدن شوق و عشق به مزور گردد و از خداوند بخواهد این زیارت را آخرین زیارت وی قرار ندهد.

۱- . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۶۹.

۲- . تحریم/۸.

۳- . مکی عاملی، الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۲۴.

### ۳. پس از زیارت

همان گونه که زائر حرم رضوی، در زمان ورود به حرم مطهر و حتی در آستانه سفر، باید اصول فرهنگی و رفتاری و نیز تربیتی را رعایت نماید؛ پس از خروج از حال زیارت نیز باید از نظر روحی و رفتاری و عملی بسیار متفاوت تر از قبل شده باشد و بهتر از گذشته زندگی کند؛ به این معنا که زائر حرم امام رضا علیه السلام تنها حفظ حالات و شرایط معنوی و روحی خویش را منحصر به چند ساعت زیارت و داخل حرم بودن ننماید، بلکه همواره خواهش های نفسانی خویش را تعدیل نماید و عادات مذموم و رفتارهای ناصواب و زشت گذشته را که در داخل حرم، توبه نموده و با امام و خدای خویش در جهت ترک آنها میثاق بسته است فراموش کند و بر عهد و پیمان خویش استوار باشد: «ان یکون الزائر بعد الزیارة خیرا منه قبلها، فانه تحط الازوار اذا صادفت القبول؛ زائر پس از زیارت باید متفاوت باشد؛ زیرا زیارت مقبول مایه ریزش گناهان خواهد بود.» (۱)

### نتیجه گیری

با توجه به مواردی که در پژوهش حاضر، پیرامون فرهنگ و ادب زیارت امام رضا علیه السلام گفته شد، ملاحظه میگردد که:

۱. انسان ها در امور اجتماعی و عرفی خود از اندیشه و تجربیات بشری استفاده می کنند و این امری درست و صحیح است، لیکن تسری امور بشری به امور الهی ناصواب است. امور الهی تنها با ساز و کارهای خود تعریف می شود و انسان تنها با حدود وضع شده از ناحیه خداوند می تواند آنها را انجام دهد، همانطور که در امور عبادی، ملاکها و راهکارها از ناحیه کتاب و

سنت ارائه شده و انسان مجاز نیست خود سرانه عبادتی را خلق و ابتکار کند که چه بسا بدعت و تحریف را در پی داشته باشد و این نه تنها مثبتی به بار نمی‌نشانند، بلکه عقوبتی را نیز به همراه دارد.

۲. پس زیارت و از آن جمله زیارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام نیز همانند سایر عبادات مکتب و آیینی دارد که تنها با رعایت حدود، اخلاق، فرهنگ، آداب و موازین آن، راه بهره‌وری بیشتر و کاملتر از آن می‌شود، انسان از بدعتها، تحریفها، خرافه‌ها و... در امان می‌ماند.

۳. باید توجه داشت که همه شئون زیارت، فرهنگ، ادب و اعمال انسانی در زیارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام باید صبغه و ملاک دینی داشته باشد و تنها دستورات و توصیه‌های دینی در بایدها و نبایدهای آن تعیین کننده باشد؛ نه افکار و اوهام خرافی و عوام‌گرایانه.

۴. زیارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام فرهنگ، ادب و شئون آن به مثابه عبادت، از فرهنگی ویژه و مکتبی خاص حکایت می‌کند؛ به گونه‌ای که همه زیارات، دعاها، اوراد و اذکار و حتی حرکات و مکان دعا و سلام دادن باید سنجیده و برمبنای موازین فرهنگ دینی باشد و هرگز شایسته نیست که حرکتی بر خلاف معیارها و ملاک‌های برخاسته از متن توصیه‌ها و آداب مأثوره در خصوص زیارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام انجام شود.

۵. خلاصه اینکه اولیاء و اهل سعادت که در دنیا مایه برکت و خیرات بودند و مردم با زیارت و ملاقات حضوری در زمان حیاتشان، بهره‌ها و برکات فراوانی از آنان می‌بردند، قطعاً با مرگ این برکات قطع نمی‌شود؛ از این رو عقل حکم می‌کند که انسان با رویکرد زیارتی ضمن رعایت همه اصول فرهنگی و آداب مناسب و در شان آنان از برکات و خیرات موجود استفاده کند و بکوشد از آن محروم نماند.

## پیشنهادات و راهکارها

### اشاره

با تمام اهمیت و توصیه ها و تاکیدات بزرگان دین و نیز تاثیرات مثبت روحی و روانی که مساله زیارت برای انسان، به جا می گذارد امّا با این حال، مشاهده می شود که گاه در زیارت ائمه اطهار و از آن جمله امام رضا علیه السلام برخی از مسائل اخلاقی و تربیتی که باید مورد توجه و دقت باشد، توسط زائرین به کم توجهی، غفلت یا فراموشی سپرده می شود و قطعاً چنین رفتاری در ثمرات نهایی بهره ای که قرار است نصیب وی شود، مؤثر است و آن ثواب بطور حقیقی برای زائر نائل نمی شود. بنابراین شایسته است زائر حرم مطهر رضوی به رعایت اصول فرهنگی و آدابی که در شأن این امام بزرگ است اهمیت داده و آن را ملاک و مبنای واقعی در زیارت خویش قرار داده و با رعایت این مسائل در حقیقت در گسترش فرهنگ توحیدی و فرهنگ ولایت اهل بیت عصمت و طهارت بکوشد.

با توجه به این مسائل پیشنهادات و راهکارهایی توصیه می شود ابتدا خطاب به مسئولین فرهنگی کشور و سپس به زائرین که عبارتند از:

### پیشنهاداتی به مسئولین فرهنگی

۱. توزیع نوشته هایی متقن و مستند پیرامون فرهنگ و آداب صحیح زیارت رضوی بین زائران.
۲. تهیه فیلم هایی کوتاه با مضامین فرهنگی زیارت در جهت آشنا سازی مردم در راستای توجه به آداب اصیل زیارت امام رضا علیه السلام .
۳. حمایت از نویسندگان، فیلم سازان و کسانی که می توانند در جهت فرهنگ سازی اینگونه مسائل و آداب خدمت نمایند.
۴. تبیین آسیب شناسی فرهنگ زیارت توسط کارشناسان این امر، جهت مبارزه با خرافات.



## پیشنهاداتی به زائرین

زائر حرم رضوی نیز باید مسائلی را در زیارت خویش مدنظر قرار دهد:

۱. وی نخست باید بداند که به زیارت چه کسی آمده است و از زیارت خود چه هدفی را دنبال می کند.
۲. زیارت وی با معرفت و شناخت باشد؛ چراکه زیارت واقعیتهایی اصیل است و هرگز یک پندار خیالی و تهی از واقعیت نیست. بنابراین زائر حرم رضوی با نگاه هستی شناسانه به معنا و حقیقت زیارت بنگرد و اگر این زیارت با معرفت و جدیت در راه تحقق اخلاق و آداب آن صورت پذیرد، قطعاً جلوه کاملتری از این عمل عبادی برای وی عرضه می شود و حتماً تأثیرات چشمگیر و گسترده ای نیز خواهد داشت.
۳. زائر باید باور داشته باشد که زیارت یک ارتباط زنده و مؤثری است که بین دو طرف ایجاد می شود؛ پس در این حالت نهایت تربیت خود را به کارگیرد و تنها به فکر بر آورده شدن تقاضاهای مادی خویش نباشد؛ هرچند انسان می تواند به این بزرگواران توسل جسته و بواسطه بزرگی آنان از خداوند درخواستهای مادی نیز داشته باشد، اما در این مسأله افراط ننماید و زیارت خود را تبدیل به آفت ننماید.
۴. ادب اقتضا می کند که زائر حرم رضوی، از امور وهم انگیز و خرافی و آغشته به بدعت در اخلاق و آداب زیارت خویش پرهیزد.
۵. همچنین اجتناب از ضایع نمودن حق الناس، خودنمایی، تظاهر و ریاکاری، تکبر و غرور به خاطر توفیق زیارت.
۶. پس از زیارت نیز در ارتباط ها و تصمیم گیریها آن را به کار بندد و در زنده نمودن خصایل و فضایل والای انسانی امام رضا علیه السلام کوشا باشیم.

۱. آشوری، داریوش، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، چاپ اول، مرکز اسناد فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲. نوری، حسن، فرهنگ روز سخن، چاپ دوم، سخن، تهران، ۱۳۸۱ش.
۳. امین، حسن، دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه، چاپ ششم، دارالتعارف، بی جا، ۱۴۲۲ق.
۴. مبارکفوری، عبدالرحمن بن عبدالرحیم، تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بی جا، ۱۳۸۲ق.
۵. المناوی، محمد عبدالرؤوف، فیض القدیر شرح الجامع الصغیر من احادیث البشیر النذیر، چاپ دوم، دارالکتب العلمیه، بی جا، بی تا.
۶. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، چاپ سوم، دارالکتب العربیه، بی جا، ۱۴۰۳ق.
۷. پهلوانی، هاجر، بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد، چاپ اول، خبرگزاری فارس، تهران، ۱۳۷۹ش.
۸. حسن بن یوسف حلّی (علامه حلّی)، تذکره الفقهاء، چاپ اول، آل بیت، قم، بی تا.
۹. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، چاپ دوم، مؤلف، تهران، ۱۳۷۶ش.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعیه، چاپ دوم، موسسه آل بیت، بی جا، ۱۴۱۴ق.
۱۱. رازی، فریده، فرهنگ واژه های فارسی سره، چاپ چهارم، مرکز، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات لالفاظ القرآن الکریم، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، طلیعه نور، بی جا، ۱۴۲۶ق.
۱۳. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، چاپ دوم، عطار، تهران، ۱۳۶۸ش.
۱۴. ریویز، کلود، درآمدی بر مبانی انسان شناسی، ترجمه: ناصر فکوهی، چاپ اول، نی، تهران، ۱۳۷۹ش.
۱۵. سبحانی، جعفر، الزیاره فی الکتاب و السنه، چاپ دوم، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۶. \_\_\_\_\_، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، چاپ اول، توحید، قم، ۱۳۷۳ش.
۱۷. شریف کمالی، محمد اصغر، انسان شناسی عمومی، چاپ اول، سمت، تهران، ۱۳۸۰ش.

۱۸. صدر، احمد، دایره المعارف تشیع، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹ ش.

۱۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی، چاپ دوم، بنیاد بعثت، قم، ۱۴۱۴ ق.

۲۰. طبرسی، احمد بن علی بن ابیطالب، الاحتجاج، تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری، چاپ اول، اسوه، قم، ۱۴۱۳ ق.

۲۱. قرآن کریم، ترجمه و توضیح: سید جلال الدین مجتوبی، چاپ دوم، حکمت،

۲۲. قرطبی، ابو عبدالله، تفسیر جامع (تفسیر قرطبی)، چاپ دوم، دار الاحیاء التراث العربی، بی جا، ۱۴۲۲ق.

۲۳. قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر بن محمد، کامل الزیارات، چاپ اول، مرتضوی، بی جا، ۱۳۵۶ق.

۲۴. قمی، محمد بن علی بن حسین ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۲ق.

۲۵. قمی، عباس، هدایه الزائرین و بهجه الناظرین، چاپ دوم، علمی، تبریز، ۱۳۴۳ق.

۲۶. \_\_\_\_\_، مفاتیح الجنان، چاپ دوم، افق فردا، قم، ۱۳۸۱ش.

۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ق.

۲۸. معلوف، لوئیس، فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی به فارسی)، ترجمه: احمد سیاح، چاپ پنجم، اسلام، تهران، ۱۳۸۴ش.

۲۹. \_\_\_\_\_، المنجد فی اللغه، چاپ سوم، اسلام، تهران، ۱۳۸۳ش.

۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، دارالاحیاء التراث العربی، قم، ۱۴۰۴ق.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.

۳۲. مکی العاملی، شمس الدین محمد، الدروس الشرعیه، چاپ دوم، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۴ق.

۳۳. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ بیست و چهارم، دفتر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ش.

۳۴. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، چاپ دوم، دارالفکر، بی جا، بی نا، بی تا.



## زیارت حضرت رضا علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

### اشاره

محمد محسن طبسی (۱)

### چکیده

نوشتار حاضر در سه فصل و سخن پایانی سامان یافته است؛ در فصل اول با عنوان فضیلت زیارت قبر امام رضا علیه السلام از زبان معصومان در منابع اهل سنت اشاره شده است که بالغ بر ۱۱ روایت است.

فصل دوم با نام زیارت اهل سنت به بیان مواضع عملی اهل سنت از قرن چهارم تا حال حاضر اشاره شده است در این فصل تبرک جستن، توسلات، شفا گرفتن و به زیارت رفتن قبر امام رضا علیه السلام توسط بزرگان و مردم اهل سنت بیان شده است.

فصل سوم با عنوان آستان حضرت به بیان گزارشهای تاریخی درباره قدمت گنبد و بارگاه قبر مطهر امام رضا اشاره شده است. در این فصل ثابت شده است تاریخچه گنبد و بارگاه امام رضا علیه السلام از قرن سوم - چهارم هجری بوده است.

در سخن پایانی نیز با جمع بندی از سه فصل یاد شده، به رد تفکرات وهابیت مبنی بر حرمت زیارت، حرمت توسل به اموات، حرمت تبرک و گریستن برای مردگان پرداخته شده است.

گفتنی است تمامی مطالب این مقاله با استفاده از منابع معتبر اهل سنت و بدون واسطه انجام گرفته است.

## سخن آغازین

امام رضا علیه السلام، هشتمین امام شیعیان است که آستان مقدس آن حضرت از سده سوم هجری قمری تاکنون مورد توجه خاص و عام امت اسلامی به ویژه اهل سنت قرار گرفته و تمامی مسلمین از نقاط دور و نزدیک به زیارت آن حضرت می شتابند و با زیارت مرقد مطهر آن حضرت، شفای مریضان و رفع گرفتاری ها را طلب می کنند و با این کار، بر سنت بودن زیارت تأکید کرده و خط بطلانی بر توهمات بی اساس برخی سلفیان و وهابیت کشیده اند.

با ظهور تفکرات و فتاوی ابن تیمیه و گسترش آن توسط محمد بن عبدالوهاب، اتحاد مسلمین به مخاطره افتاد و این گروه، با تکفیر و مهدور الدم دانستن قاطبه مسلمین، سعی در ایجاد شکاف و رخنه بین مسلمین داشتند. آنان مسلمانانی که به زیارت قبور انبیا و صالحین می روند را قبریون و حجریون می نامند و آنان را تکفیر می کنند! در حالی که زیارت، توسل، استغاثه و طلب رفع حوائج و تبرک به قبور انبیا و صالحین، از باورهای راستین و سنت های دیرین امت اسلامی است که ریشه در آیات قرآنی و روایات صحیح نبوی دارد، قول و منش صحابه و تابعین و سیره دیگر مسلمانان گواهی بر این واقعیت است.

پژوهش حاضر مجموعه ای کوتاه اما گویا از گزارش های تاریخی درباره علمای اهل سنت و پیروان آنها و توسلات و طلب رفع حوائج از امام رضا علیه السلام بر اساس منابع معتبر اهل سنت است که در سه فصل «فضیلت زیارت»، «زیارت اهل سنت» و «آستان امام رضا علیه السلام» سامان یافته است.

## فضیلت زیارت

## اشاره

زیارت مرقد شریف امام رضا علیه السلام و انعکاس آن در روایات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیه السلام و ذکر آن در کتب اهل سنت، حاکی از اهمیت و جایگاه ویژه آن امام بوده و سنت بودن زیارت مرقد پاک وی را به وضوح نمودار ساخته است.

در این فصل، یازده روایت در فضیلت زیارت قبر امام رضا علیه السلام از زبان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، و امام هادی علیهم السلام در منابع معتبر اهل سنت وارد شده است که به آن اشاره می شود:

## ۱. در نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

الف) حاکم نیشابوری شافعی به سند خود از امام رضا علیه السلام چنین روایت کرده است:

عن علیّ الرضا علیه السلام عن آبائه عن النبی صلی الله علیه و آله أنّه قال: «سَيُتَدَفَّنُ بَعْضُهُ مِنِّي بِخِرَاسَانَ، مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرْبَتَهُ، وَ لَا مُدْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ ذَنْبَهُ: (۱) از امام رضا علیه السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پاره ای از تن من در خراسان مدفون خواهد گشت، هر گرفتاری وی را زیارت کند خداوند گرفتاری اش را برطرف می کند و هر گنه کاری او را زیارت کند خدای متعال گناهانش را می آمرزد.»

ب) حاکم نیشابوری از امام صادق علیه السلام نیز به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید:

«سَيُتَدَفَّنُ بَعْضُهُ مِنِّي بِخِرَاسَانَ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَحَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ: (۲) پاره ای از تن من در خراسان مدفون خواهد گشت هر

۱- . جوینی شافعی، فرائد السبطين، ج ۲، ص ۱۹۰، ح ۴۶۷ به نقل از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری، قندوزی حنفی، ینایع الموده، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲- . همان، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۴۶۴ به نقل از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری.



مؤمنی به زیارت او برود خداوند بهشت را بر او واجب خواهد ساخت و بدن او را بر آتش جهنم حرام خواهد گرداند.»

(ج) از عایشه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من زار ولدی بطوس فإنما حَجَّ مره، قالت: مره؟! فقال: مرتین. قالت: مرتین؟! فقال: ثلاث مرات. فسكَّتْ عائشه، فقال: ولو لم تسکتی لَبَلَّغْتُ إلی سبعین: (۱) کسی که فرزندم را در طوس زیارت کند گویی یک حج به جا آورده است. عایشه پرسید: یک حج؟! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دو حج. عایشه پرسید: دو حج؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه حج. عایشه ساکت شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر سکوت نمی کردی تا هفتاد حج برمی شمردم.»

با عنایت به نکته ای که در این روایت وجود دارد شاید بتوان گفت: شخصیت امام رضا علیه السلام و منطقه طوس به قدری برای عایشه مشخص بوده که از پیامبر صلی الله علیه و آله «ولدی» و یا «طوس» را نپرسیده، بلکه تنها از ثواب و پاداش زیارت شگفت زده شده است. (۲)

## ۲. در نگاه امام کاظم علیه السلام

حاکم نیشابوری به نقل از موسی بن جعفر علیه السلام می گوید:

«من زار قبر ولدی علیّ کان له عند الله سبعین حجّه... من زاره أو بات عنده لیله کان کمن زار أهل السماوات [و] إذا کان یوم القیامه وجد معنا زوّار أئمتنا أهل البیت و أعلاهم درجه و أقربهم حیوة زوّار ولدی علیّ: (۳) هر کس آرامگاه فرزندم را زیارت کند ثواب هفتاد حج را نزد خدا خواهد داشت... هر کس او را زیارت کند یا شب دربار گاهش بماند گویی همه آسمانیان را زیارت

۱- قندوزی حنفی، ینایع المودّه، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲- ممکن است از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده باشد، ولی ادامه روایت، حذف شده و یا راوی ذکر نکرده است.

۳- جوینی شافعی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۹۴، ح ۴۷۱ به نقل از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری.

کرده است و چون روز قیامت شود، زایران را با امامان ما اهل بیت خواهد یافت و زایران فرزندان علی، درجه شان بالاتر است.»

### ۳. در نگاه امام رضا علیه السلام

الف) جُوینی شافعی با سلسله سند خود، از فضال روایت کرده که گفت:

«سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرضا عليه السلام، وجائه رجلٌ فقال له: يا بن رسول الله! رأيتُ رسول الله في المنام كان يقول لي: كيف أنتم إذا دُفِنَ في أرضكم بضعتي واستحفظتم وديعتي وغُيِبَ في ثراكم لحمي؟ فقال له الرضا عليه السلام: أنا المدفون في أرضكم وأنا بضعه نبيكم وأنا الوديعه واللحم، من زارني وهو يعرف ما أوجب الله من حقي وطاعتي، أنا وآبائي شفعاؤه يوم القيامة ومن كُنّا شفعاؤه نجا، ولو عليه مثل وزر الثقلين الجن والإنس (۱) از علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم شخصی نزد وی آمد و به امام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به من می فرمود: چگونه خواهید بود زمانی که پاره تن من در سرزمین شما مدفون و امانتم را محافظت کنید و گوشت بدنم در سرزمین شما پنهان شود؟ امام رضا علیه السلام در پاسخ فرمود: من آن شخصی هستم که در سرزمین شما دفن خواهد شد، من پاره تن رسول خدا هستم. امانتی که هر شخصی اگر با معرفت به حقم و اطاعت از من، زیارتم کند من و پدرانم شفیعان او در روز قیامت خواهیم بود و کسی که ما شفیعان او باشیم نجات خواهد یافت، هر چند گناهان وی به اندازه گناهان جن و انس باشد.

ب) حاکم نیشابوری شافعی به سند خود می گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «من زارني على بُعد داري أتيتُه يوم القيامة في ثلاثة مواطن حتى أخلصه من أهوالها:

۱- . همان، ص ۱۹۱، ح ۴۶۸؛ خواند امیر شافعی، تاریخ حبیب السیر فی أخبار افراد بشر، ج ۲، ص ۸۶؛ خنجی اصفهانی حنفی، وسیله الخادم إلى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم علیهم السلام، ص ۲۲۳.

إذا تطايرت الكتب يمينا و شمالاً، وعند الصراط وعند الميزان: (۱) کسی که به زیارت من بیاید من نیز روز قیامت در سه جایگاه به فریاد او خواهم رسید: زمانی که نامه های اعمال را به دست راست و چپ می دهند و هنگام عبور از پل صراط و هنگامی که اعمال را در کفه ترازو قرار می دهند.»

#### ۴. در نگاه امام جواد علیه السلام

حاکم نیشابوری شافعی به سند خود از امام جواد علیه السلام روایت کرده که می ف-رم-ود: «من زار قبر أبي غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر و إذا كان يوم القيامة ينصب له منبرا بحذاء منبر رسول الله حتى يفرغ الله من حساب عباده: (۲) هر کس قبر پدرم را زیارت کند خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد و چون روز قیامت شود برای او جایگاهی در مقابل جایگاه رسول خدا قرار می دهند تا وقتی که خداوند به حساب همه بندگانش رسیدگی کند.»

#### ۵. در نگاه امام هادی علیه السلام

نیز حاکم به سند خود از صفّر بن ذلف از امام هادی علیه السلام روایت نموده که فرمود: «من كانت له إلى الله حاجة فليزر قبر جدّي الرضا بطوس، وهو على غسل وليصل عند رأسه ركعتين و يسأل الله تعالى حاجته في قنوته، فإنه يستجاب له ما لم يسأله في مأثم أو قطيعه رحم. وإن موضع قبره لبقعه من بقاع الجنة، لا يزورها مؤمن إلا أعتقه الله من النار وأدخله دار القرار: (۳) هر کس حاجتی دارد با غسل، به زیارت قبر جدّم امام رضا علیه السلام برود و بالای سر حضرت دورکعت نماز بخواند و حاجتش را در قنوت نماز از خدا بخواهد که حاجت او برآورده خواهد شد البته به شرطی که حاجت او، گناه یا قطع

۱- . همان، ص ۱۹۵، ح ۴۷۲.

۲- . جوینی شافعی، فرائد السمطين، ص ۱۹۵، ح ۴۷۳، به نقل از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری.

۳- . همان، ص ۱۹۳، ح ۴۷۰.

رحم نباشد. مکانی که امام رضا علیه السلام در آن دفن شده قطعه ای از بهشت است، هر مؤمنی آن حضرت را زیارت کند خداوند او را از آتش جهنم نجات می دهد و داخل بهشت می گرداند.

## زیارت اهل سنت

### اشاره

امام رضا علیه السلام در دوران حیات پر برکت خویش فضایل و کرامات بسیاری داشته که یکی از نقاط اوج آن ورود تاریخی آن حضرت به نیشابور و تبرک جستن علمای اهل سنت آن منطقه به خاک پای مَرکَب امام عزیز است. (۱) این کرامات و برکات به دوران حیات آن حضرت محدود نمی شود و پس از شهادت وی نیز به تصریح علمای اهل سنت، قبر شریفش از همان قرن سوم - چهارم هجری تاکنون محل زیارت و توسل علمای اهل سنت و سایر مردم و شفا گرفتن از آن بقعه شریفه بوده و هست.

این گزارشها حاکی از این مسأله است که زیارت قبور اهل بیت علیه السلام یک سنت مؤکد نبوی علیه السلام است و خط بطلانی بر توهمات بی اساس وهابیت است.

### ۱. قرن چهارم

۱. ابوبکر بن خزیمه شافعی (۳۱۱ ق.) (۲) و ابوعلی ثقفی شافعی (۳۲۸ ق.) (۳)

حاکم نیشابوری شافعی می گوید: «حاکم گوید از محمد بن مومل شنیدم می گفت: روزی با پیشوای اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه و ابوعلی

۱- . برای آگاهی بیشتر از جریان ورود امام رضا علیه السلام به نیشابور و مواضع علما و مردم اهل سنت نک: محمد محسن طبسی، حدیث سلسله الذهب از دیدگاه اهل سنت، انتشارات دلیل ما.

۲- . ابن خزیمه نزد اهل سنت از جایگاه ویژه ای برخوردار است به گونه ای که از وی به «شیخ الإسلام، إمام الائمه، حافظ، حجه، فقیه، بی نظیر، زنده کننده سنت رسول خدا» تعبیر کرده اند و در دانش، حدیث، فقه و اتقان، ضرب المثل است ذہبی شافعی سیر أعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۳۶۵ - ۳۷۷.

۳- . در مورد وی، تعبیری چون «امام، محدث، فقیه، علامه، شیخ خراسان، مدرّس فقه شافعی، امام در علوم شرعی، حجت خدا بر خلق» به کار برده اند. همان، ص ۲۸۰-۲۸۲.

ثقفی و دیگر مشایخ خود به زیارت مرقد علی بن موسی الرضا به طوس رفتیم آنها بسیار به زیارت قبر علی بن موسی الرضا می رفتند. محمد بن مؤمل گوید: احترام و بزرگ داشت و تواضع و گریه و زاری ابن خزیمه در کنار مرقد مطهر علی بن موسی، همگی ما را شگفت زده کرد.» (۱)

نکته جالب ادامه سخن راوی است که متأسفانه برخی گزارش نکرده اند. راوی می گوید: «این همه تواضع و احترامات ویژه ابن خزیمه به قبر امام رضا علیه السلام در حضور بزرگان خاندان سلطان و خاندان شاذان و خاندان شنقشین و گروهی از علویان نیشابور و هرات و طوس و سرخس انجام گرفت و همه آنها شمایل و حرکات ابن خزیمه را به هنگام زیارت قبر امام رضا علیه السلام مشاهده و ثبت و ضبط کردند و از برخورد وی با امام و قبر شریف آن حضرت، بسیار خوشحال شدند و به خاطر چنین برخوردی که از امام العلماء سرزده بود، از خوشحالی صدقه دادند و همگی اظهار داشتند: اگر این کار (زیارت قبور و گریه و زاری کنار قبور و تواضع و احترام به صاحب قبر) سنت نبود و فضیلت نداشت، هیچ گاه ابن خزیمه چنین نمی کرد.» (۲)

۲. ابن حبان بُستی شافعی (۳۵۴ ق.) (۳)

وی می گوید «علی بن موسی الرضا علیه السلام از بزرگان اهل بیت و از عقلا و نخبگان بنی هاشم به شمار می رود. اگر از وی روایتی نقل شود واجب است

۱- . جوینی شافعی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۴۷۷ و ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹ هر دو به نقل از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری شافعی.

۲- . جوینی شافعی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۴۷۷ به نقل از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری.

۳- . ابن حبان شافعی نزد اهل سنت از جایگاه خاصی برخوردار است به گونه ای که از وی به امام، علامه، حافظ، شیخ خراسان، یکی از استوانه های علم در فقه و لغت و حدیث، و از عقلا و رجال تعبیر کرده اند؛ سمعانی شافعی، الأنساب، ج ۲، ص ۲۰۹؛ ذهبی شافعی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۹۲؛ صفدی شافعی، الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۳۱۷؛ سُبکی شافعی، الطبقات الشافعیه الکبری، ج ۳، ص ۱۳۱ و ابن تغری حنفی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر والقاهره، ج ۳، ص ۳۴۲.

حدیثش معتبر شناخته شود... من بارها مرقد وی را زیارت کرده ام. زمانی که در طوس بودم هر مشکلی برایم رخ می داد قبر علی بن موسی الرضا را که درود خدا بر جسدش و او باد، زیارت و برای برطرف شدن مشکلم دعا می کردم و دعایم مستجاب و مشکلم حل می شد. این کار را بارها تجربه کردم و پاسخ می گرفتم. خداوند ما را بر دوستی و محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیتش بمیراند.» (۱)

۳. محمد بن علی بن سهل شافعی (۴۰۵ ق.).

وی گوید: «از ابوالحسن محمد بن علی بن سهل فقیه شنیدم: هیچ امر مهم دینی و دنیایی برای من روی نداد که به بارگاه امام رضا علیه السلام برای آن حاجت رفتم و نزد قبرش خدا را خواندم، جز آن که آن حاجت روا شد و خداوند مرا از آن غم رهانید... و این عادت شده که به آن در تمام اموری که بدان ها دچار می شوم بروم چرا که آن نردم آزموده شده است.» (۲)

## ۲. قرن پنجم

۴. حاکم نیشابوری شافعی (۴۰۵ ق.). (۳)

خداوند مرا از کرامات تربتش بهترین کرامت را شناساند، از جمله آنکه من دچار بیماری خشکی مفاصل بودم و جز با مشقت نمی توانستم حرکت کنم. بنابراین بیرون آمدم و زیارتش کردم و با دو کفش کرباسی به نوقان بازگشتم صبح که در نوقان بودم تمام آن درد رفت و تندرست به نیشابور بازگشتم. (۴)

۱- ابن حبان بُستی شافعی، کتاب الثقات، ج ۸، ص ۴۵۷.

۲- جوینی شافعی، فرائد السمطین، ص ۲۲۰، ح ۴۹۶ به نقل از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری.

۳- ذهبی شافعی، درباره وی گوید: «الامام، الحافظ، الناقد، العلامه، شیخ المحدثین... کان من بحور العلم» سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۱۶۳ سُبکی شافعی گوید: «کان اماماً جلیلاً و حافظاً حفیلاً، اتَّفَقَ علی امامته و جلالته و عظیم قَدْره» الطبقات الشافعیه الکبری، ج ۴، ص ۱۵۶ شماره ۳۲۸.

۴- جوینی شافعی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۲۲۰، ح ۴۹۶ به نقل از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری.

حاکم نیشابوری شافعی افزون بر سخنان مذکور، شاهد اعترافات بزرگان اهل سنت درباره شفا یافتن از بقعه مبارکه امام رضا علیه السلام بوده است و آنها را گزارش نموده که اشاره می شود:

۵. زایری مصری به نام حمزه

حاکم نیشابوری شافعی به سند خود آورده است: «در مرو رود بودم که با مسافری مصری به نام حمزه ملاقات کردم و او گفت که از مصر به قصد زیارت بارگاه امام رضا علیه السلام به طوس آمده است و گفت: چون به این بارگاه داخل شدم نزدیک غروب آفتاب بود پس امام را زیارت کردم و نماز گزاردم و در آن روز زایری غیر از من نبود. چون نماز عشا را خواندم خادم قبر خواست که او را بیرون کند یا در را بر روی او ببندد از او خواست که در را بر رویش ببندد و او را در مسجد رها کند تا در آن نماز بگذارد، چون او از سرزمینی دور آمده است، و او را از آن جا بیرون نکنند، زیرا او احتیاجی به بیرون رفتن ندارد. پس خادم رهایش کرد و در را بر روی او بست. او در آن جا به تنهایی نماز می گزارد تا این که خسته شد و سرش را بر زانوانش می گذارد تا اندکی بیاساید چون سرش را بلند می کند در دیوار روبه روی خویش پارچه ای می بیند که بر آن این دو بیت به این مضمون نوشته شده بود: کسی که خوشحال می شود با زیارت قبری خداوند گرفتاری هایش را برطرف کند پس نزد صاحب این قبر بیاید که در آن فرزندی از فرزندان برگزیده رسول خدا در آن مدفون است. گفت: برخاستم و تا وقت سحر شروع به نماز خواندن کردم سپس مانند بار اول نشستم و سرم را روی زانوانم گذاشتم پس چون سرم را برداشتم چیزی روی دیوار ندیدم. آن چیزی را که دیده بود نوشته ای مرکب خشک نشده بود گویی که همین الان

نوشته شده بود. گفت: سپس صبح دمید و در باز شد و از آن جا بیرون آمد.» (۱)

۶. محمد بن قاسم شافعی

جوینی شافعی به سند خود، از محمد بن قاسم نیشابوری نقل می کند: «محمد بن قاسم گوید: من از کسانی بودم که زیارت قبر امام رضا علیه السلام را قبول نداشتم و مردم را از زیارت قبر امام رضا علیه السلام باز می داشتم. شبی در خواب دیدم که در مشهد حضور دارم و پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار قبر امام رضا علیه السلام مشغول نماز است ناگهان صدایی شنیدم که می گفت: هر کس دوست دارد قبری را ببیند که اگر آن را زیارت کند خداوند ناراحتی او را از بین می برد، به زیارت این قبر (قبر امام رضا علیه السلام) بیاید که خداوند در این قبر سلاله و ذریه ای از پیامبر را قرار داده است...»

محمد بن قاسم گوید: وقتی از خواب بیدار شدم غرق در عرق بودم، بی درنگ غلامم را صدا زدم تا مرکبم را آماده کند، سوار مرکب شدم و رهسپار زیارت قبر امام رضا علیه السلام شدم و از آن پس سالی دو بار به زیارت قبر امام رضا علیه السلام مشرف می شوم.»

۷. ابونضر مؤذن نیشابوری شافعی

جوینی شافعی به نقل از ابونضر مؤذن نیشابوری می گوید: «به بیماری سختی مبتلا گشتم، در آن بیماری زبانم بند آمد و قادر بر سخن گفتن نبودم، به ذهنم خطور کرد به زیارت قبر امام رضا علیه السلام بروم و در کنار قبر شریف آن حضرت دعا کنم و او را واسطه قرار دهم و از خدا بخواهم مرا از این بیماری نجات دهد، به قصد زیارت قبر آن حضرت از نیشابور خارج شدم و قبر آن حضرت را زیارت کردم و در سمت بالای سر آن حضرت مشغول خواندن نماز شدم و او را شفیع قرار دادم و از خدا خواستم به احترام



و منزلت و مقام آن امام مشکل زبانم را برطرف سازد، در سجده نماز خوابم برد در خواب دیدم ناگهان ماه شکافته شد و مردی از آن خارج شد و به نزدیک من آمد و صدا زد: ای ابونضر! بگو: «لا إله إلا الله» من با دست اشاره کردم که قادر بر سخن گفتن نیستم و زبانم بند آمده است، آن مرد بر سرم فریاد زد و فرمود: مگر به قدرت خدا ایمان نداری؟ بگو: «لا إله إلا الله» من که تا آن هنگام لال بودم یک باره زبانم باز شد و گفتم: «لا إله إلا الله»، من نیز به شکرانه این نعمت الهی، از مشهد پیاده بازگشتم و در طول مسیر همواره ذکر «لا إله إلا الله» را بر زبان داشتم و بعد از آن زبانم بند نیامد.» (۱)

#### ۸. زید فارسی

حاکم به سند خود از زید فارسی روایت کرده و می گوید: «من در مرو رود دو سال دچار نفرس بودم که نمی توانستم بایستم و نه ایستاده نماز بخوانم. پس در خواب به من نمایاندند که آیا به قبر [امام] رضا نمی روی و پاهایت را به ضریحش نمی مالی و بر سر قبر او از خدا نمی خواهی که بیماری ات از بین برود؟ گفت: پس چارپایی کرایه کردم و به طوس آمدم و پاهایم را به قبر مالیدم و از خداوند خواستم پس آن نفرس و درد از بین رفت و من دو سال در این جا هستم تا به حال دچار نفرس نشدم.» (۲)

#### ۹. حَمَوِيَه بن علی

حاکم به سند خود، از حمویه بن آورده است: «من با حمویه در بلخ بودم پس روزی که ما در بازار بلخ بودیم حمویه مردی را دید دستور داد او را بگیرند و گفت: او را به منزل ببرید بعد به هنگام برگشتن به منزل دستور داد الاغی خوب و قیراق و سفره غذا و پنیر و دویست درهم آوردند. پس چون حاضر شد گفت: آن مرد را بیاورید. او را آوردند چون در مقابلش

۱- . همان، ص ۲۱۷، ح ۴۹۱.

۲- . همان، ص ۲۱۹، ح ۴۹۴.

ایستاد گفت: تو یک سیلی به من زدی و امروز من آن را تلافی می کنم. یاد می آورم روزی را که با هم قبر رضا علیه السلام را زیارت کردیم تو از خدا خواستی و گفתי: خدایا! الاغی و دویت درهم و سفره ای با پنیر و نان به من مرحمت فرما و من گفتم: خدایا! حکومت خراسان را به من بده. پس تو سیلی به من زدی و گفתי: آن چه را نمی شود نپرس. الآن خدا مرا به خواسته ام رساند و تو را به خواسته ات و سیلی، حق من است بر تو.» (۱)

۱۰. ابوحسین بن ابی بکر شافعی

حاکم به نقل از ابوحسین بن ابی بکر شافعی گوید: «از ابوالحسین بن ابوبکر فقیه شنیدم که می گفت: خداوند هر دعایی که در مرقد امام رضا علیه السلام کردم اجابت کرد حتی از خدا خواستم فرزندی به من عنایت کند که بعد از ناامیدی فرزندی روزی کرد.» (۲)

### ۳. قرن هشتم

۱. ذهبی شافعی (۷۴۸ ق.)

وی با وجود برخورداری از افکار سلفی درباره زیارت زائران این بقعه شریفه می گوید: «ولعلی بن موسی مشهد بطوس یقصدونه بالزیاره: (۳) برای علی بن موسی علیه السلام بارگاهی در طوس است که مردمان به زیارت او می آیند.»

۲. صفدی شافعی (۷۶۴ ق.)

وی نیز در گزارشی کوتاه اُمّیا گویا چنین می گوید: «...وُدُفن بطوس وقبره مقصودٌ بالزیاره؛... و در طوس دفن شده و قبرش زیارتگاه است.» (۴)

۱- همان، ح ۴۹۵.

۲- همان، ج ۲، ص ۲۲۰، ح ۴۹۸.

۳- ذهبی شافعی، سیر أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۹۳.

۴- صفدی شافعی، الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۲۴۹.

## ۴. قرن نهم

عطاء الله بن فضل الله شیرازی (۸۰۳ ق.)

وی مشهد امام رضا علیه السلام را مرجع همه زایران از تمام طبقات و اقشار دانسته، می گوید: «علی [بن موسی] الرضا علیه السلام با مردم به لغات خودشان سخن می گفت و آن حضرت در سخن گفتن شیواترین مردم و داناترین آنها به همه زبان ها و لغات بود... مشهد و مرقد منور وی مرجع زایران از تمام طبقات و نقاط جهان است. (۱)

## ۵. قرن دهم

۱. میر محمد بن سید برهان الدین خواند شاه (میر خواند شافعی) (۹۰۳ ق.)

وی در گزارشی زایران قبر امام رضا علیه السلام را افزون بر ایران، از سرزمین ها دیگر نیز می داند: «ذکر احوال علی بن موسی الرضا رضی الله عنهما، مشهد مقدس و مرقد این امام علی الاطلاق مرجع ایران و مقصد سالکان اکابر و اصاغر آفاق است، طوایف امم و طبقات بنی آدم از اقصای روم و هند، از جمیع مرز و بوم هر ساله مهاجرت اوطان و مفارقت خلان اختیار کرده و روی توجه به این آستان فرخنده نشان نهاده و مراسم زیارت و طواف به جای آورند و این موهبت عظما را سرمایه سعادات دنیا و عقبا می دانند... مناقب و مآثر و فضایل و مفاخر امام ابوالحسن الرضا زیاده از آن است که محاط علم بشری گردد و در این مقام بر سطری چند از خوارق عادات آن قدوه ارباب سعادات اقتصار می رود.» (۲)

۲. فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی حنفی (۹۲۷ ق.)

۱- . عطاء الله شیرازی، روضه الأجاب، ج ۴، ص ۴۳؛ امیر احمد حسین بهادرخان هندی حنفی، تاریخ الأحمدي، ص ۳۶.

۲- . خواند امیر شافعی، تاریخ روضه الصفا، ج ۳، ص ۴۱، ۴۶ و ۵۲.

وی با عبارات والا و با احترام فراوان از مرقد مطهر امام رضا علیه السلام یاد می کند و آن را «کعبه حاجات و مقاصد جمیع حاجت خواهان» تا روز قیامت می داند و می گوید: «زیارت قبر مکرم و مرقد معظم حضرت امام ائمه الهدی، سلطان الإنس و الجن، امام علی بن موسی الرضا الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الشهید بن علی المرتضی، صلوات الله و سلامه علی سیدنا محمد و آله الکرام، سیما الآیه النظام سته آبائه کلهم افضل من یشرب صوب الغمام، تریاق أكبر محییان و موجب حیات دل و جان است مرادات همه عالم از آن درگاه با برکت حاصل و فی الواقع ربیع میمونش توان گفت که از اشرف منازل است. آن مقام مبارک تمامی اوقات مقرون به تلاوت قرآن مجید است و توان گفت که معبدی است از معابد اسلام، هرگز آن مرقد عالی از طاعت نیازمندان خالی نیست و چگونه چنین نباشد و حال آن که تربت حضرت امامی است که اوست مظهر علوم نبوی و وارث صفات مصطفوی و امام بر حق و رهنمای مطلق و صاحب زمان امامت خود و وارث نبوت و حق استقامت خود.

هزار دفتر اگر در مناقبش گویند هنوز ره به کمال علی نشاید برد

و سابقاً که عزم زیارت مشهد مقدس حضرت امام بود، این قصیده صورت نظم یافته بود و در این مقام ادراج او مناسب است، زیرا که ملایم زیارت آن صاحب مناقب است. وی در ادامه قصیده ای با عنوان «قصیده ای در منقبت امام ثامن، ولی ضامن، امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا، صلوات الله علیه و سلامه» در مدح آن حضرت نقل می کند...» (۱)

او در جای دیگر می گوید: «خدایا! درود و صلوات و سلام فرست بر امام هشتم، آن حضرت مهتر نیکو خصال نیکوکار نیکو سیرت. آن حضرت

۱- . خنجی اصفهانی حنفی، مهمان نامه بخارا، ص ۳۳۶.

کسی است که لشکر اولیا را سلطان و پادشاه است. صاحب جود و مروّت و نیکو کاری است. در او انوار حضرت پیغمبر نزد چشم عیان درخشنده است. بالا- برنده نشانه های توحید و نصب کننده پرچم های ایمان است. بر رونده است، بر بالاترین درجات علم و عرفان. صاحب منقبت فرموده حضرت پیامبر است که فرمود: پاره ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد.» (۱)

وی در وصف امام رضا علیه السلام نیز شعری دارد و می گوید:

سلام علی روضه للإمام علی بن موسی علیه السلام

سلام من العاشق المنتظر سلام من الواله المستهام

بر آن پیشوای کریم الشیم بر آن مقتدای رفیع المقام

ز شهد شهادت حلاوت مذاق زهر عدو در جهان تلخ کام

ز خلد برین مشهدش روضه ای خراسان از او گشته دارالسلام

از آن خوانمش جنت هشتمین که شد منزل پاک هشتم امام

محبان ز انگور پر زهر او فکندند می های خونین به جام

مرا چهره بنمود یک شب به خواب شد از شوق او خواب بر من حرام

علی وار بر شیر مردی سوار امین در رکابش کمینه غلام (۲)

۳. غیاث الدین بن همام الدین شافعی معروف به خواند امیر (۹۴۲ ق)

وی در مورد فرزندان امام کاظم علیه السلام می گوید:

سلام علی آل طاها و یس سلام علی آل خیر النیین

سلام علی روضه حلّ فیها امامّ یباهی به المُلک و الدی (۳)

سلام بر آل طاها و یس، سلام بر خاندان بهترین پیامبران سلام بر باغ و بوستانی که در آن امامی آرمیده است که دنیا و دین بدو افتخار می کنند.

۱- . همو، وسیله الخادم إلى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم، ص ۲۲۳.

۲- . همان، ص ۲۴۳.

۳- . همان، ص ۸۲-۸۳.

درود خدا بر بهترین آفریده اش، محمد سید رسولان و آل پاکش به خصوص امامان معصوم و هدایت گر.

آن گاه به نقل فضایل و کرامات آن حضرت پرداخته و بعد از نقل آنها در پایان چنین می گوید: «پوشیده نماند که کرامات و خوارق عادات امام رضا علیه السلام بسیار است و برکات مشهد منور و فیوضات مرقم معطر آن جناب و تفصیل آن امور مقدور خامه شکسته زبان نبوده لاجرم در طرق اختصار سلوک نمود.» (۱)

## ۶. قرن چهاردهم

قاضی بهجت افندی شافعی (۱۳۵۰ ق.).

وی نیز مشهد الرضا علیه السلام را زیارتگاه بزرگ جهان اسلام دانسته و می گوید: «روضه معلای آن حضرت در بلده طیبیه مشهد مقدس و زیارتگاه بزرگ عالم اسلام و دارای قبه مطالیبی است که مثل و نظیرش در عالم یافت نمی شود، زاد الله شرفاً.» (۲)

## آستان حضرت علیه السلام

### اشاره

فرقه وهابیت و سلفی بر این باور است که بنای بر قبور جایز نیست و از مصادیق شرک است و آن را ساخته و پرداخته حاکمان عثمانی دانسته اند، در حالی که گزارش های تاریخی قدمت بنای بر قبور را قبل از ظهور حاکمان عثمانی و بدعت ابن تیمیه، در قرون اولیه نشان می دهد. یکی از این موارد بنای گنبد و بارگاه بر قبر مطهر امام رضا علیه السلام است که ریشه در قرون سوم و چهارم هجری دارد که در حال حاضر به صورت گنبد و بارگاه فعلی درآمده است که به این گزارش ها اشاره می شود.

۱- همان، ص ۹۱.

۲- قاضی بهجت افندی شافعی، تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد علیهم السلام، ص ۱۵۸ - ۱۵۹.

## ۱. قرن سوم و چهارم

### ۱. مقدسی بشاری (۳۸۰ ق.)

وی درباره مرقد مطهر امام رضا علیه السلام گزارش شگفت‌انگیزی دارد، او می‌گوید: «وبه قبر علی الرضا بطوس قد بُنی علیه حصن فیه دور و سوق، و قد بنی علیه عمید الدوله فائق مسجداً ما بخراسان أحسن منه...» (۱) در طوس قبر علی بن موسی است که گرداگرد آن دیواری ساخته‌اند که خانه‌ها و بازاری دارد و عمیدالدوله فائق مسجدی در آن ساخته است که در خراسان بهتر از آن نیست.»

مقدسی بشاری در قرن چهارم می‌زیسته و گزارش وی حاکی از این است که در قرن سوم نیز چنین بناهایی بر قبر شریف آن حضرت ساخته شده بود و این کار نه تنها بدعت نبوده، بلکه حاکمان و خلفای بنی عباس آن را ترمیم و توسعه می‌داده‌اند به گونه‌ای که عمیدالدوله، یکی از وزرای بنی عباس، مسجد بزرگی بر قبر شریف امام رضا علیه السلام بنا کرده بود.

### ۲. حسین بن احمد مَهَلَبی (۳۸۰ ق.)

وی نیز گزارشی شبیه گزارش مقدسی از مرقد شریف امام ارائه می‌دهد. وی در مورد نوقان و هم‌چنین در وصف شخصیت امام رضا علیه السلام می‌گوید: «نوقان از بزرگ‌ترین و آبادترین شهرهای خراسان است که در پشت این شهر مرقد امام علی بن موسی بن جعفر علیه السلام قرار دارد... که بر روی قبر ایشان حصار است در آن حصار مردم معتکف می‌شوند.» (۲)

## ۲. قرن هشتم

### ۱. ذهبی شافعی (۷۴۸ ق.)

وی در گزارشی کوتاه اما گویا درباره گنبد و بارگاه امام رضا علیه السلام

۱- مقدسی بشاری، أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، ص ۲۶۱.

۲- مهلبی، کتاب العزیزیه المسالک والممالک، ص ۱۵۵.



می گوید: «ولعلی بن موسی مشهد بطوس یقصدونه بالزیاره: (۱) علی بن موسی در طوس بارگاهی دارد که مردم زیارتش می کنند.»

۲. محمد بن عبدالله ابن بطوطه مراکشی (۷۷۹ ق.)

وی نیز در قرن هشتم هجری می زیسته و در گردش های تاریخی خود، زمانی که به خراسان می رسد مشهد الرضا و گنبد و بارگاه آن حضرت را چنین گزارش کرده و می گوید: «به شهر مشهد الرضا مسافرت نمودیم، او علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین شهید فرزند امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است، که رضوان خدا بر آنان باد.»

مشهد الرضا شهری بسیار بزرگی است و بر بارگاه مکرم حضرتش، گنبد بزرگی بنا شده و در کنار آن مدرسه و مسجدی است که بنای تمامی آنها از زیبایی خاصی برخوردار است: دیوارها مزین به کاشی و بر روی قبر شریف، چهارچوبی از تخته و روکش آن از نقره بود و بر فراز ضریح ایشان، چراغدان هایی از نقره آویزان و چهارچوب در گنبد، نقره و پرده در نیز از پارچه حریر زربافت بود و تمام محوطه زیارتگاه مفروش به فرش های متنوع و در کنار آن، قبر هارون الرشید بود، که زایرین هنگام ورود به زیارتگاه، با پای خود محکم به قبر هارون زده و بر قبر شریف امام رضا علیه السلام سلام کرده و احترام می نهادند.» (۲)

۱- . ذهبی شافعی، سیر أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۹۳.

۲- . ابن بطوطه مراکشی، تحفه النظار فی غرائب الأمصار معروف به رحله ابن بطوطه، ص ۴۰۱.

## سخن پایانی

در بازخوانی این سه فصل می بینیم که:

اولاً تأکید بر زیارت قبر امام رضا علیه السلام در کلمات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نشان آن است که زیارت قبر امام رضا علیه السلام سنت مؤکدی است.

ثانیاً، توجه به این سنت مهم باعث شده قبر آن حضرت محترم شمرده شود و بر آن از قرن سوم و چهارم هجری بارگاه ساخته شود. از این رو ادعای وهابیون مبنی بر این که ساخت گنبد و بارگاه توسط حکومت عثمانی ها و در قرون اخیر رایج شده است، ادعایی بی اساس است.

ثالثاً، عنایت ویژه به زیارت، سیل علما و مردم را از اهل سنت برای زیارت قبر آن حضرت و توسل به ایشان و گریه و زاری و طلب حوائج و رفع مشکلات از همان قرن سوم تا حال حاضر به راه انداخته است.

با توجه به تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر زیارت قبر امام رضا علیه السلام و سیل خروشان علما و مردم به ویژه اهل سنت از تمامی فرق و مذاهب در زیارت قبر امام رضا علیه السلام و توسل به ایشان برای رفع گرفتاری و شفای مریض، فتوای خونین و تکفیری ابن تیمیه ناصبی تأمل برانگیز است که گفت:

کسی که به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله یا فرد صالحی برود و از او طلب رفع حاجت کند، این کار سه مرحله دارد، یکی این است که از صاحب قبر این گونه طلب و درخواست کند که مریضیش را برطرف کند، قرضش را ادا کند، از دشمنش انتقام بگیرد... این کار شرک صریح و آشکار است و مرتکب شونده آن باید توبه کند و در غیر این صورت باید کشته شود، همچنین اگر شخصی به قبر پیامبر یا فرد صالحی متوسل شود و او را واسطه بین خود و خدا قرار دهد، این کارها، از افعال مشرکین و نصاراست. (۱)

۱- ابن تیمیه، زیاره القبور والاستنجد بالمقبور، ص ۱۷.

این فتوا پرسش‌هایی را به همراه دارد، از جمله این که آیا می‌توان ابن خزیمه، ابن حبان، حاکم نیشابوری شافعی و ده‌ها تن از دانشمندان بنام اهل سنت را به خاطر رفتن به زیارت قبر امام رضا علیه السلام، و توسل به آن حضرت و طلب رفع گرفتاری و شفای مریض، مشرک و مهدورالدم دانست؟!

آیا می‌توان تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر زیارت رفتن قبر امام رضا علیه السلام و درخواست رفع حوایج از ایشان را، توصیه به شرک دانست؟!

آیا این فتوا و سایر فتاوی خونین ابن تیمیه و وهابیت در تحریم زیارت و توسل و تکفیر مسلمانان و تخریب عتبات عالیات و اماکن مقدسه، در راستای ایجاد تفرقه و اختلاف بین امت اسلامی که هدف اصلی دشمنان اسلام می‌باشد، نیست؟

البته می‌توان پاسخ این فتاوی خونین را در سخنان جهان‌گرد و دانشمند مشهور اهل سنت، ابن بطوطه مراکشی، جستجو کرد، وی درباره ابن تیمیه می‌گوید: «یتکلم فی الفنون الا ان فی عقله شیء» (۱)

با این وصف پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا وهابیت حقایق تاریخی یاد شده را نادیده گرفته است، با عقاید مسلم و قطعی مسلمین از جمله بنای بر قبور، زیارت آنها، توسل به صاحبان قبور به ویژه قبرهای اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صالحان و گریه و زاری نزد آنها و طلب حوایج و رفع مشکلات مخالفت می‌کند و زمینه تفرقه بین مسلمین را فراهم می‌نماید؟

۱- ابن بطوطه مراکشی، تحفه النظار فی غرائب الامصار (رحله ابن بطوطه) ص ۱۱۲. گفتنی است اولین کسانی که متوجه انحراف و افکار باطل ابن تیمیه شدند، بزرگان و علمای اهل سنت از فرق‌های شافعی، حنبلی، مالکی و حنفی می‌باشند که همه با عبارات گوناگون، به ناصبی بودن، ارتداد و کفر وی، تصریح کرده‌اند. برای آگاهی از دیدگاه علمای اهل سنت درباره ابن تیمیه نک: زینی دحلان، الفتنة الوهابية؛ و همان، الدرر السیة فی الرد علی الوهابیه، نجم الدین طبسی، الوهابیه دعاوی وردود، و نیز همان، فرقه‌ای برای تفرقه، حسینی قزوینی، وهابیت از دیدگاه عقل و شرع.

## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی یعلیٰ حنبلی، محمد (۵۲۶ ق.)، الطبقات الحنابلہ، دارالکتب العلمیہ، بیروت ۱۴۱۷ ق.

۲. ابن بطوطہ مراکش، محمد (۷۷۹ ق.)، تحفہ النظائر فی غرائب الأمصار معروف بہ رحلہ ابن بطوطہ، دارالکتب العلمیہ، بیروت بی تا.

۳. ابن تغری بزدی اتابکی حنفی، ابو محاسن یوسف (۸۷۴ ق.)، النجوم الزاهرہ فی ملوک مصر و القاهرہ، چ ۱، دارالکتب العلمیہ، بیروت ۱۴۱۳ ق.

۴. ابن تیمیہ حرانی ناصبی، احمد بن عبدالحلیم (۷۲۸ ه. ق.)، زیارہ القبور والإستنجاد بالمقبور، چ ۵، ناشر، رئاسہ العامہ للبحوث العلمیہ والإفتاء، ریاض، ۱۴۲۶ ق.

۵. ابن حبان بُستی شافعی، ابو حاتم محمد بن حبان بن احمد (۳۵۴ ق.)، کتاب المجروحین، دارالمعرفہ، بیروت ۱۴۱۲ ق.

۶. -----، کتاب الثقات، چ ۱، دارالفکر، بیروت ۱۳۹۳ ق.

۷. ابن حجر عسقلانی، احمد (۸۵۲ ق.)، تہذیب التہذیب، چ ۱، دارالفکر، بیروت ۱۴۰۴ ق.

۸. ابن رجب حنبلی، زین الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن شہاب الدین احمد بن رجب (۷۹۵ ق.)، الذیل علی طبقات الحنابلہ، دارالکتب العلمیہ، بیروت ۱۴۱۷ ق.

۹. ابن صلاح شافعی، عثمان (۶۴۳ ق.)، طبقات الفقہاء الشافعیہ بترتیب و مستدرکات محی الدین ابوزکریا یحییٰ بن شرف نووی شافعی (۶۷۶ ق.) و تنقیح یوسف بن عبدالرحمن مزی شافعی (۷۴۲ ق.)، چ ۱، دارالبشائر الاسلامیہ، بیروت ۱۴۱۳ ق.

۱۰. ابن قاضی شہبہ شافعی، ابوبکر (۸۵۱ ق.)، طبقات الشافعیہ، دارالندوہ الجدیدہ، بیروت ۱۴۰۷ ق.

۱۱. ابن کثیر دمشقی شافعی، اسماعیل بن عمر (۷۷۶ ق.)، طبقات الشافعیہ، چ ۱، دارالمدار الاسلامی، بیروت بی تا.

۱۲. ابن ہدایہ اللہ حسینی شافعی، ابوبکر (۱۰۱۴ ق.)، طبقات الشافعیہ، چ ۲، دارالآفاق الجدیدہ، بیروت ۱۹۷۹ م.

۱۳. اسنوی شافعی، جمال الدین عبدالرحیم (۷۷۲ ق.)، طبقات الشافعیہ، چ ۱، دارالکتب العلمیہ، بیروت ۱۴۰۷ ق.

۱۴. آفندی شافعی، قاضی بہجت (۱۳۵۰ ق.)، تشریح و محاکمہ در تاریخ آل محمد علیہم السلام، مترجم میرزا مہدی ادیب، چ

دوم، بنياد بعثت، ١٣٧٦هـ، ش، تهران.

١٥. بشارى مقدسى، ابو عبدالله محمد بن احمد بن البناء (٣٨٠ ق.)، أحسن التقاسيم فى معرفة الأقاليم، داراحياء التراث العربى، بيروت ١٤٠٨ ق.

۱۶. جُوینی شافعی، شیخ الاسلام ابراهیم بن محمّد (۷۲۲ ق.)، فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمه من ذريتهم عليهم السلام، ج ۱، مؤسسه المحمودی، بیروت ۱۴۰۰ ق.
۱۷. خُنْجی اصفهانی حنفی، فضل الله بن روزبهان (۹۲۷ ق.)، مهمان نامه بخارا، ج ۲، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران بی تا.
۱۸. -----، وسیله الخادم إلى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم علیه السلام، ج ۱، انصاریان، قم ۱۳۷۵ ش.
۱۹. خواند امیر حسینی شافعی، غیاث الدین (۹۴۲ ق.)، تاریخ حبیب السیر فی أخبار أفراد بشر، ج ۲، کتاب فروشی خیام، تهران ۱۳۵۳ هـ، ش.
۲۰. ذهبی شافعی، شمس الدین (۷۴۸ ق.)، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۱، مؤسسه الرساله، بیروت ۱۴۱۷ ق.
۲۱. سُبکی شافعی، عبدالوهاب بن علی (۷۷۱ ق.)، طبقات الشافعيه الكبرى، دار احیاء الکتب العربيه، بیروت بی تا.
۲۲. سَمْعانی تمیمی شافعی، عبدالکریم (۵۶۲ ق.)، الأنساب، ج ۱، دارالکتب العلمیه.
۲۳. شعرانی شافعی، ابوالموهّب عبد الوهاب بن علی الانصاری (۹۷۳ ق.)، الطبقات الكبرى المسماه بلواقح الأنوار فی طبقات الأخیار، دارالفکر، بیروت .
۲۴. عبدالقادر تمیمی مصری حنفی، تقی الدین بن عبدالقادر (۱۰۰۵ ق.)، الطبقات السّنیّه فی تراجم الحنّفیه، ج ۱، دار الرفاعی، ریاض ۱۴۰۳ ق.
۲۵. عبدالقادر قرشی حنفی (۷۵۷ ق.)، الجواهر المّضیّه فی طبقات الحنّفیه، مؤسسه الرساله، بیروت ۱۴۱۳ ق.
۲۶. عطاء الله شیرازی، روضه الأجاب، نسخه خطی، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی ایران.
۲۷. قُندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۲۹۴ ق.)، ینایع المودّه لذوی القربی علیهم السلام، ج ۲، دار الاسوه، قم ۱۴۲۲ ق.
۲۸. مَهَلّبی، حسن بن احمد، (۳۸۰ هـ ق.)، کتاب العزیزی یا المسالک و الممالک، تصحیح و تعلیق تیسیر خلف، ج ۱، نشر التکوین، دمشق، ۲۰۰۶ م.
۲۹. میرخواند شافعی، میر محمّد (۹۰۳ ق.)، تاریخ روضه الصفا، کتاب فروشی مرکزی، تهران ۱۳۳۹ هـ، ش.
۳۰. یاقوت حموی، ابو عبدالله شهاب الدین یاقوت بن عبدالله رومی بغدادی (۶۲۶ ق.)، معجم البلدان، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۹۹ ق.



## سیمای امام رضا علیه السلام در اشعار شعرای شیعی معاصر آن حضرت

### اشاره

ابراهیم فلاح (۱)

### چکیده

از اغراض شعری که در آثار شاعران شیعی معاصر امام رضا علیه السلام نمود بیشتری دارد، می توان به مدح و رثا و نشر فضائل آن حضرت اشاره نمود.

آذین بندی سخن و شعر به فضائل و مناقب ائمه علیه السلام همواره مورد توجه شعرا و نویسندگان بوده و به گونه ای بیانگر اعتقاد و احترام به این بزرگواران و حریم ولایت و امامت است و از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام مهر جواز یافته است.

این پژوهش، در صدد است که درون مایه اشعار شعرای شیعی معاصر با امام رضا علیه السلام را در مورد بررسی و دقت قرار دهد.

از رو که شاعران دوستدار و پیرو اهل بیت علیهم السلام که خود را نسبت به بیان حقایق و نشر فضائل این خاندان پاک موظف می دانستند، در ایفای رسالت، نهایت توان خود را به کار بستند. و با معرفی نقش پیشوایی و طلایه دارانه آن حضرت در میان امت، بیان مظلومیت و ستمی که بر او رفته بود، بهترین استفاده ها را از هنر شعر برده اند. و در پایان نتیجه گرفته شده که شاعران معاصر امام به ایفای نقش کار آمدشان در اثبات حقانیت ولایت و زمامداری امام رضا علیه السلام و همچنین به بیان سجایای اخلاقی و کرامات و مقام علمی و مدح اجداد پاکش و فریاد رس بودن حضرت پرداختند.

واژه های کلیدی: امام رضا علیه السلام، شعر، دعبل، ابونواس، ابراهیم بن عباسی.



اهل بیت علیهم السلام اصول کائنات و فروغ الهی و دریایی بخشنده اند، به خاطر آنها آدم به کرامت سجود فرشتگان مفتخر گشت. از مدرسه آنها اسرار وجود ظاهر شد. آنان روز قیامت امید مخلوقاتند. اگر شیوه زندگی آنان سرمشق و الگوی جوامع بشری قرار گیرد، بی گمان مشکلات اجتماعی و اخلاقی که بشر کنونی با آنها دست به گریبان است از میان خواهد رفت.

شعر، بهترین ابزار رسانه آن روزگار بود که به سرعت زبان به زبان می گشت و همه جا منتشر می شد و آسان در خاطره ها نقش می بست. از این رو بعضی از شاعران تلاش می کنند تا با زبان رسای شعر حقانیت رهبران الهی و حقایق پنهان را به فرهنگ جامعه و شعور اجتماعی منتقل سازند و آن را در طول زمان جاودان نمایند.

تشویق های ائمه معصومین علیه السلام، بخاطر اثر بخشی عمیق شعر در دل انسان ها، همواره شعرای متعهد را وا می داشت که، درباره فضائل، مناقب و کرامات و منزلت رفیع آن بزرگواران شعر بسرایند.

امام رضا علیه السلام می فرمایند: «ما قال فینا مؤمن شعراً یمدحنا به الا بنی الله تعالی له مدینه فی الجنه اوسع من الدنیا سبع مرات... (۱) مؤمنی در مدح ما شعر نگفته مگر اینکه خداوند شهری در بهشت برای او بنا نموده، که هفت بار وسیع تر از دنیاست.»

علاوه بر حمایت امام رضا علیه السلام از حرکت فرهنگی در قالب شعر خود نیز شعر می سرودند از جمله:

إذا كنت فی خیر فلا تغترر به و لكن قل اللهم سلم وتمم (۲)

۱- . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۵.

۲- . علی محمد علی دخیل، الامام علی بن موسی الرضا، ص ۸۴.

و به اشعار دیگران تمسک می جستند و شاعران متعهد معاصر خود را گرامی می داشتند و به آنان هدایای مادی و معنوی می دادند. هنگامی که ابراهیم بن عباس صولی در مرو خدمت حضرت شرفیاب شد، بعد از این که اشعاری درباره اهل بیت علیه السلام سرود، امام رضا علیه السلام بیست هزار درهم که نام مبارکش بر آنها نقش بسته بود به ابراهیم بخشید. (۱)

همچنین بعد از اینکه دعبل، قصیده معروف تائیه خود را نزد امام خواند، حضرت ده هزار از سکه هایی که اسم شریفش بر آنها بود به او بخشیده و یکی از پیراهن های خود را هم به او داد. (۲) و یا ابونواس از دیگر شعرای معاصر امام، هنگامی که اشعارش را درباره امام خواند، حضرت دستور داد سیصد دینار به او بدهند. (۳)

در این مقاله، به بررسی اشعار دعبل، ابونواس و ابراهیم بن عباس از شاعران معاصر امام رضا علیه السلام پرداخته شده است.

مقام و منزلت شعر و شاعری نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام

اهمیت شعر و جایگاه آن مورد توجه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام بوده است. شعرا، زبان ملت و تنها وسیله تبلیغاتی در آن زمان بودند، و شعر هم به دلایل بسیار، از جمله ماندگاری در حافظه و دلپذیری آن به دلیل داشتن طنین آهنگین، بر بسیاری از فنون دیگر عرب برتری داشته است. از همین روست که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فوق العاده شاعران را در مدح پاکان و ذم مخالفان تشویق می فرمود و به آنان که رسالت شعر را مراعات می نمودند، ارج می نهاد. به عنوان نمونه هنگامی که «عمرو بن سالم» بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد، و شعر خود را

۱- سید مرتضی، الامالی، ج ۱، ص ۴۸۵.

۲- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۵۰.

۳- همان، ج ۲ ص ۱۴۳.

خواند حضرت فرمود: «حقاً که ما را یاری نمودی، خدا یارت باشد.» (۱)

زنده ترین و سحرآمیزترین گفتارها و بیان در شعر متجلی است و جایگاه خاصی برای شعر در اغلب رشته های علم و معرفت وجود دارد. در این رابطه از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «انّ من الشعر لحکمه وانّ فی البیان لسحراً» (۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «من قال فینا بیتاً من الشعر بنی الله له بیتاً فی الجنة: (۳) هر کس درباره ما یک بیت شعر بسراید، خداوند خانه ای در بهشت برای او قرار می دهد.»

امام باقر علیه السلام در وصیت به امام صادق علیه السلام فرمود: «از مال من فلان مقدار وقف کن برای نوحه سرایان که تا ده سال در منی موقعی که حاجیان جمع اند بر من نوحه سرایی کنند.»

این نکته ناظر به اهمیت شعر و استفاده از آن به عنوان وسیله تبلیغی موثری است در خدمت دین و اهداف عالی اسلامی. (۴)

تأیید شاعران از سوی ائمه علیهم السلام وابسته به محتوای شعر آنان بوده است. لذا اگر شاعری رفتار ناصحیح داشته، ولی افکار و اشعارش در راه هدایت و ترویج دین و بیان حقایق و فضائل و مناقب بوده، به دیده استرحام نگریسته می شده و برایش طلب آمرزش می کردند.

ابوطالب قمی برای حضرت جواد علیه السلام شعری نوشت که در آن از پدر بزرگوارش حضرت رضا علیه السلام یاد نموده بود و از آن حضرت خواست تا اجازه دهد درباره ایشان نیز شعری بگوید. حضرت شعر را از کاغذ برید و

۱- . امینی، الغدیر، ج ۲، ص ۵.

۲- . شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۹.

۳- . همان، ج ۱، ص ۵.

۴- . صادق آینه نند، ادبیات انقلاب در شیعه، ص ۱۱۹.

در قسمت سفید باقی مانده در بالای آن نوشت: «قد احسنت فجزاك الله خيراً اندبني و اندب ابني: (۱) نیکو سروده ای که خداوندت جزای خیر دهد، بر من و بر پدرم مرثیه بگویی.»

سروده های امیرالمومنین علیه السلام، سروده های حسین بن علی علیه السلام در کربلا، سروده های امام سجاد علیه السلام در رثای پدر بزرگوارش و همچنین اشعار امام رضا علیه السلام و دیگر ائمه، ترجمان توجه آنان به فضیلت شعر، تأثیر عمیق آن و جایگاه و منزلت شعر نزد خاندان رسالت است.

## شعرای معاصر امام رضا علیه السلام

### اشاره

اکنون به شرح درون مایه های اشعار شعرای معاصر امام رضا علیه السلام می پردازیم. با توجه به اینکه شعری که درباره امام رضا علیه السلام شعر سروده اند بسیارند، در این مقاله فقط به اشعار سه تن از شعرای معاصر امام می پردازیم که عبارتند از: دعبل الخزاعی، ابونواس، ابراهیم بن عباس الصولی.

### ۱. ابونواس

حسن ابن هانی معروف به ابونواس در سال ۱۴۵ هجری در اهواز به دنیا و شاعر ایرانی و شیعی بود. ابن منظور صاحب لسان العرب می گوید: ابونواس شیعه بوده ولی تقیه می کرد و به اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله تمایل زیادی داشت و جرأت اظهار دوستی اهل بیت را به طور علنی نداشت. (۲)

ابونواس نقش مهمی در پیشرفت ادبیات شیعه داشت و از بارزترین شعرای عصر عباسی است. و چون از احساس ادبی رقیق و توصیف دقیق و اسلوب زیبا بهره مند بود می توانست در جامعه تأثیر زیادی بگذارد. وی دیوان

۱- محمد بن عبدالعزیز کشی، رجال، ص ۳۵۰.

۲- امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۳۳۴.

شعری دارد که شیخ آقا بزرگ تهرانی آن را از تصانیف شیعه ذکر می کند. (۱)

ابوسهل اسماعیل بن نوبختی نقل می کند که عمویم به من گفت، به ابونواس گفتم که بی شرم تر از تو ندیدم، در باره هر معنی و مفهومی شعر گفتم، خمریات و طردیات را ترک نکردی ولی درباره امام رضا علیه السلام که در زمان تو است، شعری نسرودی. ابونواس جواب داد: «امام در مرتبه بالایی قرار دارد و من شعری در باره او نسرودم مگر به خاطر اکرام و تعظیم آن حضرت، و در شأن و منزلت من نیست که در باره آن امام همام شعر بسرایم.» پس بعد از چند لحظه چنین سرود:

قيل لي انت أحسن الناس طُرَافِي فنونٍ من الكلام النبیه

لك من جيد القريض مديحٌ يثمرُ الدرَّ في يدِي مُجتنيه

فعلي ما تركت مدح ابن موسى و الحضال التي تجمَّعن فيه

قلتُ لا أستطيعُ مدحَ امامٍ كان جبرئيلُ خادمًا لآبيه (۲)

شاعر در این ابیات در پاسخ این سؤال که چرا درباره امام رضا علیه السلام چیزی نگفتی، با استناد به حدیث معروفی می گوید: که من در ستایش از امامی که جبرئیل خدمتگزار پدرش بوده است، راه به جایی نتوانم بردن.

بیت آخر را ابونواس از حدیث معروفی اقتباس می کند که خلاصه اش چنین است: جبرئیل گهواره امام حسین علیه السلام را در کودکی هنگامی که مادرش زهرای اطهر علیها السلام به کارهایش مشغول بود، تکان می داد و امام حسین علیه السلام در گهواره گریه می کرد و جبرئیل گهواره را تکان می داد تا آن حضرت گریه نکند. و ابونواس با توجه به این حدیث می گوید: «کان جبرئیل خادمًا لآبيه.»

علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش روایت کرد که ابوالحسن محمد بن

۱- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۳، ص ۱۴۰.

۲- مولی حیدر شیروانی، مناقب اهل البيت عليهم السلام، ص ۲۸۰.

یحیی فارسی گفت: «یک روز نگاه ابونواس به امام رضا علیه السلام افتاده، در حالیکه آن حضرت بر روی قاطری سوار و از نزد مأمون خارج شده بود. ابونواس به امام نزدیک شد، و سلام کرد و گفت: ای فرزند رسول خدا، ابیاتی درباره شما سروده ام دوست دارم این ابیات را بشنوی. امام فرمودند: بگو و او چنین سرود:

مطهرون نقیاتٌ ثیابَهُمْ تجری الصلوهُ علیهم اینما ذکرُوا

من لم یکن علویا حین تَنسِبُهُ فما لَهُ فی قدیم الدهر مُفتخِرُ

فَاللهُ لَمَّا بَرَى خَلْقًا فَأَتَقَنَهُ صَفَاكُمُ واصطفاکُمُ ایها البشرُ

فَأنتم المَلَأُ الأعلی و عندکُم علمُ الکتابِ وما جئت بِه السُّورُ (۱)

در این ابیات، شاعر امام رضا علیه السلام را از خاندانی می داند که پاک و پاکیزه و پاک دل هایی هستند که هر کجا نامشان برده شود، درود و سلام بر آنان جاری می گردد و ادامه می دهد: هر کس در نسب خود، علوی نباشد، مایه ای برای افتخار و مباهات ندارد. خداوند، از آن هنگام که مخلوقات را آفرید و استواری شان داد، شما را پاک و برگزیده قرار داد. ای انسان های برگزیده، همانا شما ملاً اعلی هستید و در نزد خود علم کتاب و آنچه را که در سوره های قرآن آمده است، یکجا دارید.

مفهوم کلام ابونواس این است که ائمه معصوم هستند، به جهت اینکه به عقیده شیعه امامان، معصومند.

در پایان این ابیات امام فرمود: اشعاری سروده ای که کسی بر تو پیشی نگرفت و به غلامش فرمود: چیزی از نفقه همراهت هست. غلام گفت: سیصد دینار موجود است. امام فرمود: سیصد دینار را به ابونواس بده. پس آن حضرت ادامه داد، شاید سیصد دینار کم باشد، پس یک قاطر هم به او بده. (۲)

۱- . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲- . همان، ج ۱، ص ۱۴۳.

ابوالعباس محمّد بن یزید مبرد نقل می کند که: روزی ابونواس از خانه اش خارج شد و سواری را در مقابلش دید، گفته شد آن شخص امام رضا علیه السلام بود و ابونواس چنین سرود:

أذا أبصرتك العين من بعد غايته وعارض فيك الشكُّ أثبتك القلبُ

و لو أنّ قوماً أمموك لقادهم نسيمك حتى يستدلُّ بك الركبُ (۱)

در این ابیات شاعر، بیان می کند که اگر چشم ترا ببیند و دچار تردید شود، قلب ترا اثبات می کند. قومی که ترا به عنوان امام برگزیدند تو آنها را رهبری می کنی تا به هدایت برسند.

## ۲. دعبل خزاعی

دعبل خزاعی در سال ۱۴۸ هجری در کوفه متولد شد و از شعرای متعهد شیعی است که معتقد بود امامت حق علویان است. اشعار زیادی در مورد اهل بیت علیهم السلام سروده است. شاعری خوش طبع و دارای بینش عمیق و ژرف نگر بود. محمّد بن قاسم بن مهرویه می گفت: از پدرم شنیدم که می گفت: شعر به دعبل خاتمه یافت.

دعبل در فضائل آل علی علیهم السلام و در رثای امام حسین علیه السلام و امام رضا علیه السلام سروده های بسیاری بر جای نهاده است. « قصیده تائیه دعبل از بهترین نوع شعر و شکوهمند ترین نمونه مداحی است که درباره خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله سروده اند. اهمیت این قصیده فراوان است و بر آن شروحنی نوشته است، مهم تر از همه اشاره ای است که در آن، آن هم در زمان دعبل به امام عصر علیه السلام رفته است.

این شاعر در سال ۲۴۶ هجری به دست مأموری در قریه شوش در

خوزستان شهید شد. (۱) او در وصف مناقب و فضائل و رثای امام رضا علیه السلام می گوید: در قم که خبر وفات حضرت رضا علیه السلام را شنیدم، «قصیده رائیه» خود را در سوگ آن حضرت سرودم:

أرى أمية معذورين إن قتلوا ولا أرى لبني العباس من عُذْرٍ

أربع بطوس على قبر الزكي بها إن كنت تربع من دين علي وطر

قبران في طوس خير الناس كلهم وقبر شرهم، هذا من العبر!

ما ينفع الرجس من قرب الزكي ولا على الزكي بقرب الرجس من ضرر

هيهات كل امرئ رهين بما كسبت له يداؤه، فخذ ما شئت أو فذر. (۲)

دعبل در این ابیات، می گوید، بنی امیه در کشتار اهل بیت علیه السلام می توانند معذور باشند، لیکن برای بنی عباس من عذری نمی بینم. و ادامه می دهد در کنار مرقد امام در طوس توقف نما. و بدان هرگز برای طلب حاجتی در مکانی نظیر آن توقف نکرده ای. در حقیقت طوس را بهترین مکان برای برآورده شدن حاجات ذکر می کند، که اشاره به روایتی از امام رضا علیه السلام دارد که می فرماید: «انني ساقطل بالسم مظلوماً، فمن زارني عارفاً بحقي غفر ما تقدم من ذنبي وما تأخر: (۳) من به زودی مظلومانه با زهر کشته می شوم، پس هر کس مرا با شناخت حق من زیارت کند خداوند گناهان پیشین و پسین او را می بخشد.»

دو قبر در طوس است (که اشاره به قبر امام رضا علیه السلام و قبر هارون خلیفه عباسی) یکی مرقد شریفترین انسانها است در روی زمین و دیگری قبر شرترین انسان ها، و این مایه عبرت و پند است. هرگز هم جواری ناپاک با پاک، ضرری به امام نمی رساند. زیرا هر فرد در گرو اعمال خویش است.

از سخنان من پند بگیر یا رهائش کن. این بیت اشاره ای به آیه قرآن دارد

۱- سید عبدالرزاق مقرر، نگاهی گذرا به زندگانی امام رضا علیه السلام، ص ۱۱۰.

۲- دیوان دعبل، ص ۱۰۷.

۳- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۲.



که می فرماید: «كُلُّ أَمْرٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ: (۱) هر انسانی در گرو کرده های خویش است.»

در بیت دوم اشاره به فرمایش امام رضا علیه السلام دارد، زمانی که هارون الرشید، در مسجد الحرام بود و حضرت رضا علیه السلام در بیرون بودند، شنیده شد که حضرتش می فرماید: چه دور است خانه و چه نزدیک است دیدار و پیوند، ای طوس! ای طوس! بزودی من و او را کنار هم گرد می آوری و همانا ما همچون این دو هستیم. و این موقع، دو انگشت سبابه خویش را به هم نزدیک کرد. آنگاه که حضرت در کنار هارون مدفون گردید، هدف از این گفته روشن گردید. (۲)

«دعبل خزاعی» وقتی «قصیده تائیه» خود را به نظم کشید آهنگ دیدار حضرت رضا علیه السلام را نمود و به جانب خراسان عزیمت کرد. چون به خدمت حضرت آمد، عرض کرد: با خود سوگند یاد کرده ام که آن را قبل از شما برای هیچکس نخوانم. سپس دعبل آغاز به خواندن شعر کرد، تا به این بیت رسید.

وَقَبْرٌ بِبَغْدَادٍ لِنَفْسٍ زَكِيَةٍ تَضَمَّنَهَا الرَّحْمَنُ فِي الْعُرْفَاتِ (۳)

شاعر در این بیت، اشاره به قبر موسی بن جعفر علیه السلام دارد، که آن نفس پاکیزه را خداوند در غرفه های بهشت، فرو گرفته است. سپس امام رضا علیه السلام فرمود: آیا در اینجا، دو بیت به اشعار تو نیفزایم تا قصیده ات تکمیل گردد؟ «دعبل» عرض کرد: بفرمائید. پس حضرت فرمود:

وَقَبْرٌ بِطُوسٍ يَا لَهَا مِنْ مَصِيبَتِهِ تَوَقَّدَ فِي الْأَحْشَاءِ بِالْحُرْقَاتِ

إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا يَفْرَجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ (۴)

۱- .طور/۲۲.

۲- .ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ۳۹۵.

۳- .دیوان دعبل، ص ۶۱.

۴- .شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۵.

در طوس قبری است که از مصیبت جانکاهش، چه شعله های آتشین بر جان و دل می زند. تا روز حشر، هنگامی که خداوند «قائم را برانگیزاند که غم ها و اندوه ما را از میان بر می دارد.» دعبل گفت: این قبر از آن کیست؟ حضرت فرمود: «قبری ولا تنقضی الایام واللیالی حتی تصیر طوس مختلف شیعی و زواری آلا- و من زارنی فی غربتی بطوس کان معی فی درجتی یوم القیامه مغفوراً له: (۱) آن قبر از آن من است. شب ها و روز ها به پایان نمی رسد مگر آنکه طوس، محل آمد و شد شیعیان و زائران من می گردد. هان! هر که مرا در غربت گاهم طوس، زیارت کند، روز رستاخیز همراه من در درجه ام خواهد بود؛ در حالی که گناهانش بخشیده شده باشد.»

و چون «دعبل» این بیت را خواند:

أری فیئهم فی غیرهم مُتَّفَسِّماً وأیدیههم من فیئهم صَفَرَات

شاعر در این بیت اشاره دارد به اینکه حقوق و اموال اهل بیت علیهم السلام در میان غیر تقسیم می شود و دستان ایشان را از حق و مال خویش خالی می بینم. حضرت علیه السلام گریست و فرمود: راست گفתי ای دعبل، تمامی حقوق ما را به غارت بردند، اول فدک را غصب کردند، و جانشینان بعدی از خلفای جور آنچه را که خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند، چپاؤل کردند.

وقتی دعبل این بیت را حضور امام رضا علیه السلام قرائت کرد:

إذا وُتِرُوا مَدَّوْا إِلَى وَا تَرِيَهُمْ أَكْفًا عَنِ الْأُوتَارِ مُنْقَبِضَاتٍ

آن حضرت دست های مبارک خود را به پشت چرخاند و فرمود: أجل والله مُنْقَبِضَاتٍ؟ (۲) آری به خدا سوگند، دست های ما از گرفتن انتقام بسته شده است.

بعد از اینکه اشعار دعبل به پایان رسید، برپاخواست و به «دعبل» فرمود:

۱- . همان.

۲- . همان، ص ۲۹۴.

که از جای خویش حرکت نکند و بعد، صد دینار رضوی توسط خادم به سوی دعبل فرستاد. «دعبل» گفت: سوگند به خدا که من برای این نیامده و قصیده ام را به طمع کمکی نسروده ام. و کیسه دینارها را باز گرداند. اما جامه ای از جامه های حضرت را در خواست نمود تا بدان تبرک بجوید. حضرت رضا علیه السلام کیسه پول را با جامه ای بلند از خز برای او فرستاد و به خادم پیغام داد که به او بگوید، بزودی به کیسه زر محتاج می شوی، پس آن را نزد من باز نفرست. دعبل به فرمان امام، کیسه زر و جامه را گرفت.

دعبل در قصیده «ألا أيها القبر الغريب» در رثای امام چنین سروده است:

ألا أيها القبرُ الغريبُ مَحَلُّهُ بطوسٍ، عليك السارياتُ هتونُ

بِكِ العِلْمِ والتقوى، بِكِ الحُلْمِ والحجى بِكِ الدينُ و الدنيا، وأنتِ ضمينُ

دعبل در این قصیده می گوید که امام رضا علیه السلام در خراسان غریب است و اشکها بر او ریزان و جاری است. و آن حضرت را معدن علم، تقوی، عقل و خرد، دین و دنیا می داند و به عنوان ضامن و کفیل معرفی می کند.

### ۳. ابراهیم بن عباس التّوّلّی

شاعر و نویسنده ایرانی تبار که در سال ۱۷۶ در بغداد به دنیا آمد و رشد کرد و سال ۲۴۳ در سامرا از دنیا رفت. او مدّاح اهل بیت بود و به تشیع گرایش داشت و در مدح امام رضا علیه السلام اشعار عالی سرود. از آثار او دیوان شعر، دیوان رسائل و کتاب های العطر، الطبیخ و الدوله را می توان نام برد. (۱)

هارون بن عبدالله مهلبی نقل می کند: هنگامی که امام رضا علیه السلام به ولایت عهدی برگزیده شد، ابراهیم بن عباس نزد امام رفت و چنین سرود:

ازالت عناء القلب بعد التّجلّدِ مصارعُ اولادِ النبی محمّدُ

شاعر در مطلع این قصیده ذکر می کند که مصایب اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله

آرامش و قرار دل را بعد از صبر و شکیبایی زایل کرد. امام رضا علیه السلام شعر او را شنید و بیست هزار درهم، از همان سکه هایی که به نام او زده بودند به وی صله داد. ابراهیم از آن هدایایی داد و مبلغی را برای هزینه کفن و دفن و حمل جنازه خود به گورستان ذخیره کرد. (۱)

و در قصیده ای دیگر چنین می سراید:

أَلَا إِنَّ خَيْرَ النَّاسِ نَفْسًا وَوَالِدًا وَرَهْطًا وَأَجْدَادًا عَلَيَّ الْمَعْظَمِ

أَتَتْنَا بِهِ لِلْعِلْمِ وَالْحِلْمِ ثَامِنًا أَمَامًا يُؤَدِّي حُجَّةَ اللَّهِ تَكْتَمِ

شاعر در این ابیات، اجداد و پدر و مادر امام علیه السلام را از بهترین مردمان در شرف و بزرگی ذکر می کند. و در بیت بعدی مسأله امامت را متذکر می شود که امام رضا علیه السلام هشتمین امام و فرزند «تکتّم» است. لقب مادر امام رضا علیه السلام نجمه و از اشراف عجم بود. و حاکم ابوعلی می گوید: دلیلی که نام مادر امام رضا علیه السلام تکتّم است، قول ابراهیم بن عباس در این بیت است. همچنین یاد آوری می کند، که امام رضا علیه السلام معدن علم و دانش و صبر و بردباری است. ابراهیم بن عباس صولی به امام رضا علیه السلام خطاب می کند و او را بر مأمون برتری می دهد و چنین می سراید:

كَفَى بِفِعَالٍ أَمْرِي عَالَمٍ عَلَى أَهْلِهِ عَادِلًا شَاهِدًا

أَرَى لَهُمْ طَارِفًا مُونِقًا وَلَا يَشْبَهُ الطَّارِفَ التَّالِدًا

يُمْنٌ عَلَيْكُمْ بِأَمْوَالِكُمْ وَتَعْطُونَ مِنْ مِيَاهِ وَاحِدًا

فَلَا يَحْمَدُ اللَّهُ مُسْتَنْصِرًا يَكُونُ لِأَعْدَائِكُمْ حَامِدًا

فَضَلْتَ قَسِيمَكَ فِي قَعْدَدِ كَمَا فَضَلَ الْوَالِدُ الْوَالِدًا (۲)

در این قصیده می گوید که امام از خانواده سخاوتمند و بزرگواری است که مجد و عظمت و بزرگی اصیلی دارند و مأمون که از عباسیان است مجد

۱- . شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲- . شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۵.

ظاهری و عرضی دارد. مجد و عظمت اصلی و ذاتی کجا؟ و مجد ظاهری کجا؟ و خداوند دشمنان شما را گرامی نمی دارد. همچنین در ادامه می گوید که امام رضا علیه السلام و مأمون از نظر آباء و اجداد در انتساب به عبدالمطلب با هم مشترک بودند و بیان می کند که پدر تو بر پدرش عبدالله بن عباس برتری دارد. و درقصیده دیگری می گوید:

لبست بالعفه ثوب الغنى وصرتُ أمشى شامخ الرأس

لست إلى الناسِ مُستأنساً لكنني آنسُ بالناسِ

أذا رأيتُ التيهَ من ذى الغنى تهتُ على التائه باليأس

ما إن تفاخرت على مُعدم ولا تضعفت لِفلاس (۱)

شاعر در این ابیات، امام را پاکدامن و عقیف و سربلند می داند و یار و یاور خلق ذکر می کند، در مقابل تکبر و خود خواهی متکبرین، دوری نموده و بر فقیر و مسکین افتخار نمی ورزید. ابراهیم بن عباس در اشعار فوق از فرمایش علی علیه السلام اقتباس نموده است: «ما أحسن تواضع الأغنياء للفقراء طلباً لما عند الله! وأحسن منه تيه الفقراء على الأغنياء تكالاً على الله: (۲) چه نیکوست فروتنی توانگران برابر مستمندان، برای به دست آوردن پاداش الهی، و نیکوتر از آن خویشترنداری مستمندان برابر توانگران برای توکل به خداست.

۱- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۷۱.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۰۶.

## نتیجه گیری

- شاعران معاصر امام رضا علیه السلام با الفاظی رسا و زیبا در اشعار خود به فضائل و مناقب حضرت اشاره نمودند.
- از شاعران یاد شده، ابونواس بیشترین شعر را درباره حضرت سروده.
- آذین بندی سخن و شعر به فضائل و مناقب ائمه علیهم السلام شیوه ای پسندیده و گونه ای اعتقاد و احترام به امامان بزرگوار است.
- مقام علمی، برتری نژاد، مظلومیت و حقانیت، سخاوتمندی، تواضع، مجد و عظمت و برگزیده شدن امام رضا علیه السلام از جانب خداوند از جمله مطالبی است که در اشعار شاعران، به آن اشاره شده است.
- مصایب و مشکلات ائمه معصومین علیهم السلام و غریبی امام رضا علیه السلام هم از جمله مسائلی است که در اشعار اشاره گردیده است.
- استناد به برخی از احادیث مروی از ائمه معصومین در اشعار شاعران معاصر امام به روشنی وجود دارد.
- دفاع از امامت و ولایت از اهداف همه شاعران معاصر حضرت بود که در شعرشان اشاره گردیده است.
- برتری سرزمین طوس به خاطر وجود مرقد مطهر حضرت هم از جمله مطالبی است که در اشعار شاعران مورد توجه قرار گرفته است.

۱. نهج البلاغه (۱۳۸۰)، ترجمه محمد دشتی، تهران، اوج علم.

۲. آئینه وند، صادق (۱۳۵۹)، ادبیات انقلاب در شیعه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳. ابن شهر آشوب، ابوجعفر، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه.

۴. ابن منظور (۱۴۲۴)، نوادر ابونواس، تحقیق یوسف البقاعی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.

۵. اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۷۴)، الأغانی، ترجمه محمد حسین مشایخ فریدی، تهران، علمی و فرهنگی.

۶. امین، محسن (۱۴۰۶)، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

۷. امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶)، الغدير فی الكتاب والسنة والادب، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۸. تهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۸)، الذریعه ألی تصانیف الشیعه، قم، موسسه اسماعیلیان.

۹. خزاعی، دعبل بن علی (۱۴۱۷)، دیوان، شرح ضیاء حسین اعلمی، بیروت، موسسه النور للمطبوعات.

۱۰. دخیل، علی محمد علی (۱۳۹۴)، الامام علی بن موسی الرضا، لبنان، بیروت، دارالتراث الاسلامی.

۱۱. شریف مرتضی، علی بن الحسین (۱۳۷۳)، الامالی، ج ۱، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، دار احیاء الکتب العربیه.

۱۲. صدوق، محمد بن علی حسین (۱۳۶۳)، عیون اخبار الرضا، تصحیح سیدمهدی حسینی، قم، کتاب فروشی طوس.

۱۳. العییدی، محمد بن عبدالرحمن بن عبدالمجید (۲۰۰۳)، التذکره السعديه فی الاشعار العربیه الموسوعه الشعریه، ابوظبی، مجمع الثقافی.

۱۴. فاخوری، حنا (۱۴۲۲)، الجامع فی تاریخ الادب العربی، ج ۱، بی جا، ذوی القربی.

۱۵. کشی، ابو عمرو محمد بن عبدالعزیز (بی تا)، رجال، کربلا، موسسه الاعلمی للمطبوعات.

۱۶. مقزم، سید عبدالرزاق (۱۳۷۰)، نگاهی گذرا به زندگانی امام رضا علیه السلام، ترجمه مرتضی دهقان، بی جا، میقات.

ص: ۱۷۵

## لیست مقالات رسیده به همایش

آقارضوی،

سیدمحمد

خداشناسی

در گفتار امام رضا علیه السلام

ابراهیمی، محمدعلی

مشروعیت

فقهی و فواید روحی

- روانی زیارت

احترامی

و حجازی

شرحی

بر چند مدیحه در منقبت امام رضا علیه السلام

احمدی فر،

مصطفی

جستاری

در جایگاه امام رضا علیه السلام

اسدی،

علی



بررسی

مستند جایگاه کتاب مقدس در مناظرات امام رضا علیه السلام

اصفهان، سید محمدحسن و

سید حسین مجتبوی

تأثیر

حضور امام رضا علیه السلام در ایران بر گسترش تشیع

امینی فر،

حسن

روش شناسی

مناظرات امام رضا علیه السلام

ایزدی فر

مکتب

حدیثی مدینه در عصر امام کاظم و امام رضا علیه السلام

باجلان،

محمدحسن

تحلیل

مناظرات امام رضا علیه السلام

بیدگلی،

زهرة

اصلاح

الگوی مصرف در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام

پارسایی فر،

اعظم

مهارتهای

زندگی در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام

پناهی،

نعمت الله

ویژگیهای

هستی و انسان در گفتار امام رضا علیه السلام

پیرانی شال،

علی و باقرپور زهره ولاشانی

امام

رضا علیه السلام در آینه شعر معاصر فارسی

تندیسه پور،

فاطمه

خداشناسی

در گفتار امام رضا علیه السلام

توحیدی،

فتانه

مهارتهای

زندگی در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام

جعفرزاده،

مریم و الهام برغی

مضامین

شعر رضوی در عصر صفوی

جعفری،

سمیه

امام

رضا علیه السلام در کلام معصومان علیهم السلام

حاجی زاده،

مهین

کتابشناسی

امام رضا علیه السلام هشتمین پیشوای شیعیان

حاجی زاده،

مهین و رقیه صادقی نیری

امام

رضا علیه السلام در اشعار شعرای عربی و پارسی

ص: ۱۷۶

حجازی،

سیدعلی رضا

علی بن موسی

الرضا علیه السلام در آینه شعر پارسی

حجازی،

نجمه سادات و طاهره شریفی

اصلاح

الگوی مصرف در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام

حسن آبادی،

ابوالفضل

کمک

به تازه مسلمانها توسط آستان قدس رضوی

حسنی،

سیدمحمدابراهیم

تبیین

جایگاه امامت از نگاه امام رضا علیه السلام

حسنی،

کریم

نقش

امام رضا علیه السلام در ارتقا و تقویت تشیع در ایران

حسینی،

مریم

جلوه های

رضوی در آینه شعر فارسی (بررسی دیدگاه شاعران درباره امام رضا علیه السلام)

حسینی پور

حسینی،

زینب السادات و علی اصغر اصغری

فرقه های

نوظهور در زمان امام رضا علیه السلام

رضایی،

اشرف

تبلور

علوم در سیره عالم اهل بیت علیه السلام مهارت‌های زندگی در گفتار و رفتار امام

رضا علیه السلام

زارعی،

محمد

تبیین

جایگاه امامت از نظر امام رضا علیه السلام

زمانی

رنجبر گرمرودی، سارا و زهرا دعاگو و زهرا نوروزی

بررسی

تحلیلی نقش امام رضا علیه السلام در شرایط سیاسی و فرهنگی ایران

سعیدی،

غلام عباس

جایگاه

امام رضا علیه السلام در عرفان بغداد و خراسان

سلامی،

محمد

امام

رضا علیه السلام در برابر اهل حدیث، معتزله و واقفیان

سلمانی کیاسری،

محمد

اخلاق

و رفتار سیاسی امام رضا علیه السلام

شاه مرادی زاده،

راحله

توصیه های

تغذیه درمانی در کلام رضوی و یافته های نوین علمی

شاه مرادی زاده،

را حله

حجامت

درمانی در کلام گهربار امام رضا علیه السلام

شربتیان،

محمد حسن

مطالعه

شکل گیری فرایند جامعه پذیری شهری در آرمان شهر رضوی

ص: ۱۷۷

شربتیان،

محمدحسن

بررسی

نقش اجتماعی و فرهنگ توریسم مذهبی در مشهد

شربتیان،

محمدحسن

تأملی

فرهنگی بر نقش و کارکرد زیارت

شفایی،

امان الله

جایگاه

انسان در اندیشه امام رضا علیه السلام

صادقی

نیری، رقیه و مهین حاجی زاده

تحلیل

محتوایی مناظرات امام رضا علیه السلام

صرافان

کمال

فرهنگ



و آداب زیارت

صرافان

کمال

بررسی

چرایی غریب الغربا بودن امام رضا علیه السلام

صفائی،

فرزانه و طلعت صفائی

بررسی

سیره اخلاقی و علمی امام رضا علیه السلام

طبسی،

محمد محسن

شخصیت

علمی امام رضا علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

طبسی،

محمد محسن

زیارت

حضرت رضا علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

عالم

احمدزاده، محمد

روشهای

تربیتی امام رضا علیه السلام

عربی،

محمدعلی

امام

رضا علیه السلام در آینه روایات

علوی فر،

بی بی سکینه و عزیزه نیک ذات

ارائه

الگوی علمی دانش پژوهی امام رضا علیه السلام و بهره گیری از آن در تولید دانش و

اصلاح جامعه دانشی امروز

غلامی،

مهرنوش

حدود

الهی و فلسفه احکام در اندیشه امام رضا علیه السلام

فاطمی،

مرتضی

تبیین

جایگاه امامت از نظر امام رضا علیه السلام

فتح آبادی،

محمود

زیارت

و نقش تربیتی آن

فخری،

فاطمه و نسرين كمالی پور

کتابشناسی

امام رضا علیه السلام

فلاح،

ابراهیم

سیمای

امام رضا علیه السلام در اشعار شعرای شیعی معاصرش

قربانی

مقدم، رسول

گسترده‌گی

علم امام رضا علیه السلام

کاظم زاده،

موسی

اخلاق و آداب امام رضا علیه السلام از نگاه ائمه علیهم

السلام، احادیث و...

ص: ۱۷۸

کاظم زاده،

موسی

تأثیر

ورود امام رضا علیه السلام بر تحولات فرهنگی ایران

کاویانی،

ابوطالب

آرا و اندیشه های کلامی در بیانات و مناظرات امام رضا

علیه السلام

کتابی،

مریم و شهرزاد

اصلاح

الگوی مصرف در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام

کتانی،

علیرضا و سارا امجدی

فرهنگ

و آداب زیارت

کرامتی

مقدم، سیدعلی

امام

رضا علیه السلام در آینه شعر و ادبیات فارسی

کشتی

رحیمی، زهره

تصویر

امامت در آینه کلام رضوی

گرزین،

زهرا و فاطمه گرزین

سیره

اخلاقی امام رضا علیه السلام

گلی فر،

حجت

نبوت

و امامت در گفتار امام رضا علیه السلام

گودرزی،

محمد

فرهنگ

و آداب زیارت

محمدزاده،

ناهید و نیلوفر محمدزاده

تبلور

علوم در سیره عالم اهل البیت علیهم السلام

محمدزاده،

ناهدید و نیلوفر محمدزاده

دانش

و دانش پژوهی در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام

محمدی،

بنیامین

سفر

امام رضا علیه السلام و تشیع در ایران

محمدی،

علیرضا

قبول

ولایتعهدی امام رضا علیه السلام ادامه مبارزه حاد سیاسی امامان علیهم السلام

محمدی،

نیره

حکومت

سیاسی امام رضا علیه السلام

مرتضی زاده،

فرحناز السادات

فرهنگ

و آداب زیارت

مردانی

نوکنده، محمدحسین

روش شناسی

مناظرات امام رضا علیه السلام

مصطفوی نیا،

سیدمحمدرضی و ابراهیم توبه یانی و فرزاد باباحسینی

صاحب

بن عباد و دو قصیده وی

مصطفوی نیا،

سیدمحمدرضی و رضا لونی و حمید دادفر

امامان

معصوم علیهم السلام الگوی راستین مصرف

ص: ۱۷۹

موحدی،

محسن

کتب

مقدس در مناظرات امام رضا علیه السلام

موسوی،

رقیه سادات

نقش

امام رضا علیه السلام در جریان امامت

نخعی،

زهرا

فرهنگ

آداب و زیارت

نوری،

عبدالحسین

امامت

چیست و امام کیست؟

وطن دوست،

رضا

خردورزی



در اندیشه کلامی امام رضا علیه السلام

هاتفی،

غلامرضا

سیمای

امام رضا علیه السلام در شعر فارسی

یوسفی،

حسین علی و مهری شیرانی

رهنمودهای

بهداشتی و زیست محیطی امام مهربانیها

**لیست چکیده مقالات رسیده به همایش (اصل مقاله واصل نگردید)**

احمدوند،

کبری و وحیده مرادیان محمدیه

نقش

امامت در مسائل تربیتی از دیدگاه امام رضا علیه السلام

اخوان ارمکی، عباسعلی

صبر

از دیدگاه حضرت امام رضا علیه السلام

اخوان ارمکی، عباسعلی

بررسی

و تبیین اصول خوشبختی در سیره امام رضا علیه السلام

اخوان ارمکی، عباسعلی

امام

رضا علیه السلام و ایران

اربابی

نشلجی، اعظم

حکمت

و فلسفه وجودی نماز از دیدگاه امام رضا علیه السلام

بلاوی،

محمدرسول

جایگاه

و منزلت امام رضا علیه السلام در شعر عربی دوره عباسی

بیرانوند بارانی، ابراهیم

تبیین

جایگاه امامت از نگاه امام رضا علیه السلام

پیروزفر،

سهیلا و بهاره مجتهدزاده

زمان

و مکان در سیره امام رضا علیه السلام

جعفری اسکندری، علی

معاد

جسمانی از دیدگاه امام رضا علیه السلام

حسینی،

رؤیا

عرفان

امام رضا علیه السلام

رحیمی کنشتی، زهره

تصویر

امامت در آئینه کلام رضوی

صفائی،

فریبا و الهام صفائی

بررسی

مناظرات امام رضا علیه السلام

ص: ۱۸۰

طباطبایی،

سیداحمد و اعظم قادریه

نگاهی

گذرا به بهداشت روانی در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام

طباطبایی،

سیداحمد و اعظم قادریه

نگاهی

گذار به پزشکی و بهداشت در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام

علوی فر،

بی بی سکینه و عزیزه نیک ذات

ارائه

الگوی عملی دانش پژوهی امام رضا علیه السلام و بهره گیری از آن در تولید دانش و

اصلاح جامعه دانشی امروز

فتح اللهی،

مسلم و علیرضا جمالی منش

نگرش

امام رضا علیه السلام به علوم انسانی و ترجمه

فتح اللهی،

مسلم و علیرضا جمالی منش

جایگاه

فعلی علوم انسانی در ایران عصر حاضر

قاسمی،

حسین

مروری

بر آموزه های اقتصادی امام رضا علیه السلام

کلیایی،

مریم

آداب

و فرهنگ زیارت

مطرقی،

عبدالحلی و رسول بلاوی

سیمای

امام رضا علیه السلام در شعر دعبل خزاعی شاعر امام رضا علیه السلام

مهرابیان،

لیلا

تبلور

مدیریت و سیاست در جریان امامت امام رضا علیه السلام

نیکزاد

طهرانی، علی اکبر

امام رضا علیه السلام در تقویت و ارتقای تشیع در ایران

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

